

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزوه آموزش احکام

مدرس: استاد صادق

مدرسه علمیه مجازی امام صادق علیه السلام

[www.imamsadiq.tv](http://www.imamsadiq.tv)

# درس اول

## سعادت و کمال در مکتب اسلام

سعادت و کمال آرزوی همه ی بشریت است

در مکاتب و ایده های مختلف، روش رسیدن به کمال و سعادت و اینکه موضوع کمال و سعادت چیست، اختلاف نظر وجود دارد

راهکارهای مختلف مکاتب برای رسیدن به این دو مورد (مشخص کردن موضوع کمال و سعادت و راه رسیدن به آن) متفاوت است

در مکتب اسلامی آنچه بعنوان سعادت بشر تعیین شده، تنها خوشبختی در دنیا نیست بلکه خوشبختی در ورای این زندگی دنیایی است

در آیات مختلف قرآنی ملاک سعادت بشر، رسیدن به رستگاری حقیقی، مقام جنت الهی، از مسیری که ختم یه اینها شود است

در بیش از ۵۰ آیه از آیات قرآنی، خداوند راه رسیدن به بهشت را منوط به دو امر دانسته است

به طور مثال در آیه ۸۲ سوره بقره خداوند متعال می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾

یعنی سلاح ایمان و عمل صالح در کنار هم لازمه ی رسیدن به جنت الهی و خلود در آن است

در شریعت اسلامی مهمترین مباحث مطرح شده، همان ایمان و عمل صالح است  
مبانی ایمان از نظر علما و بزرگان اسلام همان اصول اعتقادی است که برای رسیدن به حداقل مراتب ایمانی، تحصیل آنها لازم است و بدون آنها، اصل ایمان منتفی است  
نام دیگر این اصول اعتقادی، اصول دین (توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد) است

این اصول، نقطه ابتدایی مسلمانی و بهشتی شدن انسان است و برای تحصیل آنها نیاز به زحمت و تحقیقات است تا برای انسان قلبا و یقینا مسلم شوند

در صورتی که انسان با زحمت و تحقیق خود، ایمان یقینی به این اصول پیدا کند، ایمان در او (به اندازه استحکام اعتقادی او به این اصول) شکل گرفته است

این مباحث اعتقادی که لازمه ایمان است باید با علم، تحقیق و اعتقاد شخصی و قلبی و درونی شخص باشد و راه رسیدن بنابر استعدادها و راهکارهای هر فرد متفاوت است. لذا می بینیم در ابتدای رساله های عملیه بزرگان و مراجع عظام تقلید بیان شده که مسائل اعتقادی، تقلیدی نیستند

بعد از این مرحله (تحصیل ایمان به اصول دین)، نوبت به مرحله عمل صالح است

عمل صالح نیاز به مشخص شدن مصادیق آن دارد که چه عملی صالح و چه عملی غیر صالح است

ممکن است صالح بودن عملی برای شخص مسلم باشد اما در نحوه اجرا، شرایط و مقدمات آن عمل باید دارای راهکاری باشیم تا به عمل صالحی برسیم که مورد نظر صاحب دین باشد نه عمل صالحی که بنابر سلیقه و میل شخصی خودمان باشد

## **راهکارهای تعیین عمل صالح، شرایط، موانع و مقدمات آن**

۱- اجتهاد (مهمترین، بهترین و البته دشوارترین راهکار):

انسان با زحمت و تحقیق خود، به مستندات و براهین برای تعیین عمل صالح اقدام کرده و به استنباط شخصی برسد که چه عملی واجب، حرام، مستحب، مکروه یا مباح است که این راهکار اجتهاد نام دارد و شخصی که به این توانایی رسیده که بتواند از منابع دینی استنباط کند مجتهد نام دارد

اما این روش مسلما برای همه مکلفین مقدور نیست زیرا مقدمات این کار بسیار طولانی و دشوار و نیازمند استعداد بالایی است که هر فردی قادر به طی این راهکار نیست

۲- احتیاط:

سه روش احتیاط:

### الف- احتیاط در انجام فعل:

مثل مواردی که اختلافی است و عده ای حکم به وجوب فعلی داده اند و در کنار اینها افراد دیگری حکم به عدم وجوب همان فعل داده اند (مستحب، مکروه یا مباح دانسته اند). کسی که قصد احتیاط دارد، باید این فعل را انجام دهد که اگر این عمل فی الواقع واجب باشد، مکلف به آن عمل کرده و اگر هم واجب واقعی نباشد، مرتکب حرام نشده، مثل تسبیحات اربعه که به اعتقاد برخی باید ۳ مرتبه و به اعتقاد برخی دیگر حد واجب آن ۱ مرتبه است و ۲ مرتبه دیگر مستحب است

در این مساله شخصی که قصد احتیاط دارد باید ۳ مرتبه تسبیحات را بگوید که اگر احیانا ۳ مرتبه گفتن واجب واقعی باشد، مکلف ترک واجبی مرتکب نشده است و اگر هم فقط ۱ مرتبه واجب باشد، مکلف کار حرامی انجام نداده است

### ب- احتیاط در ترک فعل:

مثل مواردی که مردد بین حرمت و عدم حرمت است (ولی یقین داریم که واجب نیست). در این فرض، شخص مکلف که قصد احتیاط دارد باید این عمل را ترک کند، که یقینا به حکم شرع عمل کرده باشد و با ترک این عمل احیانا حرامی مرتکب نشده و فعل واجبی را نیز ترک نکرده است  
مثل تراشیدن ریش برای مردها (به خصوص دوطرف صورت)  
که بین مجتهدین اخلاف نظر است و برخی تراشیدن طرفین صورت (در صورتی که ریش قسمت چانه باقی بماند) را حرام نمی دانند اما برخی دیگر تراشیدن ریش در مجموع صورت را (چه طرفین و چه قسمت چانه) حرام می دانند  
لذا کسی که قصد احتیاط دارد، نباید هیچ قسمتی از صورت را بتراشد تا در هر صورت مرتکب هیچ حرامی در این زمینه نشده باشد

### ج- احتیاط در جمع بین دو فعل:

مثل شخصی که در موقعیتی از سفر است که تردید دارد مسافر شرعی است یا نه، در صورتی که مسافر شرعی محسوب شود، نماز شکسته و در غیر این صورت، نمازش کامل است

در این موارد که شخص مردد است آیا شرعا حکم مسافر را دارد یا ندارد وظیفه  
شخص احتیاط کننده این است که باید هم نماز کامل و هم شکسته بخواند تا با  
انجام هر دو فعل، قطعا به حکم واقعی عمل کرده باشد

# درس دوم

## تقلید

۳- تقلید: (تقلید مکلف از یکی از فقها و مجتهدین)

## تقلید چیست؟

معنای لفظی تقلید مورد بحث ما نمی باشد

معنای اصطلاحی تقلید:

بین اعلام و فقها اختلاف نظر است و در مجموع می توان گفت نظریات فقها در ۲ بخش قابل جمع است:

الف) تقلید امری است نفسانی یعنی به صرف تصمیم شخص و التزام نفسانی او به اینکه عمل خود را انطباق دهد بر فتاوی مجتهد خاص، تقلید محقق شده است (حتی اگر بطور مثال مجتهد مورد تقلید از دنیا برود و برای مکلف در مرحله عمل پیش نیاید که طبق فتاوی آن مجتهد عمل کند)

ب) تقلید تطبیق دادن عملی، طبق فتاوی مجتهد است نه صرف التزام نفسانی

## ضرورت تقلید چیست؟

(چرا در عصر حاضر و با پیشرفت روز افزون علم و تکنولوژی در عرصه های مختلف، بازهم انسان باید از یک شخص خاص تقلید کند؟)

علاوه بر اینکه در روایات و اخبار، مواردی وجود دارد که موید تقلید است

مثل روایت زیر که از امام عسکری علیه السلام نقل شده است:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ  
فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ... (احتجاج طبرسی)

دلیل عقلی و سیره عقلایی نیز موید تقلید است. توضیح اینکه

انسان در هر موقعیت و شرایط پیش آمده در طول حیات خود، به شخص متخصص و  
عالم رجوع می کند (رجوع جاهل به عالم)

حتی مثلا اگر یک فقیه و مجتهد دچار بیماری شود برای معالجه خود به صورت  
خودسر عمل نمی کند و به پزشک مراجعه و از او دستور می گیرد

لذا آن پزشک متخصص هم برای دانستن وظیفه عملی خود نسبت به نماز، روزه، حج  
و سایر احکام، باید به متخصص این فن، یعنی مرجع تقلید مراجعه کند و یا مثلا برای  
ساختن یک ساختمان باید همان پزشک متخصص به مهندس و متخصص این فن  
مراجعه کند و این روش عقلایی است که انسان در هر امری از امور زندگی باید به  
متخصص آن امر مراجعه کند و در مساله تقلید در احکام دینی نیز همین گونه است که  
در صورت عدم اجتهاد مکلف و انجام ندادن احتیاط، راه دیگری جز تقلید باقی نمی ماند

## شرایط مرجع تقلید چیست؟

عقل

بلوغ

ایمان (شیعه اثنا عشری بودن)

مرد بودن:

حتی اگر مقلد زن باشد باید نمی تواند از زن دیگری تقلید کند اما اگر زنی به درجه اجتهاد  
رسید برای خودش کفایت می کند یعنی دیگر نیازی به تقلید از دیگری ندارد اما دیگران  
نمی توانند از این زن مجتهد تقلید کنند

حلال زاده بودن

عدالت

زنده بودن:

در تقلید ابتدایی شرط است، یعنی اگر کسی می خواهد مرجع تقلید انتخاب کند نمی تواند از مراجعی که از دنیا رفته اند یکی را انتخاب کند، اما اگر هنگام انتخاب زنده بوده و بعداً از دنیا رفته است، ادامه بر تقلید آن مرجع متوفی طبق نظر مشهور فقهاء بلا اشکال است، البته در جزئیات این مساله اختلاف نظر وجود دارد



# درس سوم

توضیحاتی پیرامون سه شرط از شرایط مرجع تقلید

## اجتهاد

اصطلاح اجتهاد اصالتاً ریشه در افکار و فقه اهل تسنن دارد که بعداً وارد مباحث فقهی امامیه شده است

اجتهاد از جهت لغت از جهد یا جهد گرفته شده و به معنای تلاش کردن است در کتب اهل سنت اجتهاد (در مسائل شرعی) این گونه تعریف شده است: "استفراغ الوسع لتحصيل الظن باحكام الشرعيه" یعنی انسان تمام تلاشش را در جهت رسیدن به ظن در احکام شرعی انجام دهد

تعریف فوق نزد شیعیان، وجاهت ندارد زیرا هر ظنی به صرف ظن بودن قابل اعتنا و عمل نیست، لذا علمای شیعه با ایجاد تغییراتی در این تعریف آنرا طبق مبانی امامیه این گونه تعریف کرده اند:

"اجتهاد ملکه ای نفسانی است که در شخص بوجود آمده و به وسیله آن قادر به استنباط احکام شرعی می شود"، واژه استنباط در این تعریف، شامل علم و یقین و یا ظن ملحق به علم می شود

اگرچه تعریف فوق اشکالات تعریف اهل سنت را رفع می کند اما این تعرف هم مبتلا به اشکالاتی است که در جای خود باید مفصلاً بحث شود

آنچه در بین متأخرین از علما به عنوان تعریف از اجتهاد بیان شده این است که "اجتهاد تحصیل حجت بر حکم شرعی است" یعنی در محضر خداوند برای احکام شرعی که صادر می کند حجت و دلیل شرعی داشته باشد

تحصیل حجت بر حکم شرعی نیاز به مقدماتی دارد، و از آنجایی که تمامی منابع و مصادری که در دست ماست، مثل روایات، قرآن و... به زبان عربی است، لذا شخصی که اراده استنباط این احکام را دارد باید مقدمات فراگیری زبان عربی (مثل علم صرف، نحو، بلاغت و...) را فراهم و تخصص لازم را در این زبان پیدا کند. علاوه بر زبان عربی باید در مباحث اصولی، علم رجال، درایه و... نیز تخصص های لازم را کسب کند

عناوین فقیه و فقاہت را می توان جایگزین مناسبی برای عنوان اجتهاد که مصطلح در بین اهل سنت است در نظر گرفت  
فقیه ممکن است در مراتب و درجه های مختلف اجتهاد قرار داشته باشد که دو تقسیم عمده در این درجه بندی ذکر شده:

تقسیم اول:

الف- مجتهد بالقوه:

مقدمات اجتهاد و فقاہت را فراهم کرده و قدرت استنباط را دارد ولی هنوز عملاً استنباط و تحصیل حجت نکرده است، لذا تقلید از این نوع مجتهد صحیح نمی باشد

ب- مجتهد بالفعل:

مجتهدی که علاوه بر فراهم آوردن مقدمات استنباط، به صورت عملی نیز تحصیل حجت بر احکام شرعی را انجام داده است، این شخص صلاحیت تقلید را دارد

تقسیم دوم (تقسیم مجتهد بالفعل):

الف- مجتهد مطلق:

در جمیع ابواب فقهی به درجه اجتهاد رسیده است

ب- مجتهد متجزی:

فقط در بعضی ابواب فقهی استنباط و اجتهاد کرده است

طبق نظر علمای متأخر، تقلید از مجتهد متجزی که در اکثر ابواب فقهی اجتهاد کرده نیز جایز می باشد

# درس چهارم

در صورت تعدد مراجع تقلید، ملاک انتخاب باید اعلمیت باشد (اعلمیت زمانی مطرح می شود که بین مجتهدین اختلاف در فتوا وجود داشته باشد، اگر بالفرض مجتهدین هیچگونه اختلاف فتوایی در هیچ مساله ای نداشته باشند، بحث اعلمیت دیگر مطرح نیست)

## منظور از اعلم چیست؟

این است که مجتهد مورد نظر در بین سایر مجتهدین اعراف به قواعد و کلیات باشد و اقوی در استنباط احکام شرعیه باشد (در مسائل اصولی و کلیات قواعد فقهی و در انطباق آنها بر مصادیق و فرعیات، توانایی بیشتری نسبت به سایر مجتهدین داشته باشد)

## طریقه تشخیص اعلم از غیر اعلم چیست؟

سه راه برای تشخیص اعلم از غیر اعلم (و تشخیص مجتهد از غیر مجتهد):

الف) شخص مکلف در مرتبه ای از علمیت باشد که خودش قادر به تشخیص باشد (خود مکلف خُبره باشد)

ب) شهادت دو نفر اهل خبره و عادل

ج) شیاع مفید علم (اعلمیت یک مجتهد، شایع و مورد اتفاق همه افراد جامعه باشد)

# درس پنجم

## عدالت

بحث عدالت در ابواب مختلف فقهی ذکر شده و مختص بحث شرایط مرجع تقلید نیست، مثل عدالت قاضی، عدالت در شهادت دادن، عدالت امام جماعت، عدالت شاهدان طلاق و...

## عدالت چیست؟

معنای لغوی:

تعریف اول: استقامت و عدم اعوجاج و انحراف (این معنا در مورد هرچیز و هرکسی مطرح است و مختص مورد خاصی نیست، مثل "الجدار عدل"، یعنی دیوار صاف است)

تعریف دوم: عدالت یعنی وضع الشیء فی موضعه، یعنی هرچیزی در جای مناسبش باشد، مثل سخن گفتن در جای مناسب، سکوت کردن در جای مناسب و...

معنای اصطلاحی:

تعاریف علما در این باب مختلف و متفاوت است که به چهار مورد آن اشاره می‌نمائیم:  
الف- عدالت حالت و ملکه ای نفسانی است که موجب ترک معصیت و انجام واجبات می‌شود (تعریف مشهور)

ب- عدالت یعنی ترک معاصی و انجام واجبات حتی اگر انگیزه درونی وجود نداشته باشد. مثلاً در شرایطی باشد که مجبور باشد یا از روی عادت انجام دهد یا ترک کند یا مثلاً در سنی باشد که مبتلا به حرامی مثل شهوت و نگاه حرام به نامحرم نمی‌شود (چه به صورت ملکه نفسانی باشد چه نباشد)

ج- عدالت دو شرط دارد، یکی اسلام و دیگری متظاهر به فسق نبودن (این تعریف، عام‌ترین تعریف از عدالت است)

د- عدالت یعنی استقامت و عدم اعوجاج در جاده شریعت به داعی خوف من الله و رجاء ثواب (تعریف متاخرین و ماحصل تعاریف قبلی)  
این تعریف در واقع همان تعریف لغوی است که با اضافه شدن قید شریعت، موارد دیگر خارج شده یعنی مراد از عدالت، استقامت در جاده شریعت است نه در هر مورد دیگر و با قید داعی خوف من الله و رجاء ثواب، کسانی که ناخواسته یا عادتاً در جاده شریعت هستند خارج می شوند

## طریقه ی احراز عدالت

الف- علم خود شخص:

خود مکلف در اثر معاشرت با آن مرجع، رفت و آمد و... به عدالت مرجع علم پیدا میکند و یا از طریق شیوع عدالت او، علم به عدالتش حاصل شود

ب- شهادت دو نفر عادل:

دو نفر عادلی که قبلاً عدالت این دو نفر برای مقلد اثبات شده، به عدالت آن مرجع شهادت دهند

بعضی قائلند که شهادت عدل واحد کافی است

حتی بعضی ثقه بودن را کافی دانسته و عدالت (دو نفر) را شرط لازم و حتمی نمی دانند

ج- حسن ظاهر:

یعنی از اطرافیان آن مجتهد تحقیق و پرس و جو انجام داده و آنها او را تصدیق کنند و شهادت به خوبی او بدهند

# درس نهم

## حیات

تقلید از مجتهد متوفی بصورت ابتدایی (در ابتدای انتخاب مرجع تقلید) جائز نیست و در این مساله تقریباً هیچ اختلافی وجود ندارد کسی که قبلاً از مرجع زنده و اعلم تقلید میکرده و الآن مرجع تقلید او از دنیا رفته است، در این که می تواند باقی بماند بر تقلید از مرجع متوفی یا باید رجوع کند به مرجع زنده، اختلاف نظرهای عمیقی وجود دارد که به آنها اشاره می کنیم:

نظر برخی از فقهاء (بیشتر فقهاء متقدم):  
جائز نیست بقاء بر مجتهد متوفی و مکلف باید رجوع کند به مرجع تقلید اعلم زنده

نظر بعضی دیگر (تقریباً همه متاخرین):  
با تفصیلاتی، جائز است بقاء بر مرجع متوفی، به این صورت که مکلف وظیفه اش این است که به محض فوت مرجعش باید در بین مراجع زنده، اعلم را پیدا کرده و نیتش تقلید از او باشد و اگر مرجع اعلم زنده این اجازه را به مکلف داد که باقی بر متوفی باشد، در این صورت اشکالی ندارد، یعنی مکلف مستقلاً نمی تواند بر مرجع متوفی باقی باشد و نیاز به اجازه مجتهد زنده دارد

در چه مسائلی می توان بر نظریات مرجع تقلید متوفی باقی ماند؟

برخی معتقدند در جمیع مسائل می توان باقی بود

برخی معتقدند صرفاً در مسائلی که مقلد در زمان حیات آن مرجع متوفی آن مسائل را یاد گرفته است (خواه به آنها عمل هم کرده باشد یا نه)، اما در مسائلی که در زمان حیات مرجع متوفی اصلاً به آنها رجوع نکرده و نظریات مرجع متوفی را راجب آنها نمی داند باید به مرجع زنده رجوع کند

برخی دیگر معتقدند صرفاً در مسائلی که در زمان حیات مرجع متوفی، مقلد به آنها (طبق فتاوی متوفی) عمل کرده می تواند باقی باشد و در مسائلی که برای او پیش نیامده و به آنها مبتلی نشده باید به مرجع زنده رجوع کند

برخی معتقدند اگر بعد از وفات مرجع تقلیدی که مکلف علم به اعلمیت و عدالت او داشته، شخص مکلف با تحقیق و بررسی در بین مراجع زنده، شخصی اعلم تر از مرجع متوفی پیدا نکرد، در این فرض واجب است بر تقلید از متوفی باقی بماند. و اگر ثابت شد در بین مراجع زنده اعلم تر از مرجع متوفی هم وجود دارد، بر مکلف واجب است از متوفی عدول کند

اما اگر هر دو (مرجع متوفی و مرجع اعلم زنده) در یک سطح بودند و اعلمیت یکی بر دیگری احراز نشد، در این حالت دو فرض پیش می آید:

الف- مکلف یقین دارد در زمان حیات متوفی، او حتی از مرجع جدید هم اعلم تر بوده است، در این فرض استصحاب اعلمیت متوفی جاری می شود و مکلف بر تقلید از متوفی باقی می ماند

ب- اگر مردد است بین اعلمیت دو مرجع و حتی احتمال می دهد مرجع زنده شاید در زمان زنده بودن مرجع متوفی از او هم اعلم تر بوده، در این فرض اگر بین فتاوی این دو مرجع اختلاف نظری وجود ندارد، مکلف مخیر است از کدام یک تقلید کند. اما اگر اختلافاتی وجود دارد، مکلف باید در مسائل اختلافی جانب احتیاط را در پیش گیرد

اگر مکلف بعد از فوت مرجع تقلیدش، بدون هیچ تحقیق و بررسی و ندانسته بر تقلید متوفی باقی مانده است و بعداً متوجه شده که اجازه مرجع زنده هم لازم است، باید با تحقیق و بررسی در بین مراجع زنده، اعلم آنها را انتخاب کرده و مشخص کند که آیا طبق نظر مرجع زنده می تواند باقی بر متوفی باشد یا نمی تواند.

اگر اعمال مکلف در این فاصله زمانی که علم نداشته، مطابق با وظیفه اش که اکنون مشخص شده، بوده است، در این صورت اعمال او صحیح و اگر مطابق با وظیفه مشخص شده اش نبوده باید تمام اعمالش را اعاده کند (حکم مکلف در این مورد مانند حکم کسی است که مرجع تقلید نداشته است)

اگر مرجع تقلید مکلف از دنیا رفت و او با اجازه مرجع زنده ی دیگری بر تقلید متوفی باقی ماند و بعد از مدتی، مرجع زنده دوم نیز از دنیا رفت و نوبت به انتخاب مرجع سوم رسید، در این فرض دو حالت متصور است:

الف- مرجع سوم جائز می داند بقاء بر متوفی را:  
مکلف مخیر است باقی بر مرجع متوفی اول یا دوم باشد

ب- مرجع سوم واجب می داند بقاء بر متوفی را:  
مکلف حق بقاء بر مرجع متوفی دوم را ندارد و واجب است بر مرجع متوفی اول باقی بماند  
و به همین ترتیب است اگر مرجع سوم نیز از دنیا برود...



# درس هفتم

## تمه بحث تقلید

مقلدی که با رعایت تمامی ضوابط و شروط گفته شده، مرجع تقلیدی را انتخاب کرد، جایز نیست بدون دلیل از آن مرجع عدول کرده و از شخص دیگری تقلید نماید

## موارد جواز (وجوب) عدول از مرجع تقلید:

- ۱- مکلف بعد از مدتی اعلمیت شخص دیگری برایش ثابت می شود و متوجه می شود آن شخص دیگر، نسبت به مرجع تقلید فعلی او اعلم است چه شخص دوم از همان ابتدا اعلم بوده اما مکلف بر اساس تحقیقات و پرس و جوهای خود به او نرسیده است چه اینکه شخص دوم بعدا کسب اعلمیت کرده باشد
- ۲- مرجع تقلید فعلی بعد از مدتی فاقد یک یا چند شرط از شرایط مرجعیت شود (مثلا عدالتش زیر سوال برود یا...)

۳- مکلف متوجه شود که مرجع تقلید او از ابتدا صلاحیت تقلید نداشته و او در انتخاب خود دچار اشتباه شده است

- تفاوت مورد سوم با دو مورد دیگر در این است که در دو مورد اول، از ابتدا صلاحیت وجود داشته و بعدا از بین رفته و اعمال مکلف صحیح است اما در مورد سوم از ابتدا صلاحیت وجود نداشته و مکلف موظف است اگر اعمال او در زمان تقلید از مرجع فاقد صلاحیت، طبق نظر مرجع تقلید جدید و دارای صلاحیت نیست باید اعمالش را اعاده کند

در بحث مرجع متوفی اگر مکلف بعد از انتخاب مرجع زنده توسط او مخیر شد بین بقاء بر مرجع متوفی و تقلید از مرجع زنده و تقلید از زنده را انتخاب کرد، در این فرض هم دیگر مکلف حق عدول از مرجع زنده به متوفی را ندارد

اگر برای مجتهدی در مسئله ای تبدُّل حاصل شد (فتوای مجتهد عوض شد) در صورتی که مکلف از نظر جدید آگاه شود لازم است از نظر قبلی به نظر جدید عدول کرده و به فتوای جدید عمل کند

اگر برای مکلف در سه مورد زیر شک پیش آید:  
الف- شک می کند مرجع تقلیدش زنده است یا فوت کرده  
ب- شک دارد که در مساله ای برای مرجعش تبدل پیش آمده یا نه  
ج- شک دارد مرجع تقلیدش هنوز هم حائز شرایط تقلید هست یا فاقد یک یا چند شرط شده است

در این سه فرض مکلف نباید به شک های خود اعتنا کند و باید همانند سابق به تقلید خود ادامه دهد مگر اینکه یقین حاصل کند که یک یا چند مورد از موارد بالا اتفاق افتاده که باید طبق وظیفه نسبت به همان مورد عمل کند

اگر فرض کنیم مکلفی اعلامیت یک مجتهد برایش ثابت شده اما نه در تمام ابواب فقهی بلکه در بخشی از آنها (مثل عبادات: نماز، روزه، حج و...) و اعلامیت شخص دیگری در بخش دیگری از ابواب فقهی برایش ثابت شده (مثل معاملات: عقود، ایقاعات و...) وظیفه این مکلف این است که در هر باب از ابواب فقهی به شخص اعلم در همان باب رجوع کند (تبعیض در تقلید)

## راه های به دست آوردن فتاوی مرجع تقلید:

- ۱- به صورت حضوری (از شخص مرجع تقلید استماع کند)
- ۲- دو نفر عادل نقل فتوا کنند
- ۳- عدل واحد یا حتی شخص ثقه نقل فتوا کنند (در این دو مورد در صورتی نقل این دو نفر خصوصاً شخص ثقه حجت است که مکلف ظن به خلاف نقل آنها نداشته باشد یعنی احتمال ندهد که فتوای مرجع تقلیدش خلاف آن چیزی است که این دو نفر نقل می کنند)
- ۴- رساله عملیه:

در صورتی حجت است که مورد تایید مرجع تقلید باشد و مهر او بر این رساله موجود باشد، لذا نقل فتوای مرجع تقلید در کتب دیگری که مورد تایید مستقیم مرجع تقلید نیست حتی اگر مثلاً عکس آن مرجع روی جلد کتاب چاپ شده باشد و یا اطمینان داده شده باشد که قول مرجع تقلید است، حجت نخواهد بود

شخصی (عادل یا ثقه ای) که برای مقلدین یک مرجع تقلید نقل فتوا می کند:

الف- اگر در نقل فتوا دچار اشتباه شد:  
وظیفه دارد تک تک کسانی که فتوای اشتباه به آنها رسیده است را از اشتباه در آورد  
ب- اگر بعدا مرجع تقلید دچار تبدل رای شد:  
بر ناقل فتوا لازم نیست این تبدل را به اطلاع کسانی که برای آنها فتوای قبلی را نقل  
کرده بود برساند

# درس هشتم

## کتاب طهارت

### دو اصطلاح فقهی مهم در باب طهارت:

۱- خبث: نجاسات ظاهری، مثل خون، بول، غائط و...

اصطلاح "طهارت از خبث" به پاک شدن از این نوع نجاسات اشاره دارد

۲- حدث: آلودگی های باطنی که در بعضی شرایط واجب است از آنها پاک شویم  
مثل جنابت که در هنگام نماز یا موارد دیگر واجب است جهت برطرف کردن آن  
غسل انجام شود (عین نجاست قبلا پاک شده و هدف از غسل طهارت از  
نجاست یا همان خبث نیست بلکه هدف طهارت از حدث است)

اصطلاح "طهارت از حدث" به پاک شدن از این نوع آلودگی ها اشاره دارد

مبحث طهارت در کتب فقهی در مورد طهارت از حدث بحث می کند و مباحث مربوط  
به طهارت از خبث به عنوان مقدمه این بحث در نظر گرفته می شود  
معمولا شروع مبحث طهارت در کتب فقهی از بحث ماء (آب) است چون آب یکی از  
مهمترین و اصلی ترین مطهرات است، همان گونه که خداوند متعال در بخشی از آیه ۴۸  
سوره فرقان می فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا﴾ که عبارت طهورا در این آیه  
شدت پاکی آب را می رساند یعنی آب نه تنها خودش پاک است بلکه پاک کننده نیز می  
باشد

برای روشن تر شدن بحث، مبحث طهارت را از بحث مایع که عام تر از بحث آب است  
شروع می کنیم

## تقسیم مایعات

- ۱- مایعاتی که اطلاق عنوان آب بر آنها صحیح نیست:  
غالباً فی نفسه پاک هستند امام پاک کننده نیستند مثل شیر و در اثر ملاقات با نجاست، نجس می شوند چه کم باشند چه زیاد
- ۲- مایعاتی که اطلاق عنوان آب بر آنها صحیح است:  
الف) آب مطلق: حقیقتاً آب هستند و ممکن است عناوینی داشته باشند که به آنها اضافه شود ولی در اصل آب بودن آنها خللی ایجاد نمی کند، مثل آب چاه، آب باران و...  
• آب مطلق فی نفسه پاک است و هم پاک کننده از حدث و خبث است

- ب) آب مضاف: حقیقتاً آب نیستند، یعنی عناوین دیگری به آنها اضافه می شود که حقیقت آب بودن خود را از دست می دهند، مثل آب میوه، گلاب و...  
• آب مضاف فی نفسه پاک است اما پاک کننده نیست، نه از حدث و نه از خبث و اگر با کوچکترین نجاستی ملاقات کند فوراً نجس می شود، چه زیاد باشد چه کم

انواع آب مطلق: آب قلیل، آب گُر، آب چاه، آب جاری، آب باران

نجاست آب مطلق:

- ۱- آب قلیل:  
به صرف ملاقات با نجاست، نجس می شود و بعد از نجس شدن نه پاک است و نه پاک کننده ی خبث یا حدث
- ۲- آب غیر قلیل (کر، جاری، چاه، باران):  
به صرف ملاقات با نجاست نجس نمی شوند بلکه اگر تغییری در رنگ، بو یا طعم آنها اتفاق افتاد نجس می شوند، لذا اگر مثلاً خونی درون آب چاه ریخت ولی هیچ یک از اوصاف سه گانه آن تغییر نکرد، آب چاه پاک است  
✓ در نجس شدن آب قلیل تغییر فقط در اوصاف سه گانه ذکر شده ملاک است و تغییرات دیگر ملاک نجاست نیست، مثلاً تغییر دمای آب هنگام برخورد با نجاست یا تغییر رقت یا غلظت آب



## درس نهم

گفتیم که در آبهای غیر قلیل در صورت تغییر اوصاف ثلاثه در هنگام برخورد با نجاست، آب نجس می شود  
تغییر در اوصاف ثلاثه لازم نیست عینا در حد خود نجاست باشد بلکه اگر کمتر هم باشد نجس می شود (مثلا اگر خونی داخل آب چاه ریخت لازم نیست قرمزی رنگ آب چاه عینا در حد قرمزی رنگ خون باشد)  
تغییری که در اوصاف آب اتفاق می افتد باید حسی باشد نه تقدیری (و با دقت عقلی) اگر اوصاف آب طبق اوصاف متنجس دیگری تغییر کند، مثلا آبلیموی که به وسیله خون نجس شده درون آب غیر قلیل بریزد و آب، طعم، بو یا رنگ آب لیمو را بگیرد (نه اوصاف خون را)، طبق نظر مشهور علما آب نجس نیست و البته برخی دیگر قائل به نجاست آب هستند  
اگر حوضچه آبی که بیش از کر است گوشه ای از آن در اثر ملاقات نجاست اوصافش تغییر کرد دو حالت وجود دارد:

الف- مقداری که اوصافش تغییر نکرده به اندازه آب کر است:

در این صورت مقداری که تغییر نکرده پاک است

✓ اگر بعد از مدتی گوشه ای که اوصافش تغییر کرده بود به اوصاف عادی خود برگردد تمام حوضچه پاک است چون قسمت نجس ملاقات با کر داشته

ب- مقداری که اوصافش تغییر نکرده کمتر از کر است:

در این فرض تمام حوضچه نجس است

آب غیر قلیلی که اوصافش (مثلا رنگش) تغییر کرده و می دانیم این تغییر تنها بخاطر ملاقات با نجاست (مثلا خون) نیست بلکه عامل دیگری (مثل آب انار) در تغییر اوصافش دخالت دارد، در این صورت آب نجس نیست

### آب باران:

آب باران پاک کننده است در صورتی که:

- ۱- عین نجاست برطرف شده باشد
  - ۲- باران به حدی باشد که صدق بارش کند (بعضی جاری بودن را شرط می دانند)
- در پاک کنندگی آب باران حتی نیازی به فشار دادن و خارج کردن آب نیست

## مشخصه ی آب گر

مشخصه وزنی:

تقریباً ۳۷۷ کیلوگرم (کمتر از این مقدار حکم آب قلیل دارد)

مشخصه حجمی:

۲۷ وجب معمولی، یعنی حاصل ضرب طول، عرض و ارتفاع آن حداقل

۲۷ وجب باشد



# درس دهم

## مطهرات

آب، زمین، آفتاب، اسلام، تبعیت، انتقال، استحاله، انقلاب

## نجاسات

بول، غائط، خون، سگ، خوک، کافر، مردار، شراب، فقاغ، منی

اگر از این نجاسات ده گانه، نجاستی به چیز دیگری سرایت کرد، آن چیز نجس شده  
"متنجس" نام دارد

بول و غائط:

بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد (اگر رگ گردنش زده شود خون با جهش بیرون می زند) نجس است  
بول و غائط حیوان حلال گوشت (حتی اگر خون جهنده دارد) و حیوانی که خون جهنده ندارد (حتی اگر حرام گوشت باشد) پاک است  
فُضله (مدفوع) پرنندگان، محکوم به طهارت است  
اگرچه فُضله پرنندگان محکوم به طهارت است اما نماز خواندن با لباسی که فُضله پرنده حرام گوشت بر آن است صحیح نیست

## احکام تخلی

واجبات تخلی:

- ۱- ستر عورتین (از دید ناظر ممیز، یعنی کسی که به سنی رسیده است که خوب و بد را تشخیص می دهد)
- ۲- رو به قبله یا پشت به قبله نباشد (جهت شکم و سینه ملاک است)

- اگر شکم و سینه رو یا پشت به قبله باشد اما شخص کاری کند که فقط جهت ادرار عوض شود (رو یا پشت به قبله نباشد) این حالت نیز حرام است (چون هنوز شکم و سینه رو یا پشت به قبله است)
- اگر شکم و سینه رو یا پشت به قبله نباشد اما شخص کاری کند که فقط جهت ادرار عوض شود (رو یا پشت به قبله باشد) انجام این کار بنا بر احتیاط واجب حرام است

## استبراء (یکی از مستحبات تخرلی):

- ✓ همان مراحل سه گانه ای است که در کتب فقهی ذکر شده
- ✓ اگر انسان بعد از بول و تطهیر، رطوبتی از او خارج شود و شک کند آیا بول است یا خیر، در صورتی که استبراء انجام داده آن رطوبت پاک است و در غیر اینصورت رطوبت مذکور در حکم بول است
- ✓ برخی گفته اند استبراء حتما محدود به آن حرکات سه گانه نیست، بلکه گذشت زمان هم در حکم استبراء است، یعنی زمانی گذشت و شخص یقین کرد با این فاصله زمانی دیگر چیزی در مجرای بول باقی نمانده است
- ✓ استبراء در بول فقط مخصوص آقایان است

## تطهیر موضع تخرلی

- ۱- تطهیر موضع بول
  - ✓ فقط با آب امکان پذیر است
  - ✓ اگر تطهیر با آب قلیل باشد، غالب علما ۲ یا ۳ بار شستن را کافی می دانند
  - ✓ اگر با آب غیر قلیل باشد، یک بار شستن کافی است
  - ✓ در مورد شستن با آب کر مراد این است که به منبع آب کر متصل باشد نه اینکه یک ظرف از آب کر برداشته و تطهیر موضع انجام شود (در این صورت حکم آب قلیل دارد)
- ۲- تطهیر موضع غائط:

- فرض اول: غائط از موضع اصلی خود تجاوز نکرده و نجاست دیگری (مثل خون و...) به محل خروج غائط اصابت نکرده:  
در این فرض هم با آب و هم با هر چیزی که بتواند نجاست را از موضعش بکند (چوب، سنگ، پارچه و...) قابل تطهیر است
- فرض دوم: غائط از موضع اصلی خود تعدی کرده یا اینکه نجاست دیگری (علاوه بر غائط) به محل خروج غائط اصابت کرده:  
در این فرض فقط با آب تطهیر می شود
- ✓ یک مرتبه شستن کافی است چه با آب قلیل باشد یا غیر قلیل (فقط عین نجاست برطرف شود کافی است)
- ✓ در تطهیر موضع غائط فقط برطرف شدن عین نجاست ملاک است و بقای بوی نجاست دلیل بر نجس بودن نیست

# درس یازدهم

## منی و خون

منی و خون هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، چه حلال گوشت و چه حرام گوشت

- ✓ حیوانی که ذبح شرعی شده و تمام خون از بدنش خارج می شود ولی مقدار اندکی خون در بدنش باقی می ماند، این خون باقی مانده با دو شرط پاک است:  
شرط اول: خون حیوان پس از ذبح به صورت عادی خارج شده باشد، یعنی مانعی برای خروج خون نبوده باشد. در این صورت مقدار خون باقی مانده پاک است  
شرط دوم: اندک خون باقی مانده که پاک است، با نجاست دیگری (مثلا چاقوی نجس) برخورد نکند
- ✓ اگرچه خون باقی مانده بعد از ذبح با شرایط مذکور پاک است ولی خوردن آن جایز نیست

## مردار

مردار حیوانی است که مرگش به واسطه ذبح و تزکیه شرعی نبوده است  
حیواناتی که خون جهنده دارند، مردار آنها نجس است و این نجاست فقط شامل اجزاء جاندار بدن می شود و اجزاء بی جان مثل ناخن، مو، پشم و... پاک است

## سگ و خوک

سگ و خوک تمام اجزاء بدنشان (چه اجزاء جاندار چه غیر جاندار) نجس است و مراد از سگ و خوک، سگ و خوک خشکی است نه سگ و خوک آبی

## مسکرات

از بین مسکرات، فقط شراب و فقاع نجس اند و بقیه مسکرات نجس نیستند (اگرچه خوردنشان حرام است)

✓ آب انگور در حالت عادی پاک است، اما اگر مدتی به حال خود بماند و خود به خود به جوشش بیفتد (حباب هایی در آن تشکیل می شود و از پایین به بالا می آید) نجس و حرام می شود و اگر مدت بیشتری بماند و تبدیل به سرکه شود پاک و حلال می شود

✓ آب انگوری که به واسطه آتش بجوشد حرام است اما نجس نیست و اگر دو سوم آن تبخیر شود (تبدیل به شیره انگور شود)، مقدار باقی مانده حلال است (این حکم مخصوص آب انگور است و شامل خرما، کشمش و مبیذ نمی شود)

## کافر

کافر کسی است که منکر الوهیت خداوند، نبوت یا معاد باشد یا برای خدا شریک قائل شود. همچنین عده ی دیگری که خود را مسلمان می دانند مثل غلات، خوارج و نواصب نیز در حکم کافر هستند  
کافر دو قسم است:

۱- کافر اهل کتاب (یهودی، مسیحی و...): که پاک هستند

۲- کافر غیر اهل کتاب: که نجس هستند (تمام اجزاء بدن آنها اعم از ناخن و مو و... نجس است)

## عرق جنابت از حرام

برخی از فقهاء خصوصاً قدماء، قائل به نجاست آن می باشند اما متأخرین از فقهاء قائل به نجاستش نیستند ولی می گویند اگر بر بدن و لباس باشد نماز خواندن با آن صحیح نیست

# درس دوازدهم

آب مهمترین مطهر (پاک کننده) است، اما برای مطهر بودن شرایطی دارد

## شروط پاک کننده بودن آب

- ۱- آب مطلق باشد نه مضاف
- ۲- پاک باشد
- ۳- تا آخرین مرحله تطهیر به صورت مطلق باقی بماند
- ۴- بعد از تطهیر، عین نجاست باقی نماند

## زمین

زمین فقط پاک کننده ی پایا کف کفش است که در اثر راه رفتن نجس شده اند، یعنی اگر از طریق دیگری غیر از راه رفتن نجس شده باشند، زمین پاک کننده نجاست آنها نیست

## شروط پاک کننده بودن زمین

- ۱- خود زمین پاک باشد
  - ۲- زمین خشک باشد
  - ۳- عین نجاست در اثر راه رفتن برطرف شود
- ✓ منظور از زمین، حالت عادی زمین است (زمین خاکی، سنگی)، زمین آسفالت، سبزه و... پاک کننده نیست

## آفتاب

آفتاب فقط پاک کننده ی ساختمان، متعلقات ساختمان و زمین است

## شروط پاک کننده بودن آفتاب

- ۱- موضع نجس شده هنگام تطهیر با آفتاب، تر باشد
  - ۲- قبل از تطهیر، عین نجاست برطرف شود
  - ۳- تابش مستقیم باشد (نه از پشت پرده و...)
  - ۴- رطوبت نجاست فقط به واسطه تابش آفتاب خشک شود (نه باد و...)
- ✓ رطوبت نجسی که به داخل زمین یا ساختمان نفوذ کرده در صورتی با آفتاب پاک می شود که سطح و باطن زمین یا ساختمان در یک مرحله و باهم خشک شوند (نه اینکه سطح زمین امروز خشک شود و آفتاب غروب کند و باطن زمین فردا خشک شود)

## استحاله

استحاله یعنی تبدیل شدن یک شیء به شیء دیگر  
استحاله یکی از مطهرات است  
مثل چوب نجسی که بعد از سوختن تبدیل به خاکستر می شود و این خاکستر پاک است  
یا مثل حیوان مرداری که در نمکزار است و بعد از مدتی کلا از بین رفته و تبدیل به نمک می شود که این نمک پاک است

## انتقال

مثل حیوانی که خون جهنده دارد (و خونش نجس است) از طریق پشه خونش به حیوان دیگری که خون جهنده ندارد (و خونش پاک است) منتقل شود که در این صورت باعث نجس شدن خون حیوان دومی نمی شود بلکه باعث تطهیر خون نجس منتقل شده از حیوان اولی می شود

## اسلام

کافری که محکوم به نجاست است به محض اسلام آوردن هم خودش و هم متعلقاتش (مثل لباسش) پاک می شود

## تبعیت

مثل شرابی که داخل ظرفی است هم شراب و هم ظرف نجس است اما اگر شراب تبدیل به سرکه شد هر دو پاک می شوند، یعنی ظرف به تبعیت از شراب که با تبدیل شدن به سرکه پاک شد، پاک می شود

یا مانند کافری که مسلمان می شود، فرزندش هم به تبعیت او پاک می شود

یا مثلا مانند جنازه انسان که بعد از غسل های سه گانه پاک می شود، لذا به تبعیت این جنازه، بقیه چیزهایی که با آن در ارتباط بوده (سنگ، پارچه و...) پاک می شوند



## درس سیزدهم

اصل بر طهارت تمام اشیاء است مگر اینکه انسان یقین کند که شیئی نجس است، حتی اگر انسان شک به نجاست یک شیئی داشت، آن شیئی پاک است

### راه های اثبات نجاست

نجاست یک شیئی از سه راه ثابت می شود:

- ۱- یقین خود شخص (مثلا ببیند شیئی نجس شده)
- ۲- اخبار شخص ذوالید، یعنی کسی که شیئی در اختیار اوست به انسان بگوید این شیئی نجس شده است  
اما اگر انسان از سابقه قبلی این شخص می داند که او متهم به کذب است و حرف او ممکن است کذب باشد، در این صورت از اخبار او نجاست آن شیئی ثابت نمی شود
- ۳- شهادت دو نفر عادل  
حتی برخی شهادت عدل واحد یا شخص ثقه را هم معتبر می دانند در صورتی که ظن به خلاف گفته آنها نباشد

### نحوه ی نجس شدن یک شیئی

برای نجس شدن یک شیئی دو مرحله لازم است:

- ۱- ملاقات: یعنی شیئی نجس و پاک باهم تماس پیدا کنند
  - ۲- سرایت رطوبت: یعنی رطوبتی از یکی به دیگری منتقل شود
- ✓ شیئی متنجس (نجس شده) هم منجس (نجس کننده) است  
البته متاخرین از فقهاء، مطلقاً نمی گویند که شیئی متنجس هم منجس است بلکه تعداد و واسطه ملاک است، به این صورت که اگر شیئی متنجس:  
واسطه اول است بین عین نجس و شیئی پاک: پس منجس نیز می باشد  
واسطه دوم یا سوم است: بنابر احتیاط واجب منجس است  
واسطه سوم به بعد است: نجس است ولی منجس نیست

## تطهیر شیئی نجس

آبی که برای تطهیر شیئی نجس روی آن ریخته می شود باید از شیئی نجس جدا شود در اشیائی که آب به آنها نفوذ نمی کند (مثل سنگ، بدن و...) جدا شدن آب به خودی خود انجام می گیرد اما در اشیائی مثل لباس، پتو و... که آب در آنها نفوذ می کند و به خودی خود جدا نمی شود، اگر این اشیاء: با آب قلیل شسته شوند: لازم است بعد از شستشو فشار داده شوند تا آب جذب شده جدا شود با آب کر یا جاری شسته شوند: فشار دادن لازم نیست

## تطهیر ظروف نجس شده

ظروفی که با شراب نجس شده اند: ابتدا باید شراب از ظرف خالی شود و بعد ۳ مرتبه ظرف شسته شود و فرقی نمی کند با آب قلیل، کر یا جاری باشد

ظروفی که با خوردن یا لیسیدن خوک نجس شده: باید ۷ مرتبه شسته شود و فرقی نمی کند با آب قلیل، کر یا جاری باشد

ظروفی که با خوردن یا لیسیدن سگ نجس شده: ابتدا خاک خشک و پاک داخل ظرف ریخته و به تمام قسمت هایی که سگ لیسیده می مالیم (خاک مالی می کنیم) در مرحله بعد خاک قبلی را خالی و اینبار خاک مرطوب (گل) ریخته و ظرف را گل مالی می کنیم در مرحله آخر اگر از آب قلیل استفاده می کنیم: یک مرتبه با آب قلیل گل را می شویم و دو مرتبه دیگر ظرف را اگر از آب کر یا جاری استفاده می کنیم: بعد از گل مالی با یک بار شستن ظرف پاک می شود

ظروفي كه بواسطه موارد ديگري غير از موارد بالا نجس شده اند (با خون، بول يا...):  
اگر با آب قليل شستشو دهيم: سه مرتبه شستن لازم است  
اگر با آب كر يا جاري شستشو دهيم: يك مرتبه كافي است

✓ در تمامي موارد ذكر شده، شستن ظرف با آب به دو صورت است:  
۱- ظرف را از آب پر کرده و خالی كنيم  
۲- مقداري آب داخل ظرف بريزيم و با چرخاندن، آب را به تمام قسمت هاي  
ظرف برسانيم

# درس چهاردهم

## طهارت از حدث

مباحث اصلی کتاب طهارت در مورد طهارت از حدث می باشد و مباحث طهارت از خبث به عنوان مقدمه ذکر گردید  
مبحث طهارت از حدث هم در ابتدای مبحث عبادات ذکر می شود و همان گونه که عبادات نیاز به قصد قربت دارد، طهارت از حدث (غسل، وضو و تیمم) نیز نیاز به قصد قربت دارد به خلاف طهارت از خبث (مثل شستن لباس نجس) که نیازی به قصد قربت ندارد

## انواع حدث

- ۱- حدث اکبر: که برای طهارت از آنها نیاز به غسل است مثل جنابت
- ۲- حدث اصغر: که طهارت از آنها با وضو یا تیمم انجام می شود مثل خواب، قضای حاجت و...

برخی عبادات مثل نماز و...، نیاز به طهارت از حدث دارند، اما برخی دیگر مثل پرداخت خمس و زکات و... نیاز به طهارت ندارند و حتی شخص جنب می تواند این نوع عبادات را بدون طهارت انجام دهد

## روش های طهارت از حدث

خداوند متعال در آیه ششم سوره مبارکه مائده انواع روش های طهارت از حدث را بیان می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ۚ وَإِن كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا ۚ وَإِن كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا...﴾

که عبارت "فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم..." اشاره به وضو و عبارت "ان کنتم جنبا فاطهروا" اشاره به غسل و عبارت "فتیمموا صعیدا" اشاره به تیمم دارد

✓ یکی از موارد عبادات که انجام دادن آن نیاز به طهارت از حدث دارد نماز است، چه نماز مستحبی باشد یا واجب، البته نماز میت از این قاعده مستثنی است و داشتن طهارت در خواندن آن واجب نیست

## وضو

طهارت از حدث اصغر به وسیله وضو گرفتن انجام می شود  
وضو شامل دو مرحله غسل (شستن) است که شستن صورت و دستها می باشد  
و شامل دو مرحله مسح است که مسح سر و پاها می باشد

وضو گرفتن به دو صورت ترتیبی و ارتماسی انجام می شود  
وضوی ترتیبی:

شستن صورت:

از جهت طول باید از محل رویش موها تا چانه شسته شود  
از جهت عرض باید به اندازه فاصله انگشت شست و انگشت وسط شسته شود  
✓ مراد از شستن این است که آب ریخته و قسمت های ظاهری صورت را با کشیدن دست بشوییم اما قسمت های باطنی، مثل داخل چشم، داخل بینی و... جزء محدوده واجب شستشو نیست  
✓ افرادی که ریش دارند اگر پوست از زیر ریش ظاهر است، باید ریش و پوست زیر آن را نیز بشویند (زیرا پوست جزء ظاهر صورت محسوب می شود)، اما اگر پوست زیر ریش پیدا نیست، تنها شستن ظاهر ریش کفایت می کند  
✓ افرادی که ریش بلند تر از حد معمول دارند، لازم است فقط قسمت هایی از ریش که در محدوده عرفی صورت و چانه است را بشویند

شستن دستها:

بعد از صورت باید دست راست شسته شود  
محدوده شستن دست از آرنج (ابتدای شستن) تا نوک انگشتان (انتهای شستن) است  
شستن دست چپ نیز مانند دست راست است

نکاتی در مورد شستن صورت و دستها که باید رعایت شود:  
✓ برای این که یقین حاصل شود که محدوده ی واجب حتما شسته شده باید کمی  
اصراف محدود و واجب نیز شستشو شود، مثلا در شستن صورت اطراف صورت  
کمی بیشتر و در دست ها هم کمی بالاتر از آرنج شسته شود  
✓ شستن برای بار اول واجب، مرتبه دوم مستحب و مرتبه سوم حرام است  
✓ شستن باید از بالا به پایین انجام شود، یعنی صورت از رستنگاه مو به سمت چانه  
و دست ها از آرنج به سمت نوک انگشتان شسته شوند

مسح سر:

مسح سر در محدوده ی بالای سر و با دست راست انجام می شود  
✓ در مسح سر کفایت می کند که یک انگشت به مقدار کمی کشیده شود اما مقدار  
مستحب کشیدن سه انگشت به طول یک انگشت روی سر است  
✓ کسانی که سرشان مو دارد لازم نیست بر پوست سر مسح بکشند اما اگر مو به  
اندازه ای بلند است که از محدوده سر خارج شده و به اطراف می ریزد باید فرق  
باز کرده و مسح بکشند

مسح پاها:

مسح پای راست با دست راست و از نوک انگشت (نه از نوک ناخن) تا برجستگی روی پا  
انجام می شود. البته مستحب است تا محل مچ انجام شود  
حد واجب مسح کشیدن این است که حداقل با یک انگشت کشیده شود اما بهتر است  
تمام دست روی پا قرار گرفته و از نوک انگشت تا برجستگی روی پا یا محل مچ کشیده  
شود  
مسح پای چپ با دست چپ و با کیفیتی که در مورد پای راست گفته شد انجام می شود

نکاتی که باید در مورد مسح کشیدن (سر و پاها) رعایت شود:

- ✓ مسح کشیدن باید به وسیله همان آبی که بعد از شستن صورت و دست، روی دستها باقی می ماند انجام شود و نباید آب دیگری به آن اضافه شود
- ✓ اگر هنگام مسح کشیدن، رطوبت دستها خشک شد باید از آب ریش یا چانه گرفته و مسح کشید (نه از آب غیر وضو)
- ✓ در مسح کشیدن باید دست حرکت کرده و عمل مسح انجام شود و اگر سر یا پاها را حرکت داده و دست ثابت باشد مسح صحیح نمی باشد

نکته: در شستن و مسح کشیدن اعضا نباید فاصله غیر معمول ایجاد شود و ملاک این است که وقتی یک عضو شسته شد، قبل از اینکه خشک شود، عضو بعدی شسته شود

وضوی ارتماسی:

- در این نوع وضو به جای ریختن آب روی عضو (صورت و دست)، خود عضو درون آب فرو برده می شود، البته با رعایت اینکه از بالا به پایین انجام شود و مسح کشیدن به همان کیفیتی که در وضوی ترتیبی بود انجام می شود
- ✓ مسئله ای که برخی از فقهاء در مورد این نوع وضو متذکر شده اند این است که شستن صورت و دست راست به روش ارتماسی بلا اشکال است اما هنگام شستن دست چپ به روش ارتماسی، وقتی دست را فرو برده و از آب بیرون می کشد، آبی زائد و خارج از مقدار آب وضو روی دست قرار می گیرد و همانطور که ذکر شد در مسح کشیدن مشکل ایجاد می کند، لذا باید دست چپ به روش وضوی ترتیبی شسته شود، یعنی بجای فرو بردن در آب، آب روی آن ریخته شود

# درس پانزدهم

## اهداف و غایات وضو گرفتن

آنچه از روایات و اخبار استفاده می شود این است که خود وضو می تواند هدف و غایت باشد یعنی حتما لازم نیست وضو به عنوان مقدمه برای کار دیگر انجام شود، بلکه وضو فی حد نفسه امری مستحب است و لزومی ندارد وضو گرفتن شرط یا مقدمه باشد اما در مواردی، وضو گرفتن به عنوان شرط و مقدمه برای امور دیگری است که به بیان این موارد می پردازیم:

۱- گاهی وضو شرط صحت است:

مثل نماز و طواف که چه واجب باشد یا مستحب، برای صحت آن لازم است انسان وضو داشته باشد

۲- گاهی وضو شرط جواز است:

مثل هنگامی که انسان اراده می کند آیات قرآن، اسماء الهی یا اسماء معصومین علیهم السلام را لمس کند

۳- گاهی وضو شرط کمال است:

مثل قرائت قرآن بدون لمس آیات و خطوط که نفس قرائت قرآن نیازی به وضو ندارد اما اگر با وضو همراه باشد، ارزش و ثواب بیشتری دارد

۴- گاهی وضو شرط رفع کراهت است:

مثل شخص جنب که خوردن، آشامیدن و... برای او کراهت دارد اما با وضو گرفتن این کراهت مرتفع می شود

۵- گاهی وضو شرط طهارت از حدث است:

کسی که می خواهد از حدث اصغر پاک شود لازم است وضو بگیرد و در این مورد نیتش فقط طهارت از حدث است (به خلاف موردی که نیتش انجام امر مستحب بود)

## آیا وضو همیشه رافع حدث است؟

وضو بر دو نوع است:



۱- وضوی واجب:

که مقدمه برای یک فعل واجب مثل نماز یا... است  
(این نوع وضو همیشه رافع حدث است)

۲- وضوی مستحب:

الف- گاهی برای انجام نماز یا طواف مستحب یا برای لمس یا قرائت قرآن و...  
گرفته می شود

(این نوع وضو هم رافع حدث است)

ب- گاهی وضوی تجدیدی است، یعنی شخص قبلاً وضو گرفته و برای مرتبه ی  
دوم یا سوم یا بیشتر بازهم وضو می گیرد

(در این فرض اصلاً حدثی نبوده که وضو رافع آن باشد یا نباشد)

ج- گاهی زن حائض وضوی مستحبی می گیرد (نماز از حائض ساقط است اما  
مستحب است هنگام نماز وضو گرفته و مانند حالت نماز، سر سجاده نشسته و

ذکر بگوید) یا شخص جنب اقدام به وضو گرفتن می کند تا رفع کراهت از افعالی  
مثل خوردن، خوابیدن و... انجام دهد

(این نوع وضو رافع حدث نیست)

## نواقض (مبطلات) وضو

۱- بول و غائط:

بول و غائطی که از مجرای طبیعی آن خارج شوند

۲- باد معده:

که از محل خروج غائط باشد

۳- خواب:

خوابی که در آن گوش نشنود و چشم نبیند

۴- زوال عقل:

مثل بیهوشی، جنون یا مستی

۵- حیض، نفاس و استحاضه

۶- جنابت

✓ کسی که قبلاً وضو داشته و الآن شک دارد آیا موردی از موارد نواقض وضو از او سر زده است یا نه، مثلاً لحظه ای حالت خواب به او دست داده اما شک دارد آیا گوش و چشم او از کار افتاده یا نه، وضویش صحیح است

✓ کسی که رطوبت مشکوکی از او خارج شده و شک دارد بول است یا خیر، اگر هنگام بول استبراء کرده است (یا زمان زیادی از عمل بول او گذشته است)، این روطبت پاک است و ناقض وضو نیست، اما اگر استبراء انجام نداده (یا زمان زیادی از عمل بول او نگذشته)، رطوبت خارج شده ناقض و باطل کننده ی وضو است

# درس شانزدهم

## شرایط صحت وضو

۱- نیت:

وضو باید با نیت و قصد امتثال امر الهی انجام شود تا عبادت محسوب گردد

- ✓ جاری کردن نیت به زبان و گذراندن نیت از قلب و ذهن لزومی ندارد
- انجام شود بلکه همین که این عمل را برای امتثال امر الهی انجام دهد و این انگیزه در او باشد کافی است
- ✓ در نیت باید خلوص باشد، یعنی فقط برای خدا انجام شود و اگر عمل برای غیر خدا انجام شود، یا غیر خدا شریک در عمل قرار داده شود (وضو همراه با ریا باشد) وضو باطل است و ریا گاهی ممکن است در ابتدای وضو گرفتن باشد و گاهی ممکن است در کیفیت افعال وضو باشد که در هر دو صورت باطل کننده وضو است و به طور کل اگر جزئی از اجزاء وضو همراه با ریا باشد، آن وضو باطل است
- ✓ گاهی ممکن است اهداف دیگری در وضو مد نظر قرار گیرد ولی باطل کننده وضو نباشد، مثل موردی که شخص برای آموزش و تعلیم فرزندش یا افراد دیگر وضو می گیرد یا موردی که در فصل تابستان و هوای گرم هدف اصلی اش وضو گرفتن است اما خنک شدن هم حاصل می شود (به خلاف موردی که هدف اصلی خنک شدن باشد و در ضمن این هدف وضو بگیرد)

۲- موالات:

یعنی پی در پی و پشت سرهم بودن افعال وضو  
بین افعال وضو نباید فاصله غیر عادی باشد  
ملاک فاصله غیر عادی این است که اگر عضوی را شست و فاصله به قدری زیاد شد که قبل از شستن عضو بعدی، آب وضو در عضو قبلی خشک شد، فاصله

بیش از اندازه است و باطل کننده وضو است، البته این خشک شدن باید در شرایط عادی باشد نه در گرمای غیر طبیعی مثل تابستان یا هنگام وزش باد شدید

۳- ترتیب:

در وضو گرفتن باید ترتیب شستن و مسح کشیدن اعضا رعایت شود، یعنی اول صورت، بعد دست راست و بعد دست چپ شسته شود، سپس مسح سر و بعد مسح پاها انجام شود

✓ در مسح پاها، نظر مشهور فقهاء بر این است که ترتیب شرط است، یعنی اول پای راست و بعد پای چپ مسح شود، اما عده دیگری ترتیب را در مسح پاها شرط نمی دانند

۴- وضو بالمباشرة باشد:

یعنی در فرضی که شخص توانایی دارد، خودش شخصا افعال وضو را انجام دهد و نمی شود شخص دیگری این افعال را برای او انجام دهد

✓ در مورد مقدمات وضو که آیا می شود توسط شخص دیگری انجام شود یا خیر این تفصیل وجود دارد:

مقدمات وضو دو قسم است:

الف- مقدمات بعیده: مثل آب آوردن برای وضو که اشکالی ندارد توسط دیگری انجام شود

ب- مقدمات قریبه: مثل آب ریختن در دست که اگر توسط دیگری انجام شود به گفته برخی از فقهاء کراهت دارد

۵- وسعت در وقت:

کسی که اگر وضو بگیرد، تمام یا بخشی از نماز او در خارج از وقت خوانده می شود وظیفه اش این است که تیمم کند و اگر با علم به این مساله بازهم تیمم نکرد و وضو گرفت و نمازش قضا شد یا بخشی از نمازش در خارج از وقت قرار گرفت، این شخص معصیت کرده و وضویش باطل است

۶- مطلق بودن آب وضو:

وضو باید با آب مطلق گرفته شود و حتی اگر در ابتدا آب مطلق بوده اما در حین وضو گرفتن تبدیل به مضاف شود (مثل موردی که اعضای وضو خاک آلود باشد و آب مطلق با برخورد به این خاک ها تبدیل به مضاف شود) وضو باطل است

۷- پاک بودن آب و اعضای وضو:

آبی که انسان با آن وضو می گیرد و همچنین اعضای وضو در حین وضو گرفتن لازم است که پاک باشند

✓ لازم نیست قبل از وضو تمام اعضا پاک باشند، بلکه اگر قبل از شستن هر

عضو آن را پاک کرد نیز وضو صحیح است (مثلا صورت که پاک بود را

شست اما دست راست نجس است، ابتدا دست راست را شسته و از

نجاست پاک می کند، سپس به نیت وضو روی آن آب ریخته و می شوید)

✓ لازم نیست تا اتمام کامل وضو همه ی اعضای شسته شده پاک باقی بماند

(مثلا اگر صورت را شست و مشغول شستن دست راست شد و در این

هنگام به هر دلیلی صورت او نجس شد، وضوی او صحیح است)

✓ اگر عضوی نجس است، یکبار باید برای تطهیر شسته شود و مجددا برای

وضو آب روی آن ریخته و شسته شود، یعنی تطهیر و وضو در دو مرحله

جداگانه انجام شود، البته برخی از فقها در این مساله تفکیک قائل شده اند

به این صورت که:

اگر آب کر یا جاری باشد: می توان تطهیر و شستن وضو در یک مرحله

واحد باشد

اگر قلیل باشد: باید در دو مرحله جداگانه انجام شود

۸- عدم مانع در اعضا:

شخص باید یقین داشته باشد در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب وجود ندارد و

حتی اگر احتمال بدهد مانعی وجود دارد باید آن را برطرف کند

## درس هفدهم

۹- عدم مانع برای استعمال آب:

اگر مکلف در شرایطی قرار دارد که استعمال آب برای او ضرر دارد، مثلاً ممکن است باعث بیماری او شود، یا آب به قدری کم است که اگر برای وضو استعمال شود خوف از عطش وجود دارد، در این شرایط وظیفه مکلف تیمم است ✓ اگر با شرایط مذکور بازهم مکلف وضو گرفت در این صورت وضوی او باطل است و این وضو رافع حدث نمی باشد اما در مورد خوف از عطش برخی از فقهاء گفته اند وضوی مکلف صحیح است

۱۰- ظرف وضو از طلا یا نقره نباشد:

وضو به وسیله ظروف طلا و نقره صحیح نمی باشد چه مستقیماً آب را از ظرف روی عضو بریزد چه با دست آب بردارد و بریزد

۱۱- مباح بودن آب، ظرف و مکان وضو:

آب، ظرف و مکان وضو نباید غصبی باشد، بلکه یا ملک خود شخص باشد، یا اجازه استفاده عموم مردم داده شده باشد، یا با رضایت صاحب آنها استفاده شود

✓ اگر شخصی در مسجدی وضو بگیرد آیا با این وضو می تواند در جای

دیگری غیر از همان مسجد نماز بخواند؟

در فرضی که شخص یک نماز (حتی نماز مستحبی) در مسجدی که در آن وضو گرفته بخواند، با این وضو در سایر مکان ها نیز می تواند نماز بخواند اما اگر فقط وضو بگیرد و هیچ نمازی در همان مسجد نخواند، حالت های زیر متصور است:

۱- اگر یقین دارد استفاده از آب مخصوص نمازگزاران همان مسجد است:

با این وضو نمی تواند جای دیگر نماز بخواند

۲- اگر احراز نکند که استفاده از آب مخصوص نمازگزاران همان مسجد

است:

الف- خلافتش احراز شود (برای استفاده عموم است): با این وضو در هر جایی می تواند نماز بخواند  
ب- احتمال دارد آب برای خصوص نمازگزاران همان مسجد باشد (به خلاف موردی که یقین داشت، اینجا صرفاً احتمال می دهد): بعضی فقها می گویند با وجود همین احتمال اگر می خواهد در جای دیگر نماز بخواند باید دوباره وضو بگیرد  
برخی دیگر از فقهاء نماز خواندن در جای دیگر با این وضو را جایز می دانند

## وضوی جبیره

جبیره یعنی مرحم یا پوششی که روی زخم، شکستگی و امثال این موارد قرار داده می شود در حالتی که جبیره روی اعضای وضو قرار دارد نحوه ی وضو گرفتن با حالت عادی متفاوت است  
به دلیل شباهت موارد تیمم و وضوی جبیره در بسیاری از موارد ممکن است این دو باهم خلط شوند که نیاز به دقت است  
موضع تیمم در یکی از موارد که بیشتر با جبیره خلط می شود جایی است که آب برای مکلف ضرر داشته و به جای وضو یا غسل باید تیمم کند  
اما موضع جبیره جایی است که جراحت، شکستگی و امثال این موارد در اعضای وضو وجود دارد که آب برای این اعضا ضرر دارد یا اساساً شستن آنها ممکن نیست که در این صورت وظیفه مکلف وضوی جبیره ای است نه تیمم

## مواضع وضوی جبیره

در اینجا سه فرض مطرح است:  
فرض اول: قسمتی از یک عضو (از اعضای وضو) دچار شکستگی یا جراحت است  
فرض دوم: کل یک عضو دچار شکستگی یا جراحت است  
فرض سوم: کلاً تمام اعضای وضو (صورت، دستها، محل مسح سر و پاها) دچار مشکل است

۱- در فرض اول:

یا محل آسیب باز است یا پوشیده

۱-۱- اگر محل آسیب باز است:

و آب برای شخص ضرر ندارد و عضو هم نجس نیست یا اگر هست قابل

تطهیر است: در این فرض وظیفه ملکف وضوی معمولی است، مثل

شخص سالم

اما اگر آب ریخن ضرر دارد یا نجاستش قابل تطهیر نیست: وظیفه اش

وضوی جبیره است

کیفیت وضوی جبیره در حالت مذکور این گونه است که:

اگر ممکن است، با دست مرطوب مسح بکشد روی موضع (بقیه قسمت ها را بشورد)

اگر مسح کشیدن هم ممکن نیست، باید یک پارچه پاک روی محل جراحی گذاشته و

از روی پارچه مسح بکشد

✓ در وضوی جبیره ای مانند وضوی معمولی ترتیب بالا به پایین باید رعایت

شود

✓ اگر امکان گذاشتن پارچه هم نبود، باید بقیه قسمت ها را بشورد و قسمت

جراحی دیده را نشوید، سپس بنابر احتیاط یک تیمم هم ضمیمه ی

وضویش کند



## درس هجدهم

- ۱-۲ - اگر محل آسیب پوشیده است:  
اگر بازکردنش مشقتی ندارد و آب رساندن هم ضرر ندارد: وظیفه اش  
وضوی عادی است و نباید وضوی جبیره ای بگیرد  
اگر بازکردنش مشقت دارد:  
فرض اول: رساندن آب ممکن است و ضرر ندارد: باید آب برساند و  
شستشو دهد و وضوی جبیره ای صحیح نیست  
فرض دوم: رساندن آب ممکن نیست یا اگر هم ممکن است، ضرر  
دارد: وظیفه اش وضو به صورت جبیره ای است  
و در این فرض اگر خود پوشش موجود، پاک است، مسح باید روی  
همان انجام شود، اما اگر نجس است، باید پارچه ای روی پوشش  
موجود گذاشته و روی پارچه مسح شود
- ۲ - در فرض دوم:  
یعنی اگر کل قسمت های یک عضو از اعضای وضو جبیره است (مثلا کل دست  
راست)، باید علاوه بر وضوی جبیره ای تیمم هم انجام داد
- ۳ - در فرض سوم:  
یعنی اگر تمام اعضای وضو (صورت، دست ها و محل های مسح) دچار مشکل  
باشد باید علاوه بر وضوی جبیره ای تیمم هم انجام داد

### چند نکته در باب وضوی جبیره ای

- ✓ در وضوی جبیره ای، مسح کشیدن جایگزین شستن عضو می شود و این مسح  
کشیدن باید با رطوبت انجام شود که می تواند حتی رطوبت خارجی باشد

- ✓ در وضوی جبیره ای مثل وضوی عادی رعایت ترتیب از بالا به پایین لازم است، یعنی اگر بالفرض جبیره روی مچ دست قرار دارد، ابتدا بالای جبیره شسته شود، سپس روی جبیره مسح کشیده و سپس قسمت های پایین جبیره شسته شود
- ✓ اگر بالفرض جبیره روی کف دست باشد، یعنی تمام کف دست جبیره باشد، باید بجای شستن، روی جبیره موجود در کف دست مسح کشید و هنگام مسح کشیدن سر یا پاها یا هردو، با همان روطبتی که از مسح کشیدن روی جبیره است، سر و پاها را مسح کشید و نباید رطوبت خارجی اضافه شود
- ✓ اگر قسمتی از محل های مسح (سر یا پاها) جبیره باشد و قسمت دیگرش باز و سالم باشد، باید مسح را روی قسمت های سالم انجام داد و وضوی جبیره ای صحیح نمی باشد
- ✓ اگر شخصی در اول وقت نماز، جبیره روی اعضایش وضو دارد و احتمال می دهد با صبر کردن، مشکل جبیره او برطرف شود، در این فرض بهتر است صبر کند و اگر جبیره برطرف شد، وضوی عادی و اگر نشد، وضوی جبیره ای بگیرد
- ✓ اگر شخص در اول وقت وضوی جبیره ای گرفت و قبل از قضا شدن نماز، مشکل جبیره او برطرف شد، باید وضوی عادی گرفته و نمازی را که با وضوی جبیره ای خوانده بود، اعاده کند
- ✓ اگر برای یک نماز وضوی جبیره ای گرفت و تا نماز بعدی مشکل جبیره او برطرف شد و هنوز وضوی او باطل نشده، باید برای نماز بعدی وضوی معمولی بگیرد و وضوی جبیره ای که قبلاً گرفته کفایت نمی کند

## غسل جبیره ای

- ✓ اگر در اعضای غسل جبیره باشد، کیفیت غسل کردن دقیقا همانند شرایطی است که در بحث وضو گذشت
- ✓ لازم به ذکر است که برخلاف وضو، در غسل رعایت ترتیب بالا به پایین لازم نیست
- ✓ اگر در بدن میت جبیره وجود داشت و شستن آن ممکن نبود باید میت را تیمم داد و به طور کل برای میت غسل جبیره ای وجود ندارد

## تیمم جبیره ای

شخصی که وظیفه اش تیمم است (آب نیست، یا آب ضرر دارد یا...) اگر در اعضای تیمم او جبیره وجود داشت وظیفه اش دقیقا مثل حالتی است که روی اعضای وضو جبیره وجود داشته باشد

✓ با توجه به اختلاف فتواهای موجود در این مسائل، لازم است مکلف برای دانستن و عمل کردن به فتوای مرجع تقلید خودش به رساله عملیه مراجعه کند

# درس نوزدهم

غسل به دو مورد واجب و مستحب تقسیم می شود که غسل های مستحب موارد بسیار زیادی دارند اما آنچه مورد بحث ما است، غسل های واجب هفتگانه هستند

## غسل های واجب

چهار غسل مشترک بین زن و مرد:

۱- غسل جنابت

۲- غسل مس میت

۳- غسل میت

۴- غسل واجب شده به وسیله نذر یا قسم

و سه غسل مختص به بانوان:

۵- غسل حیض (عادت ماهانه)

۶- غسل نفاس (خون بعد از زایمان)

۷- غسل استحاضه (خونهای غیر از نفاس و حیض که بانوان می بینند)

## جنابت

بحث از جنابت را در سه موضوع اصلی ادامه می دهیم:

موضوع اول: چگونگی حصول جنابت

موضوع دوم: احکام (محرمات) جنابت

موضوع سوم: تطهیر از جنابت

## چگونگی حصول جنابت (جنب شدن)

۱- به وسیله نزدیکی کردن که دخول حاصل شود

حداقل مقدار دخول که باعث جنابت می شود تا ختنه گاه است

فرقی نمی کند که دخول از قبل باشد یا دبر

فرقی نمی کند به وسیله دخول منی از انسان خارج شود یا نشود، بلکه صرف دخول تا ختنه گاه باعث جنابت است

۲- خروج منی:

خروج منی در هر شرایطی اتفاق بیفتد باعث جنابت می شود، چه در خواب باشد، چه در بیداری، چه با اختیار، چه بی اختیار و...  
✓ اگر مایعی از انسان خارج شد و نداند منی است یا خیر، اگر مایع خارج شده تمام سه ویژگی اصلی منی را داشت، شخص سالم محکوم به جنابت است و غسل بر او واجب می شود  
سه ویژگی منی:

۱- در اثر انزال شهوت خارج شود

۲- با حالت جهش و جستن بیرون بیاید

۳- پس از خروج، شخص احساس سستی در بدن کند

اما اگر شخصی مریض بود، فقط شرط اول کفایت می کند تا محکوم به جنابت باشد

## احکام جنابت (محرّمات)

شخصی که جنب می شود، برخی از موارد برای او حرام می شود که عبارتند از:

۱- مس خطوط و کلمات قرآن و اسماء ذات الهی (هرچند به زبان های دیگر نوشته

شده باشد)، همچنین اسماء معصومین علیهم السلام

۲- ورود به مسجد الحرام در مکه و مسجد النبی در مدینه:

در این دو مسجد، ورود حرام است، حتی اگر به سرعت عبور کند، اما در مساجد

دیگر ورود حرام نیست به شرطی که خارج شود و توقف در مسجد نداشته باشد

۳- گذاشتن شیئی داخل مسجد یا برداشتن چیزی از داخل مسجد

۴- خواندن آیاتی که سجده واجب دارند که این آیات در سوره های نجم، فصلت،

علق و سجده قرار دارند، حتی برخی از فقهاء قائل اند که هیچ یک از آیات این

سوره ها خوانده نشود

## تطهیر از جنابت (غسل)

- ✓ تطهیر از جنابت فی نفسه واجب نیست بلکه استحباب دارد، اما هرگاه نماز واجب شد (وقت نماز رسید)، تطهیر از جنابت به عنوان مقدمه نماز، امری واجب می شود
- ✓ شرایط آب غسل عینا مانند شرایط آب وضو است که تفصیل آن در بحث وضو گذشت

## نحوه غسل کردن

- ۱- غسل ارتماسی:  
شخص پس از نیت کردن، به یکباره تمام بدن را در آب فرو می برد
  - ۲- غسل ترتیبی:  
در این غسل بدن به ۳ قسمت تقسیم می شود، که عبارتند از سر و گردن، نیمه راست و نیمه چپ بدن  
شخص پس از نیت کردن اولین جزء، یعنی سر و گردن را شسته و سپس سمت راست و بعد سمت چپ را باید بشوید
- ✓ شخص باید یقین پیدا کند تمام اجزاء بدن را شسته و اگر لازم باشد برای یقین کردن هنگام شستن، دست هم بکشد، باید این کار را انجام دهد
  - ✓ کسانی که موهای بلندی دارد، شستن موها لازم نیست اما سر باید کاملا شسته شود، اما کسانی که موهای کوتاه دارند، موهای آنها جزء سر به حساب می آید و باید همراه با سر شسته شود
  - ✓ برخی از فقهاء ترتیب در شستن سمت راست و چپ را لازم نمی دانند، اما کاری که موافق با احتیاط است این است که ترتیب رعایت شود
  - ✓ برخی اعضای بدن قابل تقسیم بین طرف راست و چپ نیستند و نمی توان آنها را جزء قسمت چپ یا راست حساب کرد، این اعضا باید با هردو طرف به طور کامل شسته شوند

# درس بیستم

## تمه مبحث غسل جنابت

اکثر شروطی که در صحت وضو گذشت در مورد غسل هم صادق است. مثل مطلق بودن آب، طاهر بودن آب و مباح بودن آب و مکان اما تفاوت هایی نیز وجود دارد که عبارتند از:

۱- در وضو رعایت ترتیب شستن از بالا به پایین شرط بود اما در غسل رعایت این ترتیب شرط نیست. به طور مثال در شستشوی سر و گردن می توان اول گردن و بعد سر را شست. یا در شستشوی سمت چپ می توان اول پاها و بعد بقیه قسمت هارا شست

۲- در وضو موالات شرط بود، یعنی نباید فاصله غیر عادی بین شستن اعضا ایجاد شود اما در غسل موالات شرط نیست و می توان قسمتی را شست و بعد از چند لحظه یا چند ساعت بعد قسمت بعدی بدن را شستشو داد

✓ بنابراین و با شرط نبودن موالات در غسل اگر شخصی پس از اتمام غسل متوجه شد که در قسمتی از بدن او مانع از رسیدن آب وجود داشته می تواند مانع را برطرف کند و آن قسمت و قسمت های بعدی را بشوید اما قسمت های قبلی لازم نیست مجددا شسته شوند

۳- در وضو و در فرض نجس بودن عضو، تطهیر و وضو گرفتن باید در دو مرحله مجزا انجام می شد، یعنی ابتدا عضو وضو تطهیر می شد و سپس وضو گرفته می شد، اما در غسل اگر آب کر یا جاری باشد، تطهیر عضو نجس و غسل کردن همزمان می تواند انجام شود

✓ اگر در حین غسل کردن حدث اصغری از انسان سر بزند، اختلاف نظر وجود دارد بین فقهاء

اما آنچه کمال احتیاط است و یقینا صحیح است از نظر همه فقهاء این است که انسان غسل فعلی را (که در حین انجام آن حدث اصغر اتفاق

افتاده) به پایان برساند سپس یک غسل دیگر انجام دهد، حدث اصغری از او سر بزند و برای نماز یک وضو هم بگیرد

✓ اگر شخصی غسل های متعددی بر او واجب شده (غسل جنابت، نذر و قسم و...) طبق نظر غالب فقهاء، انجام یک غسل به نیت از تمام این موارد کفایت می کند، حتی برخی دیگر قائل اند اگر نیت غسل را محدود به یکی از موارد کرد بازهم از بقیه کفایت خواهد کرد

✓ اگر شخصی خواست تک تک غسل های واجب را به صورت جداگانه انجام دهد باید بعد از نیت و انجام غسل اول، برای انجام غسل های دیگر نیت واجب نکند، زیرا احتمال می رود با انجام همان غسل اول، وجوب سایر غسل ها از بین رفته باشد

✓ غسل جنابت کفایت از وضو می کند و اگر شخص حدث اصغر از او سر نزده است، جایز نیست بعد از غسل جنابت وضو بگیرد

اما در مورد سایر غسل های واجب یا مستحب، چگونه است؟

غالب فقهاء می گویند تمام غسل های واجب بجز غسل استحاضه متوسطه (بعضی استحاضه کثیره را هم اضافه می کنند) کفایت از وضو هم می کنند

در غسل های مستحبی هم اختلاف نظر وجود دارد که آیا کفایت از وضو می کنند یا خیر که هرکس باید به مرجع تقلید خود رجوع کند



# درس بیست و یکم

## حیض

حیض خونی است که در اکثر خانم ها غالبا هرماه و طی چند روز متوالی، از رحم خارج می شود

## حائض

کسی که این خون از او خارج می شود حائض نام دارد

## صفات خون حیض

خون حیض غالبا دارای صفات زیر است:

- ۱- حرارت دارد
- ۲- با احساس سوزش خارج می شود
- ۳- با فشار خارج می شود
- ۴- یا سیاه و یا قرمز رنگ است
- ۵- غلظت دارد

## محدوده زمانی حیض

شروع ایام حیض:

کسی که ۹ سال قمری او تمام شده و وارد ۱۰ سالگی شده است (ابتدای سن تکلیف) اگر خونی با مشخصات ذکر شده از او خارج شود خون حیض است  
اگر قبل از این سن خونی ببیند حکم حیض ندارد

انتهای ایام حیض:

پایان ایام حیض، ایام یائسگی است که سن دقیق آن مورد اختلاف فقهاء است و نظرات مختلف بدین شرح است:

۱- نظر مشهور:

در خانم های سیده بعد از اتمام ۶۰ سالگی، یائسگی آغاز می شود

در خانم های غیر سیده بعد از اتمام ۵۰ سالگی، یائسگی شروع می شود

۲- نظر دیگر این است که اتمام ۵۰ سالگی ملاک است و فرقی بین سیده و غیر سیده نیست

۳- نظر دیگر این است که اتمام ۶۰ سالگی ملاک است و فرقی بین سیده و غیر سیده نیست

۴- نظر برخی دیگر این گونه است که سن ۶۰ سالگی را ملاک قرار داده اند، اما در

فاصله بین ۵۰ تا ۶۰ سالگی نیز رعایت احتیاط را لازم می دانند

یعنی اگر بعد از ۵۰ سالگی خون با تمام شرایط دید، نباید کارهایی که بر حائض

حرام است را انجام دهد و از طرفی تکالیف استحاضه را انجام دهد یعنی واجباتی مثل نماز، روزه و... را انجام دهد

## شرایط زمانی خون حیض

۱- خون حیض هیچگاه کمتر از ۳ روز نیست

✓ برخی از فقهاء معتقدند در این ۳ روز خونریزی نباید قطع شود و باید

متصل باشد، به این معنا که ممکن است خونریزی گاهی قطع شود ولی

آلودگی باید در طی این ۳ روز وجود داشته باشد

۲- حداکثر مدت حیض، ۱۰ روز است

✓ اگر بیشتر از ۱۰ روز خون ببیند، تعداد روزهای اضافه، در حکم حیض

نیست

۳- فاصله بین ۲ دوره حیض نباید کمتر از ۱۰ روز باشد، یعنی اگر بعد از اتمام یک

دوره حیض و قبل از اینکه ۱۰ روز از پاک شدن بگذرد، مجدداً خون دید، این خون در

حکم حیض نیست

- ✓ شروع حیض از زمانی است که خون شروع به خارج شدن کند و تغییرات دیگر در بدن ملاک شروع نیست
- ✓ ملاک از ۳ و ۱۰ روز، خود طول روز است و شب را شامل نمی شود، یعنی شب اول و شب آخر لازم نیست داخل در برنامه حیض باشد اما مابین اینها، باید شب نیز داخل در برنامه حیض باشد
- به طور مثال اگر ۲ روز کامل خون دید ولی در روز سوم، بعد از غروب، خون قطع شد (در طول شب خون قطع شد) این خون محکوم به حیض است چون ۳ روز کامل محقق شده است

## اقسام حائض

صاحب عادت:

۱- وقتیه عددیه:

یعنی زمان حیض او دارای برنامه مشخصی است، در هر ماه در زمان مشخص و به تعداد روزهای مشخصی خون می بیند

۲- وقتیه:

برنامه حیض او فقط از لحاظ وقت مشخص است (مثلا هفتم هرماه شروع می شود) اما تعداد روزهای حیض منظم نیست

۳- عددیه:

تعداد روزها در هرماه مشخص است (مثلا هرماه ۵ روز خون می بیند) اما زمان شروع در هر ماه متفاوت است

۴- مضطربه:

نه نظم عددی دارد و نه وقتی

۵- مبتدئه:

شخصی است که قبلا سابقه حیض نداشته، به سن تکلیف رسیده است اما تا بحال خون ندیده است و مشخص نیست صاحب کدام عادت است

۶- ناسیه:

قبلا برنامه عادت داشته ولی فعلا فراموش کرده است

## محرمات حیض

تمام مواردی که بر شخص جنب حرام بود، بر حائض نیز حرام است مثل مس قرآن، اسماء الهی و...، ورود به مسجد الحرام و مسجد النبی و سایر احکامی که ذکر شد علاوه بر محرمات ذکر شده، در خصوص حائض دو فعل حرام دیگر نیز وجود دارد:

۱- نزدیکی با شوهر

۲- تمامی عبادات مشروط به طهارت مثل نماز، روزه، طواف و...

✓ نمازهایی که در ایام حیض خوانده نمی شود قضا ندارد اما روزه هایی که گرفته نمی شود باید بعدا قضای آنها بجا آورده شود

✓ پس از پایان ایام حیض، باید غسل انجام شود تا محرمات برداشته شود اما در مورد معاشرت با همسر که اگر بعد از پایان ایام حیض و قبل از غسل کردن انجام شود، مانعی ندارد

✓ طلاق دادن زنی که در ایام حیض است صحیح نیست، اما زنی که ایام حیض او پایان یافته ولی هنوز غسل نکرده، طلاق او صحیح است

# درس بیست و دوم

## نفاس

خون نفاس به خونی گفته می شود که بعد از به دنیا آوردن فرزند، از رحم زن خارج می شود

نفساء به زنی گفته می شود که این خون از او خارج می شود  
✓ حتی اگر نوزاد به صورت ناقص به دنیا بیاید و سقط شود خون بعد از ولادت نفاس می باشد و ملاک این است که عرفاً زائیدن محقق شود ولو ناقص

## شرایط زمانی و مقداری خون نفاس

از نظر حداقلی: هیچگونه حدی تعیین نشده، یعنی حتی اگر اندک و برای یک لحظه هم باشد، کافی است

از نظر حداکثری: خون نفاس حداکثر ۱۰ روز است و بیشتر از آن نفاس نیست

✓ اگر خون قبل یا سر ۱۰ روز قطع شد، باید غسل کرده و نفاس تمام است

اما اگر بیشتر از ده روز طول کشید دو صورت دارد:

۱- اگر قبل از نفاس، از نظر عددی، عادت مرتبی داشته (وقتی عددیه یا عددیه

تنها): به همان تعداد روزهای عادتش، خونی که دیده را نفاس حساب کرده

و اضافه برآن را باید تمام عبادت های واجب را قضا کند (مثلاً برنامه عادت

او ۷ روز در ماه است و خونریزی نفاس او بیشتر از ۱۰ روز طول کشیده، در

این صورت، دوره نفاس را هم همان ۷ روز حساب کرده و مازاد بر ۷ روز،

هر عبادت واجبی را که ترک کرده باید قضایش را بجا آورد)

۲- اگر عادت معینی از نظر عددی ندارد: باید همان ۱۰ روز را نفاس و مابقی را

استحاضه حساب کند

✓ اگر وضع حمل و زایمان به صورت سزارین انجام شود آیا خونی که می بیند بازهم

مثل زایمان طبیعی در حکم نفاس است؟

در این مورد بین فقهای معاصر اختلاف نظر وجود دارد:  
برخی می گویند: فرقی بین زایمان طبیعی و سزارین نیست  
برخی دیگر معتقدند: خونی که بعد از زایمان سزارین دیده می شود در حکم خون  
نفاس نیست

و عده ای دیگر قائل به احتیاط در این مورد هستند، به این صورت که تا مادامی  
که خونریزی ادامه دارد شخص باید احتیاط کرده و مرتکب کارهایی که بر نفاس  
حرام است نشود و از طرفی دیگر واجبات را نیز انجام دهد مانند استحاضه

## محرمات نفاس

تمام محرماتی که در مورد حائض بیان شد در مورد نفاس نیز جاری است (البته برخی از  
فقهاء به فتوا و برخی بنا بر احتیاط حرام میدانند)

- ✓ بعد از اتمام دوره نفاس، با غسل کردن محرمات برداشته می شود
- ✓ غسل نفاس مانند غسل جنابت، کفایت از وضو می کند

## استحاضه

خونی که فاقد شرایط حیض و نفاس است و خون جراحات هم نیست و از رحم خارج  
می شود، خون استحاضه است  
مستحاضه: زنی است که خون استحاضه از او خارج می شود

## صفات خون استحاضه (صفات غالبی)

خون استحاضه غالباً:

- ۱- زرد رنگ است
- ۲- سرد است
- ۳- بدون فشار خارج می شود
- ۴- بدون سوزش خارج می شود
- ۵- غلظت ندارد

## اقسام استحاضه

۱- استحاضه قليله:

خون به اندازه ای کم است که فقط ظاهر پارچه یا پنبه را دربر می گیرد و به آن نفوذ نمی کند

۲- استحاضه متوسطه:

خون به اندازه ای است که علاوه بر ظاهر، درون پارچه نیز نفوذ می کند اما آغشته نمی کند و از طرف دیگر پارچه بیرون نمی آید

۳- استحاضه کثیره:

خون به اندازه ای است که پارچه را آغشته کرده و تمام آن را در بر می گیرد

## احکام استحاضه

۱- استحاضه قليله:

فقط برای نماز لازم است بدن و لباس را تطهیر کرده، وضو بگیرد و فوراً نماز بخواند  
لازم است برای هر نماز یک وضوی مستقل بگیرد

۲- استحاضه متوسطه:

لحظه اولی که خون دید غسل کند (هر وقتی از روز یا شب که باشد)، هر روز صبح نیز یک غسل انجام دهد  
و همچنین وظایف استحاضه قليله را نیز انجام دهد

۳- استحاضه کثیره:

برای هر نمازی یک غسل انجام دهد

یعنی برای نماز صبح یک غسل، ظهر و عصر (اگر باهم می خوانند) یک غسل و برای نماز مغرب و عشا (اگر باهم می خوانند) یک غسل انجام دهد (اگر نماز هارا جداگانه می خواند باید برای هریک غسل مستقل انجام دهد)

✓ غسلی که برای استحاضه کثیره انجام می شود از وضو نیز کفایت می کند، اما طبق نظر برخی از فقهاء لازم است احتیاط کرده و وضو هم بگیرد



# درس بیست و سوم

## غسل مس میت

شخص زنده ای که بدن میت را لمس کند، با شرایطی غسل مس میت بر او واجب می شود

## شرط وجوب غسل مس میت

در وجوب غسل مس میت، شرط است تماسی که بین بدن میت و بدن شخص زنده برقرار شده بعد از سرد شدن کامل بدن میت و قبل از اتمام کامل غسل میت باشد

✓ اگر قسمتی از بدن میت سرد و قسمتی هنوز گرم باشد، در این صورت اگر تماس صورت بگیرد غسل واجب نیست حتی اگر تماس با قسمت های سرد باشد

✓ اگر تماس از طریق مو باشد (موی میت با بدن شخص زنده یا بالعکس، یا تماس موی هردو باهم)، دو حالت متصور است:  
الف- مو کوتاه باشد (جزء بدن محسوب می شود): غسل مس میت واجب می شود

ب- مو بلند باشد: غسل مس میت واجب می شود، بنابر احتیاط واجب ✓ در فرضی که مادری بچه اش سقط شود (بچه در رحم مادر مرده و سرد شده)، دو حالت وجود دارد:

الف- جنین به مرحله دمیدن روح رسیده بود (حدوداً ۴ ماهه): غسل مس میت بر مادر واجب است

ب- جنین به مرحله دمیدن روح نرسیده بود: غسل واجب نیست ✓ در فرض بالا اگر بالعکس باشد (بچه در رحم مادر زنده است ولی مادر مرده و کاملاً سرد شده): اگر بچه زنده به دنیا آمد و به سن بلوغ رسید، باید به او بگویند که غسل مس میت انجام دهد

- ✓ کسی که غسل مس میت بر او واجب شده، لازم است برای نماز غسل کند ولی مانند جنب، حائض و... واجب نیست برای مس قرآن، ورود به مسجد، خواندن آیات سجده دار هم غسل کند
- ✓ غسل مس میت کفایت از وضو نیز می کند

## احکام میت

- ✓ احتضار: در حالت احتضار، رو به قبله کردن میت بنابر نظر برخی از فقهاء واجب است
- ✓ رو به قبله کردن محتضر به این گونه است که (در صورت امکان) او را به پشت خوابانده و کف پاهای او را رو به قبله قرار دهند (به گونه ای که اگر بنشیند یا بایستد رو به قبله قرار می گیرد) و لازم است تا زمانی که میت آماده تجهیز نشده در همان حالت و رو به قبله باشد
- ✓ برای انجام مراحل تجهیز اذن ولی میت لازم است مگر اینکه خود میت نسبت به شخص خاصی وصیت کرده که تجهیزش را انجام دهد و شخص هم قبول کرده یا مخالفتی نکرده، در این صورت واجب است آن شخص، امور تجهیز میت را انجام دهد و اذن ولی لازم نیست بلکه در صورت مخالفت ولی، بازهم شخص می تواند امور تجهیز میت را انجام دهد
- ✓ تجهیز میت مسلمان در مرحله اول بر تمام مسلمانان واجب است (واجب کفایی) اما وقتی یک نفر به این امر اقدام کرد، وجوب از بقیه ساقط می شود
- ✓ ولی میت کیست؟
  - الف- اگر میت زن باشد: ولی او شوهرش است
  - ب- اگر میت مرد باشد، یا زنی باشد که شوهر ندارد:
- در این صورت ولی وارث میت است و اولویت بر اساس ترتیب طبقات ارث است (اگر طبقه اول بودند آنها ولی هستند و نوبت به طبقه دوم ارث نمی رسد و...)
- ✓ در میان اولیای میت، مردان در اولویت هستند (مثلا اگر طبقه اول ارث شامل مرد و زن است، مردها اولویت دارند ولی اگر مرد نبود، زنان همان طبقه اول ولی میت هستند)



# درس بیست و چهارم

## غسل میت

- ✓ نحوه غسل میت هیچ فرقی با غسل های دیگر ندارد و به همان ترتیب و شروط است و همان احکام را دارد
- ✓ گرفتن اجرت برای انجام خود غسل میت جایز نیست چون واجب است و باید با قصد قربت انجام شود، اما برای مقدمات غسل میت اشکالی ندارد

## شرایط غسل

- ۱- مسلمان باشد
  - ۲- اگر میت شیعه است، غسل هم شیعه باشد
  - ۳- بالغ باشد
  - ۴- عاقل باشد
  - ۵- آگاه به مسائل و احکام غسل باشد
  - ۶- از جنس مماثل با میت باشد (میت مرد غسل مرد و میت زن غسل زن)
- ✓ شرط آخر در مورد زن و شوهر استثنا دارد، یعنی زن می تواند شوهر میت خود و شوهر می تواند زن میت خود را غسل دهد
  - ✓ اگر جنس مماثل پیدا نشد، باید محرم میت او را غسل دهد
- ✓ بچه مسلمانی که سقط شده اگر به مرحله دمیدن روح رسیده بود (حدوداً ۴ ماهگی در رحم مادر) باید غسل و کفن شود ولی نماز ندارد

## مراحل غسل میت

- ۱- غسل با آب سدر

✓ مقدار سدر باید به حدی باشد که عنوان آب مخلوط به سدر صدق کند و همچنین نباید به اندازه ای زیاد باشد که آب از حالت مطلق بودن خارج و تبدیل به آب مضاف شود

۲- غسل با آب کافور

✓ از لحاظ مقدار کافور همان شرایط سدر را باید داشته باشد

۳- غسل با آب خالص (بدون سدر و کافور و...)

✓ در غسل میت، عورتین باید از دید غسل مخفی باشد ولی باید شسته شود

✓ آب و مکان غسل هم باید مانند آب و مکان وضو مباح باشد

✓ در غسل میت، شکل جبیره ای غسل وجود ندارد و اگر امکان غسل دادن میت نبود (به سبب جراحی، تصادف یا ...) باید تیمم بدل از غسل داده شود

✓ اگر سدر و کافور در دسترس نباشد مراحل غسل میت به این شکل تغییر می کند:

مرحله اول: غسل با آب مطلق به نیت غسل با آب سدر و سپس تیمم بدل از

غسل با آب سدر (یعنی هر دو را جمع کند و به یکی اکتفا نکند)

مرحله دوم: غسل با آب مطلق به نیت غسل با آب کافور و سپس تیمم بدل از

غسل با آب کافور

مرحله سوم: غسل با آب معمولی و بدون سدر و کافور

✓ در فرض بالا که سدر و کافور وجود نداشت نمی توان ابتدا تمام تیمم ها و سپس

تمام غسل ها را انجام داد بلکه باید هر کدام به ترتیبی که ذکر شد انجام شود

✓ تیمم دادن میت اگر ممکن است با دست خود میت انجام شود و اگر ممکن نیست

با دست شخص غسل انجام گیرد

✓ اگر احتمال می رود موانع غسل میت برطرف می شود (آب پیدا می شود یا سدر و

کافور پیدا می شود) باید در صورت امکان صبر کرد تا مانع برطرف و غسل ها انجام

شود

✓ اگر تیمم انجام شد و قبل از دفن، موانع غسل برطرف شد، تیمم های انجام شده

باطل و باید تمام مراحل تجهیز میت از ابتدا انجام شود (مثل میتی که تازه فوت

شده)

✓ اگر تیمم انجام شد و بعد از دفن میت موانع غسل برطرف شد در این صورت دو

حالت متصور است:

الف- نبش قبر میت ضرر به بدن میت می رساند یا باعث هتک حرمت میت است:  
در این فرض نبش قبر برای انجام غسل جایز نیست  
ب- نبش قبر ضرر و هتک حرمتی ندارد:  
در این صورت واجب است نبش قبر شده و غسل داده شود

# درس بیست و پنجم

## حنوط میت

حنوط میت یعنی مالیدن مقداری کافور به مواضع هفتگانه سجده که بعد از اتمام غسل انجام می شود  
همچنین مستحب است علاوه بر مواضع هفتگانه، سر بینی نیز حنوط شود  
بین کفن و حنوط ترتیب لازم نیست و حنوط می تواند حین کفن کردن یا قبل از آن باشد

## تکفین میت

✓ مقدار واجب کفن:

- ۱- لنگ: پارچه ای که از ناف تا سر زانو را می پوشاند (از جهت عرض مقداری که دو سر پارچه به هم برسد)
- ۲- پیراهن: پارچه ای از سر شانه تا نیمه ساق پا است
- ۳- سرتاسری: پارچه ای که سر تا پای میت را کلا می پوشاند و از بالا و پایین مقداری اضافه است که بتوان بست

- ✓ پارچه ها باید بدن را بپوشاند و بدن نما نباشد (طبق احتیاط واجب تک تک آنها باید این خصوصیت را داشته باشند نه مجموع آنها)
- ✓ پارچه ها نباید غصبی باشند
- ✓ پارچه ها نباید از جنس ابریشم خالص یا زربافت باشند
- ✓ پارچه ها نباید از پشم و موی حیوان حرام گوشت باشند
- ✓ طبق نظر برخی از فقهاء از پوست حیوان حلال گوشت هم نباشد

✓ تامین هزینه مالی مقدار واجب برای تکفین میت:

اگر میت زن است و شوهر دارد: مقدار واجب از کفن به عهده شوهر است  
(مثل نفقه)

در سایر موارد: مقدار واجب از اصل مال میت گرفته می شود و بر دیون و وصایای میت مقدم است و اگر قرار شد بیشتر از مقدار واجب مصرف شود باید با اجازه و رضایت وراث باشد

## نماز میت

- ✓ نماز میت هم به صورت جماعت و هم فرادی صحیح است
- ✓ نحوه قرار دادن میت در نماز میت:
- باید میت را به کمر خواباند طوری که صورت او رو به بالا باشد و سر میت سمت راست و پای میت سمت چپ نماز گزار قرار گیرد
- مستحب است اگر میت مرد است نماز گزار در میانه بدن او و اگر میت زن است روبروی سینه او قرار گیرد
- ✓ نماز گزار نباید با میت و همچنین مامومین با یکدیگر فاصله زیاد داشته باشند
- ✓ نباید چیزی حائل بین نماز گزار و میت باشد (غیر از تابوت و کفن و...)
- ✓ در نماز خواندن بر میت نیز اذن ولی شرط است

✓ کیفیت نماز میت:

✓ نماز میت پنج تکبیر دارد:

- ۱- تکبیر اول: بعد از تکبیر اول باید اقرار به توحید و نبوت باشد
- ۲- تکبیر دوم: بعد از تکبیر دوم دعا و سلام و صلوات بر پیغمبر اکرم (ص) است
- ۳- تکبیر سوم: بعد از تکبیر سوم طلب مغفرت برای مومنین و مومنات است
- ۴- تکبیر چهارم: بعد از تکبیر چهارم برای خود میت دعا می شود
- ۵- تکبیر پنجم: بعد از تکبیر پنجم نماز تمام می شود

## دفن میت

- ✓ زمینی که میت در آن دفن می شود نباید غصبی باشد
- ✓ حد واجب قبر: به حدی عمیق باشد که بدن میت از گزند حیوانات درنده و وحشی در امان باشد و همچنین بوی تعفن بدن میت بیرون نیاید



- ✓ حد مستحب قبر: عمق آن به اندازه قد یک انسان معمولی باشد
- ✓ بدن در قبر باید روی پهلوی راست و رو به قبله قرار گیرد
- ✓ بهتر است (مستحب) قبل از دفن کامل میت، بند کفن باز و صورت میت روی متکای خاکی که از خاک قبر درست شده قرار گیرد و همچنین تربت سید الشهداء علیه السلام همراه میت باشد

## تلقین میت

شخصی که عهده دار تلقین است دست راست را بر شانه راست میت و دست چپ را بر شانه چپ و طبق عبارات وارد شده و بر اساس اعتقادات شیعه امامیه تلقین میت را بخواند و سپس خاک ریخته شود و میت دفن شود

- ✓ اگر بعد از اتمام دفن میت، معلوم شود که نماز میت خوانده نشده باید بر قبر او نماز خوانده شود
- ✓ اگر بعد از اتمام دفن میت، معلوم شود غسل میت انجام نشده یا کفن غصبی بوده یا مواردی از این قبیل اگر ضرر به بدن میت و هتک حرمت او نیست باید نبش قبر شود و آنچه دارای اشکال بوده اعاده شود

# درس بیست و نهم

## تیمم

انواع تیمم:

- ۱- تیمم بدل از وضو
  - ۲- تیمم بدل از غسل
- ✓ کیفیت انجام هر دو تیمم یکی است و فرقی باهم ندارند

مباحث تیمم:

- ۱- مواضع تیمم
- ۲- آنچه تیمم برآن صحیح است
- ۳- کیفیت تیمم

## مواضع تیمم

- ۱- تهیه آب میسر نیست (یا کلا میسر نیست یا به اندازه لازم میسر نیست)
  - ✓ اگر شخص در شهر و آبادی است و تهیه آب ممکن نیست باید به اندازه ای جستجو کند که علم یا اطمینان پیدا کند که آب کافی وجود ندارد
  - ✓ اگر شخص در بیابان است و آب ندارد، باید به اندازه شعاع پرتاب ۲ تیر (تیر و کمان) را برای آب جستجو کند (چهار طرف را به شکل دایره مانند باید جستجو کند) ولی اگر علم دارد که در مسافتی دورتر از شعاع ۲ تیر می تواند آب پیدا کند باید بیشتر از این مقدار دنبال آب بگردد
  - ✓ اگر شخصی دنبال آب نگشت و وقت نماز تنگ شد و فرصت برای جستجو و وضو باقی نبود در این صورت این شخص معصیت کرده ولی تیمم و نمازش صحیح است

۲- آب هست ولی دسترسی به آن ممکن نیست:

- مثل شرایطی که رسیدن به آب همراه با خوف از حیوان درنده یا سرما یا گرمای شدید که باعث ضرر و مشقت است باشد

۳- آب هست ولی در صورت استفاده آب برای وضو، خوف عطش خود شخص یا همراهان واجب النفقه او وجود دارد

۴- آب هست ولی استعمال آن ضرر دارد (به علت بیماری یا...)

۵- آب هست ولی در عین حال بدن یا لباس نمازگزار یا جایی که تطهیر آن واجب است (مثل مسجد) نجس شده است و آب موجود فقط برای یکی قابل استفاده است (وضو یا تطهیر نجاست) که در این صورت تطهیر نجاست (از بدن، لباس یا مسجد) مقدم بر وضو است و بجای وضو باید تیمم انجام شود

۶- آب یا ظرف آب غصبی باشد و جایگزینی هم برای آب یا ظرف وجود ندارد

۷- وقت به قدری تنگ باشد که فرصت وضو یا غسل نیست و اگر وضو یا غسل انجام دهد، بخشی یا تمام نماز در خارج از وقت واقع می شود

## آنچه تیمم بر آن صحیح است

- ✓ در بیان کلی تیمم بر زمین و آنچه عرفاً عنوان زمین به آنها اطلاق می شود (مثل خاک، سنگ و...) صحیح است
- ✓ از مواردی که عنوان زمین بر آنها صدق می کند مواردی اولویت دارند که دارای گرد و غبار باشند (مثلاً با وجود خاک و سنگ باید روی خاک تیمم کرد)

## احکام تیمم

- ۱- آنچه بر آن تیمم انجام می شود باید پاک باشد
- ۲- آنچه بر آن تیمم انجام می شود و مکان تیمم باید مباح باشند
- ۳- آنچه تیمم بر آن انجام می شود نباید ممزوج با غیر زمین باشد
- ۴- حتی الامکان خود شخص باید تیمم را انجام دهد
- ۵- تیمم باید بر اساس ترتیب (که ذکر خواهد شد) انجام شود

- ۶- اجزاء تیمم باید پشت سرهم و بدون تاخیر انجام شود  
 ۷- اعضای تیمم باید از بالا به پایین مسح شوند

## کیفیت تیمم

- ۱- مرحله اول: نیت و قصد قربت
  - ۲- مرحله دوم: دو کف دست را باهم و یکجا با ضرب روی خاک (یا آنچه تیمم بر آن صحیح است) می زند
  - ۳- مرحله سوم: پیشانی را از محل رویش موی سر تا بالای ابروها (بنابر احتیاط تا روی ابروها) و بالای بینی مسح می کند (از طرف عرض هم باید دوطرف صورت را در بر بگیرد)
  - ۴- مرحله چهارم: با کف دست چپ، پشت دست راست را از مچ (برای اطمینان مقداری بالاتر از مچ) تا سر انگشتان کاملا مسح می کند
  - ۵- مرحله پنجم: با کف دست راست پشت دست چپ را دقیقا با کیفیتی که در مورد دست راست گذشت مسح می کند
- ✓ برخی از علما گفته اند بهتر است (احتیاط استحبابی) بعد از انجام مسح صورت و قبل از مسح دستان، مجددا هر دو دست را به خاک بزند و سپس مسح دو دست را انجام دهد
- ✓ برخی از علما گفته اند اگر تیمم بدل از غسل است بهتر است بعد از اتمام تیمم به نحوی که گذشت، مجددا دستها را به خاک زده و مجددا پشت هر دو دست را مسح بکشد (مسح دو دست را با ضربه زدن مجدد به خاک تکرار کند)

## چند مساله مهم در باب تیمم

- ✓ در مواردی که غسل کفایت از وضو نیز می کرد (مثل غسل جنابت)، آیا تیمم بدل از این غسل ها نیز کفایت از وضو می کند یا خیر؟
- در این مساله اختلاف نظر وجود دارد و هرکس باید به مرجع تقلید خود رجوع کند اما آنچه مشهور بین فقهاء است این گونه است:

الف- اگر تیمم بدل از غسل جنابت است:  
در این مورد یک تیمم بدل از غسل، کفایت از وضو نیز می کند

ب- اگر تیمم بدل از غسلی دیگر است:  
در این موارد، کفایت از وضو نمی کند و باید بعد از تیمم اگر آب در دسترس بود، وضو گرفته شود یا اگر آب در دسترس نبود تیمم دیگری بدل از وضو انجام شود  
✓ اگر بعد از تیمم بدل از غسل حدثی سر زد:  
الف- این تیمم بدل از غسل جنابت بوده:  
باید برای نماز، تیمم دیگری با نیت بدل از غسل جنابت (نه بدل از وضو) انجام دهد و با همین تیمم می تواند نماز بخواند  
ب- این تیمم بدل از غسل دیگری بوده:  
باید برای نماز، یک تیمم بدل از غسل و تیمم دیگری بدل از وضو انجام دهد

# درس بیست و هفتم

## نمازهای واجب

- ۱- نمازهای یومیه (نماز صبح، ظهر و عصر، مغرب و عشاء و نماز جمعه)
- ۲- نماز آیات
- ۳- نماز طواف
- ۴- نماز میت
- ۵- نماز قضای پدر که بر عهده پسر بزرگتر است
- ۶- نمازی که واسطه نذر، عهد، قسم یا اجاره واجب می شود

## اوقات نمازهای یومیه

- ✓ وقت های نماز توسع دارد یعنی محدود به یک وقت کوتاه نیست (از واجبات موسع است)
- ✓ هر نماز دارای محدوده زمانی و وقت فضیلت است
- ✓ نماز صبح هیچ وقت مشترکی با سایر نمازها ندارد اما نمازهای ظهر و عصر باهم و مغرب و عشاء باهم وقت مشترک دارند و طبق نظریه مشهور فقهای امامیه، می شود بین آنها جمع کرد و یکجا خواند به خلاف نظر عامه
- ✓ در تعیین وقت نمازها از اصطلاح افق استفاده می شود، منظور از افق این است که اگر در زمینی مسطح مثل دشت یا بیابان قرار گیریم، چشم انسان مسافت زیادی را مشاهده می کند اما به دلیل کروی بودن زمین، در دوردست ها دیگر ادامه زمین قابل مشاهده نیست و گویا زمین و آسمان به هم می رسند که خط فرضی بین زمین و آسمان در آن نقطه را افق می گویند

- ۱- وقت نماز ظهر:  
از زوال تا غروب آفتاب است

- ✓ زوال: بعد از طلوع خورشید، حرکت خورشید سیر صعودی دارد و در نقطه ای به اوج خود و از آن پس شروع به افول می کند، در حالتی که خورشید به بالاترین نقطه اوج خود رسید وقت زوال است
- ✓ راهکار تشخیص زوال خورشید:
- اگر یک شیء عمود را مقابل نور خورشید قرار دهیم، از طلوع خورشید سایه شیء در جهت مغرب شروع به کوچک شدن تدریجی می کند تا وقتی که به کوچکترین اندازه خود می رسد و پس از آن دوباره شروع به بزرگتر شدن در جهت مغرب می کند، همان ابتدای وقتی که سایه (بعد از رسیدن به کوچکترین حد) شروع به بزرگ شدن مجدد می کند، ابتدای زوال و وقت نماز ظهر است
- ✓ غروب آفتاب زمانی است که حمزه مشرقیه از بین می رود (ذهاب حمزه مشرقیه)
- در مورد شرط ذهاب حمزه مشرقه بعضی فتوا داده اند و بعضی بنابر احتیاط گفته اند و اقوال نادری هم به استتار قرص کفایت کرده و فتوا داده اند

# درس بیست و هشتم

## غروب خورشید

همان طور که اشاره شد در مورد زمان غروب خورشید اختلاف نظر وجود دارد که در مجموع ۲ نظر مطرح است:

۱- غروب خورشید زمان استتار قرص است: یعنی وقتی خود قرص خورشید از دید پنهان می شود یا به اصطلاح عامیانه آن، به پشت کوه می رود، زمان غروب خورشید است که این نظر مخالفین (اهل سنت) و عده ای اندک از امامیه است

۲- ملاک غروب خورشید ذهاب حمره مشرقیه است: حمره مشرقیه یعنی سرخی شعاع های خورشید که هنگام غروب در جانب مشرق نمایان می شود که پس از استتار قرص این سرخی در مشرق قابل مشاهده است و مراد از ذهاب حمره مشرقیه این است که این سرخی از بالای سرما (هر منطقه ای که در آن هستیم) برود و برای آن منطقه غروب خورشید است که این نظر اکثر امامیه است

✓ بر مبنای همین اختلاف در مورد زمان غروب خورشید، در مورد پایان وقت نماز ظهر و عصر و آغاز وقت نماز مغرب و عشاء نیز اختلاف نظر به وجود می آید که عده ای پایان وقت نماز ظهر و عصر را، استتار قرص و عده ای ذهاب حمره مشرقیه می دانند، همچنین در مورد شروع وقت نماز مغرب و عشاء اما آنچه موافق احتیاط است این است که نماز ظهر و عصر تا قبل از استتار قرص خوانده شود و نماز مغرب بعد از ذهاب حمره مشرقیه خوانده شود

## وقت مشترک، مختص و فضیلت نماز ظهر و عصر

۱- وقت مشترک:

محدوده زمانی که گفته شد، (زوال تا غروب) وقت مشترک ظهر و عصر است با ۲ استثناء که در وقت خاص بیان می شود



۲- وقت خاص:

الف- وقت خاص ظهر: از ابتدای زوال به اندازه ۴ رکعت مختص ظهر است (چون رعایت ترتیب لازم است و ابتدا باید ظهر خوانده شود)

ب- وقت خاص عصر: دقایق پایانی محدوده زمانی ذکر شده به اندازه ۴ رکعت باقی مانده وقت مختص نماز عصر است (یعنی در این دقایق پایانی اگر نماز ظهر را نخوانده و فقط به اندازه ۴ رکعت وقت باقی مانده باید عصر را بخواند و ظهر را قضا کند)

۳- وقت فضیلت:

الف- وقت فضیلت نماز ظهر: از ابتدای زوال است تا وقتی که سایه شاخص به اندازه ۲ برابر مقدار زوال شود (مثلا اگر سایه شاخص هنگام زوال ۱۰ سانتی متر است، تا وقتی اندازه شاخص ۲۰ سانت شود، وقت فضیلت ظهر است)

ب- وقت فضیلت نماز عصر:

ب-۱- نظر مشهور: بعد از اتمام وقت فضیلت نماز ظهر، آغاز وقت فضیلت نماز عصر است تا به همان اندازه سایه شاخص در هنگام زوال، به اندازه فعلی شاخص افزوده شود (سایه فعلی شاخص ۲۰ سانت است و سایه هنگام زوال ۱۰ سانت بوده، وقتی سایه شاخص به ۳۰ سانت رسید آخر وقت فضیلت عصر است)

ب-۲- نظر دیگر: شروع وقت فضیلت عصر هم مانند شروع فضیلت ظهر، از همان ابتدای زوال است و پایان آن همانند نظر مشهور است

## وقت نماز مغرب و عشاء

✓ ابتدای وقت: با توجه به اختلاف در زمان غروب (که ملاک استتار قرص باشد یا ذهاب حمرة مشرقیه) در ابتدای وقت نماز مغرب نیز اختلاف است اما طبق نظر اکثر فقهای امامیه ذهاب حمرة مشرقیه ابتدای مغرب و شروع وقت نماز مغرب و عشاء است

✓ انتهای وقت:

الف- درحالت اختیار (عذر خاصی ندارد):

تا نیمه شب شرعی (روش محاسبه نیمه شب: فاصله زمانی مغرب تا اذان صبح را اگر نصف کنیم، زمان نیمه شب است)

ب- درحالت غیر اختیار (خوابش برده، فراموش کرده، یا زنی در ایام عادت بوده و...):

تا قبل از اذان صبح وقت دارد به نیت اداء بخواند

✓ اگر کسی عمدا تا نیمه شب نماز مغرب و عشاء را نخواند، احتیاطا نباید

نیت اداء یا قضاء کند بلکه باید بگوید آنچه بر گردنم است (ما فی الذمه)

## وقت مشترک، مختص و فضیلت نماز مغرب و عشاء

۱- وقت مشترک: محدوده زمانی گفته شده وقت مشترک است

۲- وقت خاص:

الف- وقت خاص نماز مغرب: به اندازه ۳ رکعت بعد از غروب شرعی

ب- وقت خاص نماز عشاء: آخرین دقایق مانده به نیمه شب (برای شخص

مختار) یا آخرین دقایق مانده به اذان صبح (برای غیر مختار) به اندازه ۴ رکعت

۳- وقت فضیلت:

الف- نماز مغرب: از ابتدای ذهاب حمره مشرقیه تا ذهاب حمره مغربیه (یعنی

ناپدید شدن کامل حمره در جانب مغرب)

ب- نماز عشاء: هنگام ذهاب حمره مغربیه تا ثلث شب (روش محاسبه ثلث شب

به همان روش محاسبه نیمه شب است با این تفاوت که اینجا محدوده زمانی

مغرب تا اذان صبح ۳ قسمت می شود و پایان قسمت اول یعنی اتمام ثلث شب)

## وقت نماز صبح

✓ ابتداء: طلوع فجر صادق

✓ انتهاء: طلوع خورشید

✓ فجر صادق چیست؟ در انتهای شب، در افق سفیدی به صورت افقی و عمودی در آسمان پخش می شود که سفیدی که در ابتدا دیده می شود، فجر اول یا فجر کاذب است، اما بعد از مدتی سفیدی دوم و واضح تری دیده می شود که فجر دوم یا صادق نام دارد

## وقت فضیلت نماز صبح

از فجر صادق تا قبل از ظهور حمزه مغربیه است

✓ حمزه مغربیه چیست؟

در هنگام صبح که خورشید در جانب مشرق است، سرخی شعاع های خورشید در جانب مغرب پدیدار می شود که حمزه مغربیه نام دارد

# درس بیست و نهم

## راه های علم به داخل شدن وقت نماز

- ۱- خود شخص به علم و اطمینان برسد که وقت نماز رسیده است، مثلاً یا خودش توانایی و دانش این کار را دارد یا با اذان علم پیدا می کند
- ۲- دو نفر مرد عادل به مکلف اخبار دهند که وقت نماز داخل شده است و حتی بعضی قائل اند که اخبار ثقه واحد هم می تواند حجت باشد به شرطی که ظن به خلافش نداشته باشیم

✓ در موردی مثل اذان صبح که تشخیص فجر صادق و کاذب بسیار سخت و کاری دقیق است بهتر است احتیاط کرده و نماز را چند دقیقه دیرتر از طلوع فجر صادق بخوانیم تا یقین قطعی به طلوع فجر صادق حاصل شود

✓ اگر برای شخصی رسیدن وقت نماز محرز شد و علم پیدا کرد و بنابر این علم و اطمینان مشغول نماز خواندن شد اما بعداً متوجه شد در واقع وقت نماز هنوز داخل نشده و این علم و اطمینان او خطا بوده است تکلیف چیست؟  
در این فرض چند حالت به صورت زیر متصور است:

۱- در حال نماز متوجه این مسأله می شود: نماز باطل است و باید بهم زده و بعد از داخل شدن وقت مجدداً نماز را اعاده کند

۲- نماز تمام شده و متوجه این مسأله شده است: نمازی که قبل از وقت خوانده باطل است و لازم است هنگام داخل شدن وقت نماز اعاده شود

۳- در حین نماز خواندن متوجه داخل شدن وقت شد (و متوجه خلاف واقع بودن علم و اطمینان قبلی): نمازش صحیح است و آن را تمام کند و اعاده لازم نیست

۴- بعد از اتمام نماز متوجه شد که مقداری از نمازش خارج و مقداری داخل در وقت خوانده شده: در این فرض هم نماز صحیح است و نیازی به اعاده ندارد

۵- در حین نماز خواندن به شک می افتد (اطمینان و یقین قبلی متزلزل می شود) که آیا وقت داخل شده بود یا نه: باید نماز را بهم زده و وقتی یقین به داخل شدن وقت کرد مجددا بخواند

✓ اگر نماز به قدری تاخیر افتاد که وقت نماز تنگ شد و به طور مثال در نماز ظهر و عصر فقط برای خواندن ۴ رکعت وقت باقی ماند، وظیفه این است که نماز عصر را بخواند و نماز ظهر را قضا کند (همچنین در مورد نماز مغرب و عشاء)، اما اگر بالفرض به اندازه ۵ رکعت وقت باقی بود در این فرض باید ابتدا ظهر را بخواند و سپس نماز عصر را به نیت ادا بخواند (هرچند که فقط ۱ رکعت از عصر در وقت خوانده می شود)، همچنین است نسبت به نماز مغرب و عشاء و در مورد نماز مسافر که شکسته است بجای ۴ رکعت، وقت ۲ رکعت در نظر گرفته می شود و مساله به همین ترتیب است

✓ در نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء رعایت ترتیب لازم است یعنی اول باید نماز ظهر و بعد عصر و اول باید نماز مغرب و بعد عشاء خوانده شود (مگر در تنگنای وقت که توضیح داده شد) و اگر کسی عمدا ترتیب را رعایت نکرد، مثلا بعد از اذان ظهر، ابتدا مشغول نماز عصر شد و بعد نماز ظهر را خواند، در این صورت، نمازی که مقدم کرده باطل است ولی نماز ظهری که خوانده درست است و باید بعد از نماز ظهر نماز عصر را مجددا بخواند

✓ اگر عدم رعایت ترتیب سهوی باشد چند حالت متصور است:  
۱- مشغول نماز ظهر یا مغرب شده بعد متوجه شده که قبلا خوانده است: باید این نماز را بهم بزند و مشغول نماز عصر یا عشاء شود  
۲- مشغول نماز عصر شده و بعدا متوجه شده که نماز ظهر را نخوانده یا نماز ظهری که خوانده بود، باطل بوده است:  
در این صورت در هرمرحله ای از نماز که هست باید نیت نماز ظهر کرده و نماز را به پایان برساند و نمازش صحیح است و سپس نماز عصر را بخواند

۳- شخص مشغول نماز عشاء شده و بعدا متوجه شده که نماز مغرب را نخوانده یا نماز مغربی که خوانده بود، باطل بوده است که در این صورت ۳ حالت متصور است:

الف- وقتی متوجه می شود که هنوز وارد رکوع رکعت ۴ نشده است:

باید نیتش را به نماز مغرب تغییر داده و نماز را تمام کند و نمازش صحیح است

ب- در رکعت ۴ وقبل از رکوع متوجه می شود:

در این فرض باید بنشینند، تشهد و سلام را بخواند و ۲ سجده سهو به خاطر قیام اضافی انجام دهد

ج- در رکوع یا بعد از رکوع رکعت ۴ متوجه می شود:

در این حالت نمازش باطل است

✓ در نماز های قضا رعایت ترتیب لازم نیست که حتما اول نماز صبح، بعد ظهر و عصر و... خوانده شود، مگر در صورتی که در یک روز نماز ظهر و عصر او قضا شده و بخواهد قضای آن را بجا آورد که باید ترتیب را رعایت کند، اما اگر یک روز نماز ظهر و روز دیگر نماز عصرش قضا شده، در این حالت رعایت ترتیب لازم نیست، همچنین است در مورد نماز مغرب و عشاء

# درس سی ام

## احکام قبله

- ✓ در نمازهای واجب و توابع آن، مثل نماز احتیاط یا سجده سهو، رو به قبله بودن لازم است
- ✓ در نمازهای مستحبی اگر:
  - ۱- در حالت راه رفتن یا روی مرکب خوانده می شود: رو به قبله بودن لازم نیست
  - ۲- اگر در حالت ثابت خوانده می شود: رو به قبله بودن لازم است

## تعیین جهت قبله

- ۱- خود شخص به علم و اطمینان برسد (با امکانات و دانش خود)
  - ۲- دو نفر عادل شهادت بدهند به جهت قبله و حتی برخی گفته اند شهادت ثقه واحد هم مکفی است به شرطی که ظن به خلاف آن نباشد
- ✓ اگر بعد از علم و اطمینان به جهت قبله، شروع به نماز خواندن کرد و بعد فهمید که جهت قبله را اشتباه متوجه شده و علم و اطمینان او خطا بوده در این صورت تکلیف چیست؟
- باید جهت حقیقی قبله را مشخص کند و بعد ببیند طبق توضیحات زیر جهت انحراف از قبله حقیقی به چه میزان بوده و تکلیف او چیست:
- ۱- اگر انحراف در حد راست یا چپ نرسد (کمتر از ۹۰ درجه باشد):
    - الف- در حال نماز است: همان لحظه تغییر جهت دهد
    - ب- نمازش تمام شده: نمازی که خوانده صحیح است
  - ۲- اگر انحراف بیش از ۹۰ درجه است: نمازش صحیح نیست و وظیفه اش این است که:
    - الف- اگر وقت نماز باقی است: نماز را اعاده کند
    - ب- اگر وقت نماز باقی نیست: نیاز به اعاده نیست (مگر طبق احتیاط برخی که گفته اند اگر کاملاً پشت به قبله بوده در این صورت هم اعاده کند)

✓ اگر علم به جهت قبله پیدا نکردیم و ۲ نفر عادل هم نبود، در این صورت می توان از جهت قبور مسلمین و یا محراب مساجد قبله را فهمید و نماز خواند

✓ اگر به هیچ طریقی حجت شرعی بر جهت قبله تحصیل نشد:

۱- اگر به یک جهتی ظن دارد: به همان ظن خود عمل کند و نماز به همان جهت بخواند

۲- به هیچ جهتی ظن ندارد:

الف- بعضی گفته اند در این حالت باید به ۴ جهت نماز بخواند (هر نمازی که می خواند ۴ مرتبه و به ۴ جهت مختلف)

ب- اکثر متأخرین گفته اند خواندن به ۴ جهت مستحب است و مکلف مخیر است به ۱ جهت از جهات ۴ گانه نماز بخواند

## ستر عورت

✓ ستر عورت در نماز واجب است حتی اگر شخص تنها باشد و یا تاریکی مطلق باشد به نحوی که هیچکس قادر به دیدن او نیست

✓ مقدار ستر عورت:

۱- برای آقایان: عورتین و توابع آنها پوشیده شود

۲- برای خانمها: تمام بدن پوشانده شود در نماز بجز: قرص صورت به مقداری که در وضو شسته می شود، دستها تا مچ و کف و روی پاها

✓ موارد استثنا در زنان در صورتی نیاز به پوشاندن ندارد که نامحرمی نباشد که نظاره گر باشد، وگرنه در فرض وجود نامحرمی که نگاه می کند، باید همان قسمت ها نیز پوشانده شود

✓ کسی که مشغول نماز است و بعد متوجه می شود ستر عورتش (بر اثر باد یا...) ناخواسته مختل شده است:



- ۱- اگر از ابتدا پوشش درست نبوده یا در خلال نماز پوشش کنار رفته (عمدی نبوده): نمازش صحیح است و باید در حین نماز وقتی متوجه شد، پوشش را درست کند و نماز را تمام کند و بعدا بنابر احتیاط نماز را اعاده کند
- ۲- اگر نماز تمام شد و متوجه خلل در پوشش شد: در این صورت نمازش محکوم به صحت است و اعاده لازم نیست

## لباس نمازگزار

شرایط لباس نمازگزار:

- ۱- پاک باشد (نجس نباشد)
  - ✓ خونی که کمتر از یک درهم است (به اندازه بند اول انگشت اشاره) بخشیده شده و اگر بر لباس بود نماز با آن صحیح است البته بجز خون های ثلاثه خانم ها که جزء این استثناء نیست
  - ✓ اگر قسمت نجس لباس کوچک است و به مقدار ستر عورت نیست در این صورت هم نجاست آن مبطل نماز نیست
- ۲- مباح باشد (غصبی نباشد)
- ۳- از اجزاء حیوانات حرام گوشت نباشد (چه اجزاء روح دار چه بدون روح)
- ۴- نباید از اجزاء میتة باشد (چه حلال و چه حرام گوشت)
- ۵- نباید طلا بافت باشد (برای مرد)
- ۶- نباید از ابریشم خالص باشد (برای مرد)

# درس سی و یکم

## شرایط مکان نمازگزار

- ۱- مباح باشد (غصبی نباشد)  
یا خود نمازگزار مالک مکان باشد، یا اجازه از مالک داشته باشد یا به نحوی باشد که مجاز به نماز خواندن در آنجا باشد (مثل مکان های عمومی برای نماز و...) ملاک در مباح بودن مکان نماز، مکان هایی است که مواضع ۷ گانه سجده روی آنها قرار می گیرد نه تمام مکان
- ۲- ثابت باشد  
داخل ماشین، قطار یا هروسيله در حال حرکت نمی شود نماز خواند مگر اینکه متوقف شده باشند
- ۳- در مکانی مشغول نماز شود که احتمال بدهد می تواند نمازش را تمام کند به طور مثال در مکانی که خطری انسان را تهدید می کند یا از لحاظ جوی امکان ادامه نماز نباشد یا مواردی از این قبیل، نمی شود نماز خواند
- ۴- مکان قابلیت انجام تمام اجزاء نماز را داشته باشد  
مثلا مکانی نباشد که سقفش کوتاه باشد و ایستادن ممکن نباشد (برای شخصی که توانایی ایستادن دارد) یا مکان به قدری تنگ باشد که نتوان رکوع انجام داد یا سایر اجزاء نماز با مشکل مواجه شود
- ۵- جایی نباشد که به واسطه ایستادن در آن مکان هتک حرمت به معصومین علیهم السلام صورت گیرد
- ۶- مکان سجده پاک باشد  
لازم نیست تمام مکان نماز پاک باشد، بلکه فقط پاک بودن محل سجده لازم است، اما اگر مکان های دیگر غیر از سجده به نحو قابل سرایت نجس بود (امکان سرایت نجاست به لباس نمازگزار وجود داشت) در این صورت نمی شود در آن مکان (هرچند محل سجده پاک است) نماز خواند
- ۷- اگر بیش از یک نمازگزار و به صورت جنس مخالف (زن و مرد) مشغول نماز هستند، مردها مقدم بر زن ها بایستند

البته در این مساله اختلاف نظرهایی بین فقهاء وجود دارد  
۸- محل سجده با محل پاها اختلاف ارتفاعی نداشته باشند  
محل سجده نباید بیش از ۴ انگشت بسته، بلند تر یا پست تر از محل پاها باشد

## مراحل نماز خواندن

- ۱- نیت: این است که شخص با قصد قربت و با آگاهی و اراده شروع به نماز خواندن می کند  
به زبان جاری کردن نیت لازم نیست، بلکه همین که می داند مشغول چه کاری است، کفایت می کند
- ۲- قیام: در حالت اختیار و در نماز واجب، باید در حالت قیام شروع به نماز خواندن کند
- ۳- تکبیرة الاحرام: گفتن الله اکبر بعد از نیت
- ۴- قرائت: قرائت حمد و سوره
- ۵- رکوع: همراه با ذکر رکوع
- ۶- سجده: ۲ سجده در هر رکعت همراه با ذکر سجده
- ۷- تشهد
- ۸- سلام
- ۹- ترتیب: ترتیب بین اجزاء و افعال نماز
- ۱۰- موالات: پشت سرهم بودن اجزاء نماز

## واجبات رکنی و غیر رکنی نماز

- ۱- واجب رکنی: برخی از واجبات نماز هستند که اگر خلی (چه سهوی چه عمدی) در آنها ایجاد شود، نماز محقق نمی شود  
✓ واجبات رکنی عبارتند از:  
۱- نیت ۲- تکبیرة الاحرام ۳- قیام متصل به رکوع (قبل از رکوع) ۴- رکوع  
۵- سجده (دو سجده باهم، در یک رکعت رکن هستند)

۲- واجب غیر رکنی: ایجاد خلل سهوی در آنها باعث بطلان نماز نیست  
✓ غیر از واجبات رکنی که نام برده شد، بقیه واجبات نماز، غیر رکنی هستند

✓ کم و زیاد شدن واجبات در نماز:

۱- اگر عمدی باشد:

نماز باطل است (چه واجب رکنی کم یا زیاد شود چه واجب غیر رکنی)

۲- اگر سهوی باشد:

الف- اگر واجب رکنی باشد: نماز باطل است

ب- اگر واجب غیر رکنی باشد: نماز باطل نیست ولی در انتهای نماز، راه جبران

دارد که باید جبران شود

✓ در مورد اضافه شدن واجب رکنی، نظر مشهور علما به بطلان نماز است  
اما برخی دیگر معتقدند اضافه شدن سهوی واجب رکنی باعث بطلان نمی  
شود

# درس سی و دوم

## قیام نماز

✓ قیام های نماز، حتی الامکان باید به صورت ایستاده انجام شود، مگر کسانی که عذر داشته و توانایی ایستادن ندارند  
✓ قیام:

- ۱- قیام رکنی: قیام هنگام تکبیرة الاحرام و قیام متصل به رکوع
- ۲- قیام غیر رکنی: قیام هنگام قرائت (یا تسبیحات اربعه) و قیام بعد از رکوع

✓ کسانی که عاجز از قیام هستند باید طبق مراتب زیر عمل کنند:

- ۱- مرتبه اول: بعضی از قیام ها را می تواند و برخی را نه:  
قیام هایی که می تواند را ایستاده و بقیه را نشسته انجام دهد (قیام های رکنی در اولویت هستند که ایستاده انجام شوند)  
✓ اگر با کمک گرفتن از چیزی، تکیه دادن به دیوار، یا راه های دیگر، می تواند قیام های نماز را ایستاده انجام دهد باید ایستاده انجام دهد  
۲- مرتبه دوم: اصلاً امکان ایستادن ندارد:  
باید نمازش را نشسته بخواند  
✓ اگر می تواند کل نماز را باید نشسته بخواند و اگر نمی تواند، باید تا جایی که ممکن است نشسته و بقیه را خوابیده بخواند. همچنین اگر با تکیه دادن و کمک گرفتن می تواند نشسته بخواند باید انجام دهد  
۳- مرتبه سوم: به هیچ وجه نمی تواند نشسته بخواند:  
باید خوابیده بخواند که خود شامل سه مرتبه است:  
الف- مرتبه اول: اگر می تواند روی پهلو راست و رو به قبله بخوابد، مثل حالت میت درون قبر (اگر نیاز به کمک گرفتن تکیه دادن و... دارد باید انجام دهد)  
ب- مرتبه دوم: به هیچ وجه نمی تواند به سمت راست بخوابد: باید به سمت چپ مثل حالت قبلی بخوابد (حتی با کمک گرفتن)

ج- نه به سمت راست و نه به سمت چپ قادر به خوابیدن نیست (حتی با کمک گرفتن هم قادر نیست): باید به پشت و به حالتی که پاها رو به قبله دراز شده بخوابد و نماز بخواند (مثل حالت محتضر)

✓ در خلال هر مرحله اگر با مساعد شدن حال شخص، توانایی مرحله قبل را بدست آورد باید طبق مرحله قبل، حالت مطلوب تر را انجام دهد

✓ اگر شخص فعلاً عاجز از قیام است و وقت نماز هم باقی است و احتمال می دهد که شاید تا قبل از قضا شدن نماز، توانایی قیام را بدست آورد، وظیفه اش این است که تا لحظات قبل از قضا شدن نماز صبر کند تا شاید عجزش برطرف شود و اگر با وجود این احتمال، صبر نکرد و نماز را نشسته (یا خوابیده) خواند و بعداً قبل از فوت وقت نماز، توانایی قیام (یا نشستن) را بدست آورد در این صورت باید نمازش را اعاده کند (نسبت به همه مراتب ذکر شده همین گونه است)

## قرائت

- ✓ در نماز واجب باید یک حمد و یک سوره کامل خوانده شود (در نماز مستحبی خواندن سوره، یا سوره کامل واجب نیست)
- ✓ قرائت حمد و سوره:
- الف- در نماز صبح، مغرب و عشاء:
- مردان: باید با جهر (صدای جوهر دار یا به اصطلاح بلند) بخوانند
- زنان: می توانند آهسته یا بلند بخوانند (بلند در صورتی که نامحرم نشنود)
- ب- در نماز ظهر و عصر: هم زن و هم مرد باید آهسته بخوانند (مگر نماز ظهر جمعه که مستحب است بلند باشد)
- ✓ برخی از سوره ها در نماز همراه یک سوره دیگر به عنوان سوره کامل هستند و نمی توان آنها را تنها خواند، این سوره ها عبارتند از:
- سوره ضحی و الم نشرح که با هم یک سوره حساب می شوند در نماز
- سوره فیل و قریش نیز یک سوره حساب می شوند در نماز
- ✓ خواندن سوره هایی که سجده واجب دارند، در نماز:

- ✓ در صورتی سجده ی آیات سجده دار واجب می شود که یا خود شخص قرائت کند یا از قاری استماع (شنیدن با اختیار و اراده) کند
- ✓ اگر شخص هم قرائت کرد و هم استماع، ۲ سجده بر او واجب است
- ✓ اگر کسی با اختیار گوش نداد و بصورت اتفاقی و ناخواسته شنید، سجده بر او واجب نیست
- ✓ اگر از شخص قاری استماع نکرده بلکه مثلا از نوار، رادیو، تلویزیون و... شنیده باز هم سجده بر او واجب نیست مگر اینکه بصورت پخش مستقیم شنیده باشد
- ✓ سجده در صورت شنیدن آیات سجده دار، ذکر خاصی دارد اما گفتن این ذکر خاص واجب نیست (مستحب است) و می توان اذکار دیگر را گفت یا اصلا هیچ ذکر نگفت

## درس سی و سوم

✓ سوره هایی که آیات سجده دار واجب دارند نباید در نمازها خوانده شوند  
✓ اگر شخص در حال نماز بود و شخص دیگری آیات سجده دار واجب را قرائت کرد تکلیف شخص مصلی چیست؟

دو حالت وجود دارد:

۱- صرفاً آیه به گوشش خورده و بدون اراده شنیده است: سجده ای بر او واجب نیست و نمازش صحیح است

۲- با قصد و اراده استماع کرده: سجده بر او واجب می شود اما درحین نماز باید با اشاره سر سجده را بجا آورده و بعد از اتمام نماز یک سجده کامل انجام دهد

✓ اگر خود شخص سوره و آیه ای که سجده واجب دارد را در نماز قرائت کرده تکلیف چیست؟

در این صورت هم ۲ فرض وجود دارد:

۱- عمدا خوانده است:

الف- اگر سجده نکرد در حین نماز: بعد از نماز باید یک سجده انجام دهد و نماز را احتیاطاً اعاده کند

ب- سجده کرد در حین نماز: نماز باطل است و باید اعاده کند

۲- سهوا خوانده:

الف- اگر قبل از رسیدن به آیه سجده دار متوجه شد: باید این سوره را رها و سوره دیگری که سجده واجب ندارد بخواند

ب- با همان حالت سهوی آیه سجده دار را هم خوانده:

ب-۱- هنوز به سجده خود نماز نرسیده: با سر اشاره به سجده کند و

نمازش را تمام و بعد نماز یک سجده بجا آورد

ب-۲- نمازش را تمام کرده: نمازش صحیح است و اعاده ندارد



## عدول از قرائت سوره ای به سوره دیگر در نماز

آیا می توان در حین خواندن سوره ای در نماز، آن را رها کرده و مشغول سوره دیگری شد؟

- ۱- فرض اول: اگر یکی از سوره های توحید یا کافرون را شروع کرده (حتی فقط بسم الله الرحمن الرحیم این سوره ها را گفته): در این صورت نمی تواند به سوره دیگری عدول کند
  - ۲- فرض دوم: سوره ای غیر از توحید یا کافرون را می خواند:
    - الف- اگر می خواهد به یکی از دو سوره توحید یا کافرون عدول کند (یکی از این دو را جایگزین سوره قبلی کند): در این صورت عدول مانعی ندارد، در هر جایی از سوره قبلی که باشد می تواند عدول به یکی از این دو سوره کند
    - ب- اگر می خواهد به سوره دیگری غیر از توحید یا کافرون عدول کند:
      - ب-۱- اگر نیمی از سوره اولی را خوانده و می خواهد عدول کند: حق عدول ندارد
      - ب-۲- هنوز به نصف سوره اولی نرسیده: عدول مانعی ندارد
- ✓ شرایط گفته شده در حالت اختیار بود، اما در حالت اضطرار (ادامه سوره اولی را فراموش کرده یا...) عدول بدون رعایت شرایط مذکور جایز است
- ✓ در نماز ظهر جمعه مستحب است در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم، سوره منافقون خوانده شود، اگر شخصی، خواندن این دو سوره را فراموش و سوره دیگری را شروع به خواندن کرد، در این صورت در هر جای سوره وهر سوره ای که بود می تواند به سوره جمعه (در رکعت اول) یا منافقون (در رکعت دوم) عدول کند اما عکس این قضیه در حالت اختیار، احتیاطا جایز نمی باشد

## رکعات سوم و چهارم نماز

- ✓ در رکعات سوم و چهارم، مصلی مخیر است یا فقط سوره حمد (بدون سوره دیگری) یا تسبیحات اربعه را بخواند
- ✓ خواندن تسبیحات اربعه (در صورت نخواندن حمد) ۱ مرتبه واجب است و بهتر است ۳ مرتبه خوانده شود

✓ چه تسبیحات اربعه و چه سوره حمد را خواند، باید آهسته بخواند در هر نمازی که باشد

## رکوع

✓ مقدار خم شدن در رکوع:

۱- حد واجب: به اندازه ای خم شود که سر دستان به زانوها برسد

۲- حد مستحب: به اندازه ای خم شود که دستها را سر زانوها قرار دهد

✓ ذکر رکوع واجب است و یا باید ۱ مرتبه «سبحن ربی العظیم و بحمده» یا ۳

مرتبه «سبحن الله» (درحالت اختیار) یا هر ذکر دیگری که به میزان این ذکرها

باشد بگوید

✓ خود رکوع واجب رکنی و ذکر رکوع واجب غیر رکنی است

# درس سی و چهارم

## سجده

✓ در هر رکعت نماز، ۲ سجده وجود دارد که هر دو سجده در یک رکعت، باهم از ارکان نماز است و ترک هر دو سجده در یک رکعت چه سهوا و چه عمدا باعث ابطال نماز است (البته طبق آنچه گذشت، اضافه شدن سهوی ارکان نماز، محل اختلاف است در بطلان)

## کیفیت سجده

- ✓ ملاک تحقق سجده، قرار دادن پیشانی روی زمین است و برای تکمیل سجده باید ۶ عضو دیگر نیز همراه پیشانی، روی زمین قرار گیرند
- ✓ بین پیشانی و زمین در هنگام سجده نباید هیچ گونه مانع و فاصله ای باشد و در مورد ۶ عضو دیگر، وجود مانع مشکلی ندارد
- ✓ قرار دادن پیشانی روی زمین باید با نیت و اراده خضوع و خشوع در مقابل درگاه الهی باشد نه به دلایل و اسباب دیگر
- ✓ گفتن ذکر سجده نیز واجب (غیر رکنی) است و یا باید ۱ مرتبه «سبحن ربی الاعلی و بحمده» و یا ۳ مرتبه «سبحن الله» و یا هر ذکر دیگری که به اندازه اینها باشد گفته شود
- ✓ موقع گفتن ذکر سجده باید بدن آرام و ثابت باشد
- ✓ بعد از اتمام یک سجده، مصلی باید لحظه ای بنشیند و بعد سجده دوم را انجام دهد (اصطلاحا جلسه استراحت داشته باشد)
- ✓ محل سجده با محل دست و پاها نباید بیش از ۴ انگشت بسته، اختلاف ارتفاعی داشته باشد

## آنچه سجده بر آنها صحیح است

سجده بر زمین و آنچه از زمین می روید صحیح است با ۲ شرط:

- ۱- خوردنی نباشد (مثل میوه ها و خوراکی ها)
- ۲- پوشیدنی نباشد (مثل پنبه، کتان و...)

## ترتیب اولویت در آنچه سجده بر آنها صحیح است

- ۱- اولویت اول: تربت سید الشهداء علیه السلام
- ۲- اولویت دوم: خاک
- ۳- اولویت سوم: خاک سنگ (سنگی که خرد شده و تبدیل به خاک شده)
- ۴- اولویت چهارم: سنگ
- ۵- اولویت پنجم: گیاهان (به شرطی که خوردنی یا پوشیدنی نباشند)

✓ اگر آنچه سجده بر آنها صحیح است وجود نداشت، ترتیب اولویت سجده بر اشیاء دیگر به ترتیب زیر است:

- ۱- اولویت اول: بر لباس سجده شود (خود لباس، آستین لباس یا...)
- لباسی که از گیاه باشد مقدم است از لباسی که از کرک و پشم یا پوست حیوانات است
- لباس نباید از ابریشم خالص باشد
- ۲- اولویت دوم (در صورتی که اولویت اول موجود نبود):  
اگر انگشتر عقیق یا فیروزه دارد بر آنها سجده کند
- ۳- اولویت سوم (در صورتی که اولویت اول و دوم موجود نبود):  
روی کاغذی که از گیاهان ساخته شده سجده کند
- ۴- اولویت چهارم (در صورتی که اولویت اول، دوم و سوم موجود نبود):  
پشت دست سجده کند

## عجز از رکوع

کسی که عاجز از انجام رکوع است باید طبق دستور زیر عمل کند:  
اگر قادر به خم شدن کمتر از حد واجب رکوع است:  
باید تاجایی که می تواند خم شده و با سر نیز به نشانه رکوع اشاره کند

- ✓ اگر شخصی فقط در حالت نشسته می تواند تا مقابل زانوها خم شود و هم می تواند ایستاده اشاره کند، اشاره کردن ایستاده مقدم است
- ✓ اگر حتی سر را نمی تواند خم کند باید با چشم ها به نشانه رکوع اشاره کند

## عجز از سجده

- کسی که عاجز از انجام سجده است باید طبق دستور زیر عمل کند:
- ۱- تاجایی که می تواند سعی کند مثل سجده معمولی سجده کند (با کمک گرفتن، گذاشتن چیزی زیر دست ها یا...)
  - ۲- اگر به هیچ وجه نمی تواند، باید مهر را بالا بیاورد و سجده کند
  - ۳- اگر به هیچ وجه نمی تواند ۶ عضو دیگر را هم روی زمین بگذارد:  
در این حالت اختلاف نظر وجود دارد و آنچه مطابق با احتیاط کامل است و جمع بین تمام نظر ها است این است که ۲ نماز بخواند:  
در نماز اول: بشیند و با سر اشاره به سجده کند، اگر با سر نمی تواند با چشم و اگر با چشم هم نمی تواند، با دست اشاره کند  
در نماز دوم: روی صندلی بشیند و میزی به موازات زانوها قرار دهد و مهر و ۲ دست را روی میز قرار داده و سر زانوها را به میز بچسباند و انگشت پاها را روی زمین قرار داده و به سجده برود

# درس سی و پنجم

## تشهد

تشهد در نماز ۲ رکعتی: ۱ تشهد در پایان نماز  
تشهد در نماز ۳ یا ۴ رکعتی: ۲ تشهد است که یکی در رکعت دوم و دیگری در رکعت  
آخر  
✓ تشهد جزء واجبات غیر رکنی است (ترک سهوی آن باعث بطلان نماز نمی شود  
ولی باید ۲ سجده سهو انجام شود و به احتیاط بعضی دیگر، قضای تشهد نیز  
انجام شود)

## سلام

سلام نماز سه مرحله دارد:  
۱- گفتن: السلام علیک ایها النبی ورحمة الله و برکاته: این سلام مستحب است و  
نمی توان با گفتن آن از نماز خارج شد  
۲- گفتن: السلام علینا و علی عباد الله الصالحین: با این سلام می توان قصد خروج از  
نماز کرد و نماز را پایان داد  
۳- گفتن: السلام علیکم ورحمة الله و برکاته: اگر در سلام دوم قصد خروج نکرد، با  
سلام سوم، قهرا نماز تمام خواهد شد

✓ کسی که تشهد را گفت و سلام را فراموش کرد و بعدا متوجه شد باید طبق  
وظیفه اش به شرح زیر عمل کند:  
۱- هنوز صورت نماز را بهم نزده و مبطلی نیز انجام نداده (مثلا رو از قبله بر  
نگردانده یا حرفی نزده یا سایر مبطلات را هنوز انجام نداده):  
در این صورت باید سلام را بگوید و نماز را تمام کند  
۲- صورت نماز را به هم زده یا مرتکب مبطلی شده: نماز باطل است و باید اعاده  
شود

## ترتیب

ترتیب در نماز این است که اجزاء نماز را با ترتیبی که قبلا ذکر شد انجام دهد و یکی را بر دیگری مقدم نکند، ترتیب از واجبات غیر رکنی است

✓ کسی که به صورت غیر عمد ترتیب را بهم زده یا از روی سهو یا از روی ندانستن مساله (در صورتی که کوتاهی در فهم مساله نکرده)، چند فرض برای این شخص متصور است:

۱- ترتیب بین ۲ رکن را بهم زده (مثلا سجده را مقدم بر رکوع کرده):  
نماز باطل است

۲- رکنی را بر غیر رکن مقدم کرده (مثلا اول رکوع رفته و بعد قرائت را انجام داده):  
نمازش صحیح است و باید به پایان برساند

۳- غیر رکنی را بر رکن مقدم کرده (مثلا قبل از ۲ سجده، تشهد خوانده):  
باید ۲ سجده را انجام داده و مجددا تشهد را بخواند و بعد از نماز ۲ سجده سهو به جا آورد

۴- ترتیب بین ۲ غیر رکن را رعایت نکرده (مثلا ابتدا سوره و بعد حمد را خوانده):  
باید مجددا حمد و سپس مجددا سوره را با ترتیب صحیح بخواند و بعد از نماز، ۲ سجده سهو بجا آورد

## موالات

موالات یعنی بین اجزاء و افعال نماز فاصله غیر معمول نیندازد که صورت نماز بهم بخورد (عرفا بگویند مشغول نماز است)

## مبطلات نماز

۱- فقدان شرایط نماز: کسی که حین نماز متوجه شود شرایط نماز را ندارد، مثلا ستر عورت او صحیح نیست

۲- سر زدن حدث اکبر یا اصغر: مثلا حین نماز خوابش ببرد یا کاری از او سر بزند که وضوی او باطل شود

- ۳- برگرداندن عمدی صورت از قبله:  
اگر در حد راست یا چپ یا بیشتر باشد نماز باطل است ولی اگر سهوی باشد  
مبطل نیست
- ۴- بهم زدن صورت نماز: بواسطه فعل کثیر (انجام کاری در بین نماز که صورت نماز  
را بهم بزند) یا سکوت طویل
- ۵- حرف زدن عمدی:  
الف- اگر کلمه ای ۱ حرفی و دارای معنا باشد، نماز باطل است  
ب- اگر بیشتر از ۱ حرف باشد، در هر صورت نماز باطل است
- ✓ شخص نمازگزار نباید حین نماز ابتدا به سلام کند ولی دادن جواب سلام واجب  
است البته به مقدار شخص سلام دهنده باید جواب سلام او را بدهد نه بیشتر  
(اگر سلام کننده فقط سلام گفت، با همان سلام خالی جواب دهد یا اگر سلام  
علیکم گفت، در همین حد سلام علیکم می تواند جواب دهد)
- ✓ ندادن جواب سلام در حین نماز (یا غیر نماز) معصیت است ولی باعث بطلان  
نماز نمی شود
- ✓ اگر به قدری جواب سلام را به تاخیر انداخت که دیگر عرفا جواب سلام دادن  
معنا ندارد، نمی تواند بعد از این تاخیر جواب سلام دهد و اگر داد، نماز باطل  
است
- ۶- دست بسته نماز خواندن یا گفتن آمین بعد از قرائت حمد مانند عامه به نیت  
اینکه جزء نماز است و در غیر موقعیت تقیه مبطل نماز است
- ۷- خوردن و آشامیدنی که صورت نماز را بهم بزند مبطل نماز است
- ۸- خندیدن و گریه کردنی که صورت نماز را بهم بزند مبطل نماز است (گریه ای که  
برای مسائل دنیوی باشد مبطل است اما گریه از خوف خدا مبطل نیست)



## درس سی و نهم

- ✓ قطع نماز واجب، بدون عذر جایز نمی باشد به خلاف نماز مستحبی (بعضی حتی نماز مستحبی را بنا بر احتیاط مستحب می گویند قطع نشود)
- ✓ در صورت ضرورت دینی یا دنیوی، قطع نماز واجب، جایز است

### موارد وجوب قطع نماز

در بعضی موارد قطع نماز واجب می شود:

- ۱- جان خود شخص یا کسی که حفظ جان او واجب است در خطر باشد  
✓ اگر بدون قطع نماز، حفظ جان ممکن باشد، نباید نماز قطع شود
- ۲- حفظ مالی که حفظش واجب باشد مثل امانت
- ۳- مطالبه مال توسط طلبکار:  
✓ اگر در حال نماز، اداء دین ممکن است، نباید نماز قطع شود  
✓ اگر مصلی در تنگنای وقت باشد نیز قطع نماز واجب نیست

- ✓ اگر قطع نماز به دلایل بالا واجب شد اما مصلی به نماز ادامه داد، معصیت کرده ولی نمازش باطل نیست

### شکایات نماز

تقسیم بندی اول شکایات نماز:

۱- شک در رکعات

۲- شک در اجزاء

تقسیم بندی دوم شکایات نماز:

۱- شکهایی که مبطل هستند

۲- شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

۳- شکهایی که نیاز به ضمیمه ای برای صحت نماز دارند

## الف- شک های مبطل:

- ۱- شک در تعداد رکعات نمازهای ۲ یا ۳ رکعتی (شامل نماز مسافر نیز می شود) ✓  
به محض شک کردن نماز باطل نمی شود، بلکه باید مقداری تأمل کند تا حالت شک برطرف شود و اگر برطرف شد نماز صحیح است و اگر برطرف نشد، باطل است
- ۲- شک در نمازهای ۴ رکعتی، اگر یک طرف شک، ۱ رکعت باشد نماز باطل است و همچنین اگر یک طرف شک، ۲ رکعت باشد و این شک قبل از اتمام سجده رکعت دوم ایجاد شود
- ۳- اگر یک طرف شک، از ۴ بیشتر باشد نیز نماز باطل است، البته برخی احتیاط کرده و گفته اند که در این فرض باید بنا را بر عدد صحیح (زیر ۵ رکعت) گذاشته نماز را تمام و سپس اعاده کند

## ب- شک هایی که مورد اعتنا نیست:

- ۱- شک بعد از محل: مثلاً در حال خواندن سوره، شک می کند آیا حمد را خوانده یا نه
- ۲- شک بعد از سلام (چه در رکعات، چه در اجزاء)
- ۳- شک بعد از وقت: یعنی وقت اداء نماز گذشته باشد

✓ مواردی از شکیات که ذکر شد، در صورتی به آنها عمل می شود که شک به حالت خود باقی بماند، اما اگر بعد از مدتی (درحین نماز یا بعد از نماز) شک تبدیل به یقین شود، در هر موردی باید طبق وظیفه خاص خودش عمل شود. مثلاً اگر جزء رکنی ترک شده و هنوز وارد رکن بعدی نشده، باید تدارک کند رکن ترک شده را و اگر وارد رکن بعدی شده نماز باطل است و...

## درس سی و هفتم

۴- شک کثیر الشک

✓ کثیر الشک کسی است که طبق ملاک عرف، زیاد شک می کند

۵- شک امام یا ماموم:

اگر یا امام یا ماموم شک در جزئیات یا رکعات داشته باشد و طرف دیگر یقین داشته باشد، امام یا ماموم نباید به شک خود اعتنا کند، بلکه باید به یقین طرف دیگر عمل کند

۶- شک در نمازهای مستحبی یا نماز احتیاط

ج- شک های صحیح (نیاز به ضمیمه دارند):

✓ با دقت نظر در شک های مبطل و شک هایی که به آنها اعتنا نمی شود، اگر مورد شک جزء این دو مورد نبود، شک صحیح خواهد بود (طبق بیان دو مورد قبلی، قطعا این قسم از شک فقط شامل نمازهای ۴ رکعتی می شود)

۱- شک بین ۲ و ۳: بنا را بر ۳ رکعت گذاشته و رکعت ۴ را هم بجا آورده و نماز را تمام کند و بعد از نماز، ۱ رکعت نماز احتیاط ایستاده (یا ۲ رکعت نشسته) بخواند

۲- شک بین ۲ و ۴: بنا را بر ۴ گذاشته، نماز را تمام کند و بعد از نماز، ۲ رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند

۳- شک بین ۲ و ۳ و ۴: بنا را بر ۴ گذاشته، نماز را تمام کند و بعد از نماز، ۲ رکعت نماز احتیاط نشسته و ۲ رکعت ایستاده بخواند

۴- شک بین ۴ و ۵:

الف- شک در حالت ایستاده رخ داده: بنا را بر ۵ گذاشته و بنشیند، تشهد و سلام را خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز ۱ رکعت نماز احتیاط ایستاده (یا ۲ رکعت نشسته) بخواند

ب- شک بعد از سجده اول یا قبل از اتمام ذکر سجده دوم رخ داده: نماز باطل است

ج- شک بعد از اتمام سجده دوم رخ داده: نماز را تمام کند و ۲ سجده سهو بجا آورد

۵- شک بین ۳ و ۴ (درحالت ایستاده): بنا را بر ۴ گذاشته و نماز را تمام کنند و بعد از نماز، ۱ رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند

۶- شک بین ۳ و ۵ (درحالت ایستاده): بنا را بر ۵ گذاشته، بنشیند و نماز را تام کرده و بعد از نماز ۲ رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند

۷- شک بین ۳ و ۴ و ۵ (درحالت ایستاده): بنا را بر ۵ گذاشته، بنشیند و نماز را تام کرده و بعد از نماز ۲ رکعت نماز احتیاط ایستاده و ۲ رکعت نشسته بخواند

۸- شک بین ۵ و ۶ (درحالت ایستاده): بنشیند و نماز را تمام کند، بعد از نماز ۲ سجده سهو انجام دهد

## کیفیت نماز احتیاط

طریقه خواندن نماز احتیاط این گونه است که به محض سلام دادن و اتمام نماز، بدون انجام دادن مبطل، نیت نماز احتیاط کند، سپس تکبیر بگوید بعد سوره حمد را قرائت کند (آهسته بخواند، حتی بسم الله حمد را) و به رکوع و سجده برود (اگر ۱ رکعت است، با تشهد و سلام نماز را تمام و اگر ۲ رکعت است همانند رکعت اول ادامه دهد) ✓ نماز احتیاط، سوره و قنوت ندارد (فقط حمد)

# درس سی و هشتم

## مواضع سجده سهو

به طور کلی در هر زیاده یا نقیصه ای که در نماز ایجاد شود، با شرایط زیر، سجده سهو واجب می شود:

- ۱- سهوی باشد
- ۲- غیر رکن باشد
- ۳- از محل جزء گذشته و وارد رکن بعدی شده باشد (اگر هنوز وارد رکن بعدی نشده است، باید جزء فراموش شده را تدارک کند)

این زیاده یا نقیصه به صورت جزئی شامل موارد زیر می شود (با در نظر گرفتن شروط بالا):

- ۱- سخن گفتن در نماز
- ۲- سلام در غیر محل (در رکعتی غیر از رکعت آخر سلام دهد و به شرطی که مبطل نماز انجام نداده باشد می تواند با سجده سهو جبران شود)
- ۳- قیام اضافی
- ۴- جلوس اضافی (مثلا بعد از یک سجده، متوجه شود رکوع را انجام نداده است و برای تدارک رکوع بایستد)
- ۵- فراموش کردن تشهد
- ۶- فراموش کردن یک سجده

## کیفیت سجده سهو

بعد از سلام نماز و بدون انجام مبطلات، باید دو سجده برود و در هر سجده این ذکر را بگوید: «بسم الله و بالله، السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» سپس تشهد گفته و بعد از تشهد بگوید «السلام علیکم» و سجده سهو تمام است

✓ سجده سهوی که برای تدارک تشهد فراموش شده انجام داده می شود باید متصل به همان نمازی باشد که تشهدش فراموش شده و اگر بعد از همان نماز

انجام نشد، آن نماز باطل است به خلاف سایر سجده های سهو که اگرچه فوریت دارند ولی اگر متصل به همان نماز نبود، مبطل نماز نیست

## نماز مسافر

شخصی که مسافر است، نماز های ۴ رکعتی را باید (با شرایطی) ۲ رکعت بخواند (پس نماز صبح که ۲ رکعت است و نماز مغرب که ۳ رکعت است، در مسافرت تغییر نمی کند)

## شرایط سفر

برای اینکه شخص مسافر محسوب شود و نماز های ۴ رکعتی او ۲ رکعتی خوانده شود، شرایطی لازم است:

- ۱- طی کردن حداقل مسافت که ۸ فرسخ شرعی و حدوداً ۴۴ کیلومتر است
  - ✓ یا تمام ۸ فرسخ باید در مسیر رفت باشد یا حداقل ۴ فرسخ مسیر رفت و ۴ فرسخ مسیر برگشت باشد تا شخص، مسافر محسوب شود
  - ✓ شخص مسافر باید از همان ابتدا نیت طی ۸ فرسخ را داشته باشد تا مسافر حساب شود (نه اینکه مثلاً نیت ۳ فرسخ دارد و پس از طی ۳ فرسخ نظرش تغییر کرده و قصد مسافت بیشتری می کند)
- ۲- درطول مسافرت از قصد خود برنگردد
- ۳- در مدت زمان سفر، به وطن یا جایی که در حکم وطن اوست و یا جایی که قصد اقامت ده روز کند نرسد

✓ ابتدای شروع مسافت شرعی (۸ فرسخ) از آخرین نقطه دیوارها و خانه های محل سکونت شخص محاسبه می شود (نه این که از منزل خود ۸ فرسخ را محاسبه کند)

✓ شخصی که قصد سفر کرده است، بعد از رسیدن به حد ترخص (حدی که دیوار شهر را نبیند یا صدای اذان ماذنه های شهر قابل شنیدن نباشد) نمازش شکسته است و قبل از حد ترخص نمازش کامل است

- ۴- شخص خانه به دوش نباشد که همیشه در سفر است  
✓ کسانی که شغلشان سفر کردن است (مثل راننده ها) یا شغلشان در سفر  
است (مثل معلمی که برای تدریس مجبور به مسافرت های مکرر است)  
نیز نمازشان کامل است
- ۵- سفر حرام (مثل زنی که بدون رضایت شوهر مسافرت می کند) یا برای حرام (مثل  
شخصی که برای انجام کار حرامی سفر می کند) نباشد

# درس سی و نهم

## قواعد سفر

کسی که مسافت شرعی را پیموده و مسافر شرعی محسوب می شود، با شرایطی، سفر او قطع شده و دیگر عنوان مسافر ندارد و همچنین باید نمازهای خود را کامل بخواند این شرایط که از آنها تعبیر به قواعد سفر می شود عبارتند از:  
رسیدن به وطن، رسیدن به جایی که قصد اقامت حداقل ۱۰ روز کرده و اقامت ۳۰ روز همراه با تردید و بدون قصد اقامت ۱۰ روز  
توضیح این سه مورد این گونه است:

۱- رسیدن به وطن:

- اگر شخص مسافر به حد ترخص وطن خود برسد، دیگر مسافر نیست
- ✓ نظر مشهور درباره وطن این است که شخص در آنجا به دنیا آمده و رشد کرده باشد (بعضی فقط تولد و بعضی تولد و رشد را باهم ملاک می دانند)
  - ✓ جایی که شخص در آنجا متولد نشده ولی برای زندگی دائمی آنجا را انتخاب کرده است وطن اتخاذی نام دارد و از لحاظ حکمی مانند وطن اصلی است
  - ✓ کسی که جایی را برای اقامت دائم در نظر گرفته (وطن اتخاذی)، باید مدت زمانی از اقامت و سکونت او در این مکان بگذرد تا عرفاً ساکن آنجا محسوب شود و وطن اتخاذی او گردد و اگر قبل از طی شدن این زمان عرفی (حدود ۲ یا ۳ ماه)، خواست کمتر از ۱۰ روز در این مکان اقامت کند، بنابر احتیاط باید نمازش را به صورت جمع بخواند، یعنی هم شکسته و هم کامل تا اینکه عرفاً ساکن آنجا محسوب شود
  - ✓ زن در وطن تابع شوهر است و همچنین فرزندان که در خانه پدر هستند از لحاظ وطن تابع پدر هستند
  - ✓ کسی که برای تحصیل یا اشتغال قصد زندگی به مدت طولانی (نه دائمی) در جایی را دارد اصطلاحاً آنجا مقر اوست و در حکم وطن او است و احکام گذشت زمان عرفی که در وطن اتخاذی بود، در این مورد نیز جاری است



۲- رسیدن به جایی که قصد اقامت حداقل ۱۰ روز کرده:

✓ اگر شخص مسافر به مکانی که قصد اقامت حداقل ۱۰ روز کرده است رسید ولی از قصد خود برگشت و خواست قبل از ۱۰ روز برگردد دو حالت متصور است:

الف- تا لحظه ای که قصدش عوض شده حداقل ۱ نماز ۴ رکعتی خوانده

است: در این صورت تا وقتی در آن مکان است نمازش کامل است

ب- تا لحظه ای که قصدش عوض شده هیچ نماز ۴ رکعتی نخوانده:

نمازش شکسته است

✓ کسی که به منطقه ای که قصد اقامت حداقل ۱۰ روزه دارد رسید و

خواست به محدوده اطراف این منطقه نیز رفت و آمد کند، دو حالت

متصور است:

الف- فاصله محدوده اطراف درحد مسافت شرعی است: اصلا قصد

اقامت ۱۰ روز او محقق نشده است و نمازش شکسته است

ب- فاصله محدوده اطراف درحد مسافت شرعی نیست:

ب-۱- از ابتدای قصد اقامت ۱۰ روز نیت رفت و آمد نداشت و بعدا

تصمیم گرفت: نمازش تمام است

ب-۲- از ابتدای قصد اقامت ۱۰ روز نیت رفت و آمد داشت: در این

صورت نباید رفت و آمد او طولانی باشد (در حد یکی دو ساعت باشد) که

به قصد اقامت ۱۰ روزه او ضرر بزند و اگر رفت و آمدش طولانی شد ولی

درحد یک روز یا یک شب نشد در این صورت بصورت جمع بخواند ولی

اگر درحد یک روز یا یک شب یا بیشتر شد در این فرض نمازش شکسته

است

## درس چهارم

✓ مراد از حداقل ۱۰ روز قصد اقامت، از طلوع آفتاب تا مغرب شرعی است، مثلاً کسی که روز شنبه هنگام طلوع آفتاب وارد منطقه ای شده که حداقل ۱۰ روز قصد اقامت دارد، در غروب دوشنبه هفته بعد ۱۰ روز او کامل می شود و اگر کمتر از این مدت بود اقامت او، ۱۰ روز حساب نخواهد شد و اگر ظهر شنبه وارد منطقه ای شد، تا ظهر سه شنبه هفته بعد ۱۰ روز او کامل می شود

۳- کسی که قصد ۱۰ روز نکرده اما با حالت تردید اقامت او تا ۳۰ روز طول می کشد:

یعنی به هیچ وجه از ابتدای ورود به یک مکان، قصد اقامت ۱۰ روز نداشته و بعداً نظر او عوض شده و تا ۳۰ روز با تردید طول کشیده اقامت او و هر بار که قصد ماندن بیشتر کرده نیز کمتر از ۱۰ روز نیت ماندن داشته و مجموعاً ۳۰ روز اقامت او طول کشیده، این شخص از روز سی ام ببعد هر مدتی در آن مکان اقامت داشته باشد نمازش کامل و سفرش قطع است

✓ نمازی که در حالت سفر قضا شده است، باید به هنگام خواندن قضای آن نیز هر چند دیگر در مسافرت نباشد به صورت شکسته قضا شود (قضای هر نماز همانند وظیفه هنگام اداء خوانده می شود)

✓ کسی که در اول وقت نماز مسافر و نمازش شکسته است و قبل از قضا شدن نماز به وطن می رسد مخیر است یا نمازش را به صورت شکسته در سفر یا به صورت کامل هنگام رسیدن به وطن بخواند و اگر به قصد کامل خواندن نماز را تاخیر انداخت تا به وطن برسد و بعد فراموش کرد و نماز قضا شد باید قضای آن را به صورت کامل بخواند یعنی آخرین لحظات وقت نماز ملاک است که وظیفه اش کامل بوده یا شکسته و اگر برعکس این مورد بود، یعنی اول وقت نماز در وطن است و می خواهد به مسافرت برود و نمازش را در سفر شکسته بخواند ولی فراموش کرد نماز را بخواند باید به صورت شکسته قضا کند

✓ در اماکن زیر مسافر مخیر است نمازش را کامل بخواند:

۱- مکه

۲- مدینه

۳- کوفه

۴- خصوص حائر حسینی حرم سیدالشهداء علیه السلام

✓ در مورد شهرهای ذکر شده ملاک محدوده مکانی زمان پیامبر (ص)

است نه محدوده فعلی آنها

✓ در مورد محدوده مکانی حائر حسینی بین فقهاء اختلاف نظر است،

بعضی حوالی ضریح و بعضی تا محدوده صحن حرم و بعضی کل شهر

کربلا را محدوده حائر حسینی می دانند

✓ کسی که نماز قضا دارد می تواند نماز مستحبی یا برای میت دیگر نماز بخواند

(بخلاف روزه)

✓ شخص میتی که نماز قضا دارد و وصیت کرده است باید طبق وصیت او عمل

شود و از ثلث اموال او جهت انجام نمازهای قضای او می توان خرج کرد اما اگر

وصیتی نکرده و وراثت می دانند که نماز قضا بر گردن او است در صورتی که مرد

است و اولاد پسر دارد وظیفه پسر بزرگ است تا نمازهای پدر را قضا کند ولی

اگر میت مرد نباشد یا اولاد پسر ندارد قضای نمازهای او بر عهده کسی نیست

# درس چهل و یکم

## نماز آیات

### موارد وجوب نماز آیات

- ۱- خسوف (ماه گرفتگی)
  - ۲- کسوف (خورشید گرفتگی)
  - ۳- زلزله
  - ۴- آیات آسمانی که موجب ترس اکثریت شود (مثل رعد و برق، طوفان)
- ✓ در مورد خسوف، کسوف و زلزله ترس و وحشت ملاک نیست، بلکه صرف اتفاق افتادن این حوادث، باعث وجوب نماز آیات می شود به خلاف مورد آخر که اگر به حدی باشد که موجب ترس و وحشت اکثریت شود وجوب نماز آیات را به همراه دارد

### وقت نماز آیات

- دربری موارد نماز آیات وقت و محدوده خاصی برای ادا دارد و دربرخی موارد وقت خاصی ندارد
- مواردی که وقت خاص دارد: شامل خسوف و کسوف می شود که وقت ادای نماز آیات در این دو مورد از شروع به تیره شدن ماه یا خورشید و تا تمام شدن خورشید یا ماه گرفتگی است (البته بعضی از فقها احتیاط دارند که نماز آیات در نیمه اول این موارد یعنی از شروع گرفتگی تا رسیدن به اوج گرفتی خوانده شود) و اگر به هر حال در وقت معین نماز آیات ادا نشد بعدا باید قضای آن به جا آورده شود
- مواردی که وقت خاص ندارند: در دو مورد دیگر وقت خاصی تعیین نشده و از آغاز این نشانه ها باید در اسرع وقت نماز آیات خوانده شود و اگر به تاخیر افتاد بعدا حتما باید بخواند ولی نیت قضا یا ادا نکند
- ✓ خسوف و کسوف گاهی تام (تمام قرص خورشید یا ماه تیره می شود) و گاهی ناقص (قسمتی از آنها تیره می شود) است

اگر خسوف یا کسوف ناقص بود و مکلف زمانی متوجه شد که زمان ادای نماز آیات گذشته است دیگر قضای آن واجب نیست ولی اگر تام بود قضای آن واجب است

✓ آیاتی که در یک شهر و منطقه اتفاق می افتد، نماز آیات آن فقط بر همان شهر و ملحقات آن واجب می شود و مردم مناطق و شهرهای دیگر واجب نیست نماز آیات بخوانند

✓ اگر بیش از یک مورد از حوادثی که باعث وجوب نماز آیات است اتفاق بیفتد مثلاً همزمان هم کسوف و هه زلزله اتفاق بیفتد به تعداد آیات اتفاق افتاده نماز آیات هم واجب می شود

✓ اگر در مواردی که خواندن نماز آیات وقت خاصی نداشت و قید فوریت داشت، شخص نماز آیات را بجا نیاورد، بعداً قید فوریت برداشته می شود

✓ اگر نماز آیات واجب شد و از طرفی نماز یومیه هم در تنگنای وقت است و درحال قضا شدن است، چنانچه نماز آیات وقتش وسیع است یا هر دو نماز در تنگنای وقت است و با خواندن یکی، دیگری قضا می شود، در هر دو مورد باید نماز یومیه مقدم شود و بعداً نماز آیات را بخواند (درمورد اول که وقتش وسیع بود ادا و در مورد دوم که قضا شده است، قضایش را بخواند)

## کیفیت نماز آیات

نماز آیات ۲ رکعت و در هر رکعت ۵ رکوع دارد که همه آنها رکن است کیفیت قرائت در نماز آیات به ۲ روش است:

- ۱- پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و بعد از هر مرتبه یک رکوع انجام دهد (مجموعاً ۵ رکوع) یعنی بعد از خواندن یک حمد و سوره به رکوع برود سپس مجدداً درحالت ایستاده یک حمد و سوره دیگر بخواند و به رکوع برود و تا ۵ مرتبه این قرائت و رکوع را ادامه دهد و بعد از رکوع پنجم به سجده برود و بعد از دو سجده، رکعت دوم را مانند رکعت اول بخواند و بعد از دو سجده رکعت دوم تشهد و سلام بخواند و نماز را تمام کند
- ۲- حمد را بخواند و سوره را ۵ قسمت کند و بعد از هر قسمت ۱ رکوع رفته و سپس به حالت ایستاده برگردد و قسمت بعدی را قرائت کند و مجدداً به رکوع برود تا

هر ۵ قسمت را خوانده و ۵ رکوع را انجام دهد و به سجده برود و پس از دو سجده، رکعت دوم را همانند رکعت اول بخواند و سپس تشهد و سلام داده و نماز را تمام کند

✓ نماز آیات را می توان به جماعت خواند که در این صورت مثل نمازهای یومیه، قرائت فقط به عهده امام است  
✓ قنوت در نماز آیات مستحب است

# درس چهل و دوم

## نماز جماعت

- ✓ نماز جماعت مخصوص نمازهای واجب است (به استثنای موارد اندکی از نمازهای واجب) مثل نمازهای یومیه، نماز آیات، نماز میت و...
- ✓ حکم اولیه جماعت در نمازهای مستحبی حرمت است مگر در ۳ مورد که ۲ مورد آن در اصل نماز واجب بوده (در زمان حضور معصوم) و در زمان ما (زمان غیبت) مستحب شده است مثل نماز عید قربان و نماز عید فطر و در مورد نماز استسقاء (طلب باران) که مستحب است نیز جماعت صحیح است
- ✓ در نماز جماعت مطابقت نماز امام و ماموم واجب نیست و هرکدام را می شود بر دیگری خواند (مثلا امام نماز عصر می خواند ولی ماموم نیت نماز ظهر کرده است یا بالعکس) برخلاف نماز آیات
- ✓ برخی نمازهای واجب را نمی توان به جماعت خواند که عبارتند از:
  - ۱- نماز احتیاط
  - ۲- نماز قضای غیر یقینی
  - ۳- نماز جمع احتیاطی (شخصی که شک دارد مسافر شرعی است یا خیر) مگر اینکه جهت شک در مسافر بودن یا نبودن بین امام و ماموم یکی باشد که در این صورت جماعت صحیح است
  - ۴- کسی که نماز میت می خواند نمی تواند به امامی که نماز یومیه می خواند اقتدا کند و بالعکس
- ✓ برای انعقاد نماز جماعت فقط نیت ماموم دخیل است (ماموم نیت جماعت کند) ولی نیت امام لازم نیست و حتی اگر شخصی نیت فرادی کرده و عده ای بدون اطلاع او به او اقتدا کرده اند هم جماعت صحیح است

## عدول از جماعت به فرادی

- ۱- نظر مشهور: در هر حالی صحیح است با رعایت نکاتی (اگر امام هنوز به رکوع نرفته و ماموم قصد فرادی کرد، باید حمد و سوره آن رکعت را بخواند)
- ۲- نظر برخی دیگر: در صورتی که ماموم از ابتدا و قبل از نیت، قصد عدول در حین جماعت را داشته، در این مورد جماعتش مورد اشکال است ولی اگر از ابتدا قصد عدول نداشته اشکالی ندارد

## شرایط تحقق نماز جماعت

- ۱- عدم وجود حائل بین امام و ماموم (یا بین دو ماموم)  
اگر ماموم بدون واسطه به امام متصل است نباید بین او و امام مانعی باشد که باعث شود امام دیده نشود ولی اگر ماموم به واسطه ماموم دیگر وصل به امام است بین این دو ماموم نباید حائل باشد
- ✓ اگر مامومین زن باشند و امام جماعت مرد باشد، وجود حائل مانعی ندارد ولی اگر امام هم زن باشد نباید حائلی باشد
- ۲- محل وقوف امام بلندتر از محل وقوف مامومین نباشد  
(ادامه شروط در درس بعد)



## درس چهل و سوم

- ۳- عدم فاصله بیش از یک قدم  
✓ مامومی که بی واسطه به امام متصل است نباید محل سجده او تا محل قیام امام، بیش از یک قدم فاصله داشته باشد، همچنین بین صفوف جماعت چه از جلو و عقب یا از راست و چپ نباید بیش از یک قدم فاصله باشد  
✓ اگر امام مرد است، مامومین نباید مساوی یا جلوتر از امام بایستند اما اگر امام زن است (مامومین هم زن هستند)، در این صورت امام باید مساوی با سایر زنان بایستد  
✓ اگر امام جماعت مرد است و فقط ۱ نفر ماموم وجود دارد، ماموم باید طرف راست امام بایستد به نحوی که محل سجده او از امام جلوتر نباشد

### شرایط امام جماعت

- ۱- بالغ باشد
- ۲- عاقل باشد
- ۳- شیعه اثناعشری باشد
- ۴- حلال زاده باشد
- ۵- اگر ماموم مرد است، امام مرد باشد
- ۶- عادل باشد
- ۷- قرائتش صحیح باشد
- ۸- اعرابی (عرب بادیه نشین) نباشد
- ۹- سابقه حد خوردن نداشته باشد

### فروع احکام نماز جماعت

- ✓ اقتدای ماموم به امام در شرایط خاص (ایستاده، نشسته، خوابیده):

همانطور که قبلاً گذشت، شخصی که قادر به ایستادن نیست باید نشسته نماز بخواند و اگر قادر به نشستن هم نیست باید خوابیده بخواند، با این شرایط در نماز جماعت، امام یکی از سه حالت را دارد:

الف- وظیفه امام ایستاده نماز خواندن است:

در این صورت هر مامومی می تواند به او اقتدا کند (چه ماموم ایستاده، چه ماموم نشسته و چه ماموم خوابیده ای که عاجز هستند از حالت عادی نماز خواندن)

ب- وظیفه امام نشسته نماز خواندن است:

در این فرض فقط مامومینی که وظیفه شان نشسته نماز خواندن است می توانند به این امام اقتدا کنند

ج- وظیفه امام خوابیده نماز خواندن است:

در این صورت هیچ شخصی نمی تواند به او اقتدا کند

✓ در نماز جماعت فقط قرائت از عهده مامومین برداشته می شود و امام به نیابت از همه می خواند اما سایر افعال و اذکار نماز این گونه نیست و هم امام و هم ماموم باید بخوانند (البته در فرضی که ماموم یک رکعت از امام عقبتر است یعنی امام مشغول تسبیحات اربعه است ولی ماموم باید حمد و سوره را بخواند در این فرض قرائت به عهده خود ماموم است)

✓ اگر شخص به اشتباه زودتر از امام سر از رکوع برداشت:

اگر می داند به رکوع امام می رسد: باید مجدداً به رکوع برگردد

اگر می داند به رکوع امام نمی رسد: نباید به رکوع برگردد

در فرض اول زیاد شدن رکن مبطل نماز نیست ولی اگر به گمان اینکه به رکوع امام می رسد، مجدداً به رکوع رفت و امام سر از رکوع برداشت (ماموم به رکوع امام

نرسید) در این فرض، نماز باطل است

احکامی که در این مورد گفته شد در سجده هم صدق می کند با این فرق که زیاد شدن دو سجده مبطل نماز است

# درس چهل و چهارم

## روزه

روزه نیز مانند سایر عبادات نیاز به نیت و قصد قربت الی الله دارد و زمان نیت در روزه با توجه به نوع روزه متفاوت است که به بیان آن می پردازیم

## انواع روزه و زمان نیت آنها

۱- روزه واجب

الف- واجب معین: روزه ای که زمان انجام آن دقیقا معین است مثل روزه ماه رمضان

وقت نیت کردن در این روزه تا قبل از طلوع فجر صادق است در خصوص ماه رمضان، مکلف باید وقتی نیت روزه ماه رمضان کند که ورود در این ماه برای او ثابت شده باشد و می تواند هر روز را جداگانه یا از همان ابتدا کل ماه را نیت کند

ب- واجب غیر معین: روزه ای که زمان انجام آن دقیقا معین نشده، مثل روزه قضای ماه رمضان

زمان نیت کردن آن تا اذان ظهر ادامه دارد به شرطی که مفطری انجام نداده باشد

۲- روزه مستحبی: تا قبل از غروب می تواند نیت کند البته به شرطی که مفطری انجام نداده باشد

✓ در هر قسم از روزه ها با توجه به زمان نیت آنها، خود نیت هم باید از زمان شروع تا پایان روزه استمرار داشته باشد (منصرف نشود از روزه گرفتن) تا روزه او صحیح باشد

## عدول نیت در روزه

عدول نیت در روزه یعنی شخصی نیت کرده روزه خاصی بگیرد (مثلا روزه قضا) اما بعد از شروع روزه گرفتن تصمیم می گیرد نیت را عوض کند و روزه دیگری را نیت کند (مثلا نذر) که با توجه به انواع روزه، سه حالت وجود دارد:

- ۱- هر دو روزه واجب غیر معین است:  
تا قبل از اذان ظهر می تواند عدول کند
- ۲- هر دو روزه مستحبی است:  
هر وقت خواست می تواند عدول کند
- ۳- هر دو روزه واجب معین است:  
که در این فرض عدول معنا ندارد

## یوم الشک

روزه یوم الشک (که هنوز رویت هلال و ورود به ماه رمضان ثابت نشده است) واجب نیست و شخص می تواند روزه نگیرد ولی اگر خواست این روز را روزه بگیرد باید طبق وظیفه زیر عمل کند:

- الف- اگر روزه قضا دارد: باید نیت روزه قضا کند
  - ب- اگر روزه قضا ندارد: باید روزه مستحبی بگیرد
- در هر دو صورت اگر بعدا معلوم شد یوم الشک اول ماه رمضان بوده، روزه ای که گرفته است (چه قضا چه مستحب) روزه ماه رمضان محسوب خواهد شد و اگر نیت قضا کرده بود باید بعدا روزه قضا را در فرصتی دیگر بگیرد

✓ روزه گرفتن به معنای انجام کار خاصی نیست، بلکه تنها با ترک و اجتناب از برخی افعال (مفطرات)، روزه گرفتن محقق می شود  
لذا چنانچه شخصی نیت روزه کرد و در طول روز تا غروب خواب بود (کاری انجام نداد) روزه او صحیح است زیرا اجتناب از مفطرات حاصل شده است ولی اگر در طول زمان روزه داری بیهوش شد یا دچار مستی شد، مخل نیت اوست و باید بعدا قضای آن را بجا آورد

## درس چهل و پنجم

- ✓ کسی که عمدا با انجام مفطرات، روزه اش را باطل می کند نمی تواند بعد از باطل شدن روزه مجددا مفطرات را انجام دهد بلکه باید تا مغرب شرعی اجتناب کند و بعد از ماه رمضان، روزه خود راقضا کرده و کفاره بدهد
- ✓ تکرار بعضی مفطرات مثل جنابت عمدی، باعث تکرار کفاره می شود
- ✓ کسی که سهوا مرتکب مفطرات شده، روزه اش صحیح است و قضا و کفاره برعهده اش نیست
- ✓ کسی که قصد انجام مفطرات به صورت عمدی کرد ولی پشیمان شد و انجام نداد، روزه اش باطل است (به علت اخلال در نیت) ولی باید تا مغرب شرعی امساک کرده و بعدا روزه خود را قضا کند ولی کفاره ای بر او واجب نیست

### مفطرات روزه

- ✓ تمام مفطرات در صورتی مبطل روزه اند که به صورت عمدی انجام شوند و پس از باطل شدن روزه، امساک تا مغرب شرعی لازم است
- ۱- خوردن و آشامیدن:
  - خوردن یا آشامیدنی که از فضای دهان باشد و از حلق پایین برود چه کم باشد چه زیاد، چه دراصل خوراکی باشد (مثل غذا) یا اساسا خوراکی نباشد (مثل اشیاء)
  - ✓ آمپول و سرمی که بیمار استفاده می کند طبق نظر غالب فقهاء، مبطل روزه نیست اما در مورد سرم طبق نظر برخی از فقهاء احتیاطا نباید استفاده شود و اگر استفاده شد بعدا روزه قضا شود
  - ✓ قطره هایی که در چشم یا گوش ریخته می شود مبطل روزه نیست اما قطره هایی که از راه بینی استفاده می شوند مبطل بوده و باید بعدا قضای روزه بجا آورده شود
  - ✓ اخلاط سینه اگر وارد فضای دهان شده و سپس عمدا از حلق پایین بروند مبطل روزه هستند و قضا و کفاره دارند اما اگر وارد فضای دهان نشوند و پایین بروند، مبطل نیستند

۲- جماع (نزدیکی زناشویی):

چه منی خارج شود یا نشود مبطل است و تکرار آن باعث تکرار کفاره می شود  
✓ جماع عمدی اگر شرعی باشد کفاره دارد ولی نه کفاره جمع و اگر غیر شرعی  
باشد بنابر فتوای برخی از فقهاء کفاره جمع دارد و همچنین استمناء نیز  
کفاره جمع دارد  
✓ کسی که قصد نزدیکی و خروج منی داشت ولی جماع شرعی محقق نشد و  
منی خارج نشد روزه اش باطل است و باید بعداً قضا کند ولی کفاره واجب  
نیست

۳- دروغ بستن به خدا، رسول خدا، انبیاء الهی، ائمه معصومین و حضرت زهرا علیهم  
السلام:

اگر از روی عمد و با علم به اینکه در حال دروغ بستن است، این کار را انجام دهد  
روزه او باطل است ولی اگر علم به کذب بودن ندارد و فکر می کند حرف او راست  
است (ولی در واقع دروغ است) چون تعمد به کذب نداشته روزه اش صحیح  
است

۴- فرو بردن تمام سر (دفعتا) در آب:

✓ اگر فرو بردن به یکباره (دفعتا) نباشد، یعنی قسمتی از سر را فرو ببرد و  
قسمت دیگر را بعداً فرو ببرد در این صورت روزه او صحیح است  
✓ در ماه رمضان و در حال روزه نمی توان غسل ارتماسی انجام داد چون  
باعث می شود تمام سر یکباره به زیر آب برود و اگر کسی انجام داد روزه و  
غسل هر دو باطل خواهد بود  
✓ اگر سر را با چیزی بپوشاند و بعد در آب فرو ببرد باعث بطلان روزه نمی  
شود

۵- رساندن غبار (غلیظ و طبق نظر برخی حتی غیر غلیظ) به حلق

۶- شیاف به مایع:

یعنی رساندن مایعات از طریق مقعد به بدن  
✓ کسانی که دارو به صورت شیاف استفاده می کنند اگر این شیاف به  
صورت جامد باشد مبطل روزه نیست ولی اگر همین شیاف جامد در اثر  
حرارت بدن و در ابتدای ورود به بدن تبدیل به مایع شود نیز مبطل است

۷- قی کردن:

یعنی کاری کند که باعث استفراغش شود

۸- بقاء بر جنابت تا اذان صبح:

کسی که قبل از اذان صبح جنب شده (یا حیض یا نفاسش تمام شده و نیاز به  
غسل دارد) ولی تا اذان صبح غسل نکند در این صورت:  
الف- اگر روزه ماه رمضان است: روزه اش باطل است  
ب- اگر قضای ماه رمضان است: حتی اگر سهوا غسل نکرد باطل است  
ج- روزه های دیگر است (چه واجب چه مستحب): روزه اش صحیح است  
✓ اگر سهوا در ماه رمضان غسل را فراموش کرد و اذان صبح شد، روزه اش  
باطل است و باید قضا کند ولی کفاره ندارد  
✓ اگر در شب ماه رمضان جنب شد و می داند که اگر بخوابد برای غسل تا  
قبل از اذان صبح بیدار نمی شود، در این صورت نباید بخوابد و اول باید  
غسل کند و اگر خوابید و بدون غسل وارد صبح شد، روزه اش باطل و  
قضا و کفاره واجب است  
✓ اگر در شب ماه رمضان جنب شد ولی اطمینان دارد که اگر بخوابد تا قبل  
از اذان صبح بیدار می شود و غسل را انجام می دهد در این صورت اگر  
بیدار نشد این دو فرض قابل تصور است:  
الف- همان بار اول فقط خوابید (و اطمینان داشت که بیدار می شود) و  
بعد از اذان بیدار شد: در این صورت روزه اش صحیح است  
ب- بار اول که خوابید قبل از اذان صبح بیدار شد ولی غسل نکرد و  
مجددا خوابید: در این صورت روزه اش باطل است

# درس چهل و نهم

## شرایط صحت روزه

۱- ایمان

۲- عقل

✓ کسی که بعد از اذان صبح مسلمان شد یا عقلش برگشت یا اینکه بعد از اذان صبح از اسلام خارج شد یا دچار زوال عقل شد، روزه اش باطل است و باید اجتناب کند و بعداً قضای آن را بجا آورد

۳- خالی بودن از حیض و نفاس:  
اگر زن با حالت حیض یا نفاس وارد روزه شد، روزه اش باطل است و باید بعداً قضا کند

✓ زن مستحاضه در صورتی که استحاضه او متوسطه یا کثیره است باید غسلهای لازم را انجام داده و روزه بگیرد و نمازش را نیز بخواند

✓ زنی که تا اذان صبح حیض یا نفاس او ادامه دارد ولی تا قبل از مغرب پاک شد، یا اینکه موقع اذان صبح پاک بود و در طول روزه دچار حیض یا نفاس شد روزه اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد

✓ کسی که با حالت جنابت وارد صبح شده:  
الف- از روی عمد غسل نکرده: روزه اش باطل و قضا و کفاره واجب است  
ب- از روی فراموشی غسلش ترک شده: فقط قضا بر عهده اوست  
ج- درحالت خواب بوده و غسلش ترک شده:

اگر با خواب اول غسلش ترک شده روزه اش صحیح است ولی اگر قبل از اذان بیدار شده و مجدداً بدون غسل کردن خوابیده است روز اش باطل و باید قضا کند و همچنین است در مورد حائض یا نفساء

۴- مسافر نبودن:



انجام سفر شرعی که در بحث نماز گذشت و باعث شکسته شدن نماز می شد، باعث بطلان روزه نیز می شود و بعدا باید قضای آن را انجام دهد ولی کفاره واجب نیست

✓ اگر روزه دار قبل از اذان ظهر سفر شرعی انجام دهد روزه اش باطل است ولی اگر بعد از زوال سفر کند و مفطری انجام ندهد، روزه او صحیح است ✓ مسافری که در حال برگشت است اگر قبل از زوال به وطن یا جایی که قصد اقامت کرده برسد می تواند آن روز را روزه بگیرد ولی اگر بعد از زوال می رسد، روزه اول صحیح نیست

## افطار عمدی روزه

۱- مواردی که نه قضا دارد و نه کفاره:

مریضی که روزه برای او ضرر عقلایی دارد، یا احتمال این ضرر را می دهد نباید روزه بگیرد و اگر تا ماه رمضان سال بعد بیماری او ادامه داشت و هیچ فرصت قضا کردنی پیدا نکرد، قضای روزه از او ساقط است و کفاره نیز ندارد ولی باید فدیة بدهد

۲- هم قضا دارد و هم کفاره:

اگر کسی بدون عذر شرعی و بطور عمد مفطری از مفطرات را انجام دهد روزه او باطل است و باید تا مغرب شرعی اجتناب کند و قضا و کفاره بر او واجب است

۳- فقط قضا واجب است:

اگر شخصی مفطری از مفطرات را انجام داده ولی علم نداشته که این کاری که انجام می دهد، باعث بطلان روزه است در این صورت فقط قضا واجب است ولی اگر علم به حرام بودن این کار داشته (مثل دروغ بستن به خدا و...) ولی علم به مفطریت نداشته کفاره نیز واجب است

## کفاره روزه

۱- در روزه ماه رمضان:

باید روزه را قضا کند و در مورد کفاره مخیر است بین اینکه یا عبدی را آزاد کند (که در زمان فعلی موضوعیت ندارد) یا شصت روز روزه بگیرد و یا شصت فقیر را اطعام کند

✓ اگر شخصی خواست ۶۰ روز را روزه بگیرد باید حداقل ۳۱ روز آن پشت سرهم باشد

✓ اگر شخصی خواست ۶۰ فقیر را اطعام کند باید این کار را در مورد ۶۰ نفر مختلف انجام دهد نه اینکه یک فقیر را ۶۰ مرتبه یا ۶ فقیر را ۱۰ مرتبه یا به صورت های دیگر انجام دهد

✓ اطعام فقیر به این صورت است که یا به هریک از آنها به مقدار یک مد طعام (معادل ۷۵۰ گرم غذا) بدهد یا اینکه آنها را به نحوی سیر کند که هرچه خواستند بخورند

۲- در روزه عهد:

باید قضا بگیرد و کفاره اش مثل کفاره ماه رمضان است

۳- در روزه نذر یا قسم یا قضای ماه رمضان:

باید قضا کرده و ۱۰ فقیر را اطعام کند یا بیوشاند و اگر از انجام این دو کار عاجز بود باید ۳ روز متوالی روزه بگیرد

# درس چهل و هفتم

## مواردی که فقط قضا واجب است

- ۱- شخص جنبی که قبل از اذان صبح می خوابد با این قصد که بیدار شود و تا قبل از اذان غسل کند اما بعد از اذان بیدار می شود (چه همان بار اول بخوابد یا قبل از اذان بیدار شده و مجدداً با قصد بیدار شدن و غسل کردن بخوابد)
- ۲- خلل در نیت: مثل کسی که قصد می کند روزه را عمداً افطار کند ولی منصرف می شود
- ۳- فراموش کردن غسل جنابت تا اذان صبح یا تا چند روز  
✓ اگر نسیان در مورد غسل حیض یا نفاس باشد، روزه صحیح است و قضا هم ندارد
- ۴- کسی که بدون تحقیق و تفحص در مورد اذان صبح مشغول خوردن بوده و بدون اینکه متوجه شود، در حال خوردن وارد صبح شده است، این شخص باید آنچه در دهان اوست را بیرون بریزد و فقط قضا برعهده اوست و اگر تحقیق و تفحص کرده ولی اشتباه متوجه شده و بدون متوجه شدن، در حال خوردن وارد صبح شده روزه اش صحیح است
- ۵- کسی که در حال روزه داری می خواهد آب مزمزه کند اگر اتفاقاً و بدون قصد عمدی آب از گوی او پایین رفت فقط قضا بر او واجب است ولی اگر مزمزه کردن به دلیل موجهی باشد مثل مزمزه برای وضو که مستحب است، در این مورد قضا هم ندارد و روزه اش صحیح است
- ۶- کسی که کاری کند که احتمال خروج منی می دهد ولی قصد خروج منی ندارد، و در موارد مشابه منی از او خارج نمی شده ولی اتفاقاً اینبار جنب شد، در این صورت فقط قضا برعهده او است ولی اگر اطمینان به کنترل خود داشت ولی برخلاف اطمینانش، منی خارج شد، روزه اش صحیح است

## موارد عدم وجوب روزه

- ۱- پیر زن و پیر مرد:

اگر روزه برای آنها غیر ممکن است یا مشقت فراوان دارد، روزه گرفتن از آنها ساقط می شود، و در موردی که مشقت دارد باید بعد از ماه رمضان فدیة بدهد (۱ مد طعام به ۶۰ فقیر)

۲- ذی العطاش (کسی که زیاد تشنه می شود):  
در این مورد هم وجوب روزه از شخص برداشته می شود و فدیة واجب است ۳- و ۴- زن حامله یا مرضعه:  
اگر روزه برای زن یا برای بچه یا برای هردو ضرر دارد، وجوب روزه برداشته می شود

✓ اگر روزه برای مادر یا برای مادر و فرزند ضرر دارد، فقط قضای آن واجب است

✓ اگر روزه فقط برای فرزند ضرر دارد، علاوه بر قضا، فدیة نیز واجب است

✓ اگر بچه شیرخواره به حدی بالغ شده که علاوه بر شیر می تواند از خوراکی های دیگری نیز تغذیه کند و وابسته به شیر نباشد، در این صورت روزه از مادر ساقط نمی شود

## کفاره تاخیر

در مواردی که شخصی قضای روزه بر او واجب است ولی تا ماه رمضان سال بعد قضا را بجا نیاورد، علاوه بر قضا کفاره تاخیر نیز واجب می شود

✓ کفاره تاخیر همانند فدیة است

✓ اگر زن حامله یا شیرده قضای روزه را تا ماه رمضان سال بعد بجا نیاورد، کفاره تاخیرش ۲ مد طعام است

✓ در کفاره تاخیر برخلاف کفاره معمولی، سیر کردن و اشباع شدن فقیر ملاک نیست و تنها همان ۱ مد طعام ملاک است

✓ در کفاره تاخیر برخلاف کفاره معمولی، می شود تمام کفاره را به ۱ نفر داد

# درس چهل و هشتم

## راه های ثابت شدن اول ماه

- ۱- خود شخص با چشم خود رویت هلال کند
- ۲- شیوع اطمینان آور بین مردم درمورد رویت شدن هلال
- ۳- شهادت دونفر عادل مبني بر رویت هلال با چشم خود
- ۴- سی روز از ماه قبل گذشته باشد

در اینکه آیا رویت هلال در یک منطقه یا شهر، برای مناطق، شهرها یا کشورهای دیگر نیز کفایت می کند، بنابر اختلاف مبانی بین فقهاء، نظرات آنها نیز مختلف است:

- ۱- بعضی قائل به اتحاد افق هستند:
- یعنی رویت هلال در یک منطقه برای مناطق همجوار آنها کفایت می کند
- ۲- بعضی اتحاد در شب را کافی می دانند:
- برخی اتحاد در اکثر شب و برخی دیگر حتی اتحاد در جزئی از شب را نیز کافی می دانند
- ۳- برخی دیگر معتقدند در هر شهر یا منطقه باید مستقلاً رویت صورت گیرد

- ✓ روزهای معین شده توسط منجمین در تقویم های نجومی اگر برای شخص اطمینان آور باشند می توانند برای اثبات اول ماه کافی باشند ولی اگر اطمینان آور نباشند نمی توان به آنها اعتماد کرد
- ✓ در اینکه آیا رویت هلال با چشم مسلح کفایت می کند یا نه؟ نظر مشهور این است که خیر، رویت هلال باید با چشم عادی انجام شود و در مورد وسیله رویت هلال تفصیلی بین علما و فقهاء وجود دارد

## اعتکاف

اعتکاف از عباداتی است که همراه با روزه داری است و به این معنا است که شخص نیت اقامت در مسجدی را می کند (بعضی قید نیت عبادت داشتن را نیز شرط می دانند)

## شرایط اعتکاف

- ۱- ایامی باشد که روزه گرفتن در آنها صحیح است (مثلا در روز عید فطر، عید قربان و عاشورا نباشد)
- ۲- معتکف عاقل و مومن باشد و حداقل به سن تمییز رسیده باشد
- ۳- نیت و قصد قربت داشته باشد
- ۴- مانعی برای روزه گرفتن نباشد (مثلا مسافر شرعی نباشد یا زن حائض یا نفساء نباشد)
- ۵- در یکی از مکان های زیر باشد:  
مسجد الحرام، مسجد کوفه، مسجد النبی، مسجد جامع بصره، مسجد جامع هر شهر
- ۶- حداقل ۳ روز باشد (حداکثرش محدودیتی ندارد)
- ۷- روزه دار بودن در ایام اعتکاف

## مبطلات اعتکاف

- ۱- کارهایی که مبطل روزه اند  
✓ بعضی مبطلات مثل نزدیکی یا خروج عمدی منی حتی در شب مبطل اعتکاف هستند
- ۲- استنشام بوی خوش
- ۳- خرید و فروش و معامله  
✓ اگر معامله ای انجام شد اعتکاف باطل است ولی خود نفس معامله باطل نمی شود
- ۴- مجادله به قصد غلبه:

چه در امور دنیوی یا دینی باشد ولی اگر بحث علمی بدون قصد غلبه باشد، نه  
تنها مبطل نیست بلکه از افضل اعمال است

✓ زنی که قصد اعتکاف دارد و شوهرش اجازه نمی دهد، اعتکافش مورد  
اشکال است و همچنین فرزندی که اعتکاف او مورد رضایت والدین نیست  
و باعث ایذاء آنهاست

# درس چهل و نهم

## خمس

اصل مبحث خمس مستند به آیه ۴۱ سوره مبارکه انفال است:  
﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ  
الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ  
الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

طبق این آیه، خمس به طور کل شامل ۲ سهم است:

۱- سهم امام زمان شامل:

۱- خدا ۲- پیامبر اکرم (ص) ۳- ائمه معصومین (ع)

۲- سهم فقرای سادات شامل:

۴- یتیمان ۵- مساکین ۶- ابن السبیل

## متعلقات خمس

۱- غنائم جنگی (جنگ مسلمانان درمقابل کفار)

۲- معادن

۳- گنج

۴- مال حلال مخلوط به حرام با سه شرط:

الف- مقدار حلال و حرام قابل تشخیص نباشد

ب- صاحب بخش حرام مشخص نیست

ج- علم نداشته باشد که مقدار حرام کمتر از حد خمس است

۵- جواهرات حاصل از غواصی

۶- کافر ذمی که زمینی از مسلمان می خرد

۷- منفعت کسب و کار (تجارت، تولید و...)

✓ در تمامی این موارد حد نصاب و شرایطی وجود دارد تا خمس به آنها تعلق گیرد



✓ خمس باید همان ابتدا و با حاصل شدن منفعت (و حصول شرایط) پرداخت شود به جز منفعت کسب و کار که شخص می تواند به اندازه هزینه ۱ سال خود را کسر کند (هزینه ای که در شان و نیازش باشد) و خمس باقی مانده را پردازد

## نحوه پرداخت خمس

در سهم امام:

طبق نظر مشهور، سهم امام در زمان غیبت باید به فقیه جامع شرایط (و طبق نظر برخی، فقیه اعلم نیز باشد) پرداخت شود یا با اجازه او در جایی که فقیه تشخیص می دهد هزینه شود

در سهم سادات:

نظر برخی از فقهاء: خود شخص می تواند به سادات فقیر خمسش را پردازد  
نظر برخی دیگر از فقهاء: باید با نظارت و اجازه فقیه به سادات فقیر پردازد  
✓ سهم سادات فقط قابل پرداخت به سادات است ولی سهم امام می شود به غیر سادات نیز داده شود که البته بنابر احتیاط برخی از فقهاء، حتی سهم امام نیز فقط به سادات تعلق می گیرد  
✓ در بحث خمس و فروع آن مباحث دقیق و مورد اختلاف زیادی وجود دارد که طبیعتاً هرکس باید به مرجع تقلید خود در این مبحث مراجعه کند

# درس پنجاهم

## زکات

زکات (و خمس) قسمی از عبادات هستند و همان گونه که قبلاً گفته شد تمام عبادات باید با نیت و قصد قربت انجام شوند

## موارد ۹ گانه تعلق زکات

الف- غلات، شامل:

۱- گندم ۲- جو ۳- خرما ۴- کشمش

ب- انعام، شامل:

۵- گوسفند ۶- گاو ۷- شتر

ج- نقدین، شامل:

۸- طلا ۹- نقره

✓ وجوب زکات در موارد فوق، شامل شرایط خاص و حد نصاب خاصی است که در هر مورد متفاوت است

## حد نصاب و مقدار زکات

۱- در غلات:

حد نصاب: در هنگام برداشت حداقل به مقدار ۳۰۰ صاع باشد (تقریباً ۸۴۷ کیلوگرم)

مقدار زکات: اگر کشت آنها به صورت دیمی باشد، یک دهم آن را باید به عنوان زکات پردازد و اگر کشت آنها با آبیاری دستی باشد یک بیستم آن زکات است

۲- در نقدین:

طلا و نقره ای متعلق زکات است که مسکوک (به صورت سکه) و رایج بازار باشد  
حد نصاب و مقدار زکات:

در طلا: حداقل معادل ۱۵ مثقال معمولی باشد که زکات آن یک چهلم از ۱۵ مثقال است و بعد از اضافه شدن هر سه مثقال (به ۱۸ مثقال، ۲۱ مثقال و... برسد) یک چهلم آن را باید به عنوان زکات بدهد (یعنی تا قبل از ۱۵ مثقال زکات ندارد و همچنین بعد از ۱۵ مثقال و تا قبل از اضافه شدن ۳ مثقال، زکات جدیدی ندارد و هر زمان ۳ مثقال به نصاب قبلی اضافه شد مجدداً زکات تعلق می‌گیرد)

در نقره: حداقل ۱۰۵ مثقال معمولی باشد که زکات آن یک چهلم است و با اضافه شدن هر ۲۱ مثقال مجدداً یک چهلم آن باید زکات داده شود ✓ در نقدین، پرداخت زکات زمانی واجب می‌شود که این مقدار از حد نصاب ۱ سال در تملک او باشد

۳- در انعام

در گوسفند:

شروع نصاب از ۴۰ گوسفند است که نصاب اول است  
در گاو:

نصاب اول در گاو، عدد ۳۰ است

در شتر:

نصاب اول در شتر عدد ۵ است

✓ در انعام نیز مالک بودن در طی سال شرط وجوب زکات است  
✓ برای تفصیل بحث زکات و نصاب‌های دیگر و مقدار پرداخت زکات آنها با توجه به دقت و مفصل بودن مباحث، لازم است به کتب فقهیه و رساله مراجع عظام مراجعه شود

# درس پنجاه و یکم

## مصارف زکات

﴿ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرَّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۖ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴾ توبه/ ۶۰

طبق آیه مبارکه ۶۰ سوره توبه مصارف زکات متعلق به گروه های زیر است:

- ۱- فقراء:
  - فقیر کسی است که به اندازه هزینه های سالش درآمد یا محل درآمد یا مال ندارد (هزینه هایی که در شان او باشد)
  - ۲- مساکین:
  - مسکین کسی است که نه تنها هزینه سال بلکه هزینه روز یا شب خود را نیز ندارد
  - ۳- عاملین زکات:
  - کسانی که از ناحیه امام معصوم علیه السلام، مسئول جمع آوری زکات هستند
  - ۴- مولفة قلوبهم:
  - مثل تازه مسلمانان که برای استحکام ایمان و تالیف قلوب آنها زکات به ایشان تعلق می گیرد
  - ۵- رقاب:
  - عبد مسلمانی که در مشقت است نزد مولایش
  - ۶- غارمین:
  - بدهکارانی که قادر به اداء دین خود نیستند
  - ۷- سبیل الله:
  - مثل کارهای عام المنفعه
  - ۸- ابن السبیل:
  - افراد مسافری که در بین راه مانده اند و هزینه سفر ندارند
- ✓ زکات واجب غیر سادات برای سادات حرام است (درحالت غیر اضطرار)

✓ در صدقات غیر واجب هم باید شان سادات حفظ شود و اگر مال اندکی است که در شان ایشان نیست نباید به آنها داده شود

## زکات فطره

- ✓ شخصی که هنگام غروب آفتاب روز قبل از عید فطر بالغ عاقل و زنده باشد زکات فطره بر او واجب است
- ✓ مقدار زکات فطره ۱ صاع (تقریباً ۳ کیلو) از قوت غالب به ازای هر نفر است (طبق احتیاط برخی از فقهاء، قوت قالب محل زندگی باید در نظر گرفته شود)
- ✓ اگر شخصی که زکات فطره بر او واجب است در هنگام غروب آفتاب روز قبل از عید، نان خورهایی دارد که نفقه آنها بر او واجب است، زکات فطره آنها نیز بر این شخص واجب می شود مثل میهمانی که نان خور او حساب شوند که در شرایط نان خور بودن آنها اختلافاتی بین فقهاء وجود دارد
- حتی اگر نان خورهای شخص در خانه نباشند (ولی نان خور او حساب می شوند) نیز زکات آنها بر شخص واجب است
- ✓ مصارف زکات فطره همانند زکات عادی است و البته بعضی از فقهاء احتیاط دارند که فقراء و مساکین در زکات فطره در اولویت هستند و اگر فقیر یا مسکین در محل زندگی خود شخص وجود دارد انتقال آن به شهر دیگر جایز نیست

## زمان پرداخت زکات فطره

آغاز آن از رویت هلال شوال است و پایان آن دو حالت دارد:  
یا شخص نماز عید فطر می خواند: تا قبل از خواندن نماز زکات را به اهلش برساند  
یا نمی خواند: تا نماز ظهر روز عید برساند

# درس پنجاه و دوم

## معاملات

مراد از معاملات در فقه، معاملات بمعنی الاعم است (نه فقط خرید و فروش) که برخلاف عبادات، قصد قربت در آنها شرط نیست، مثل خرید و فروش، مضاربه، نکاح، وکالت و...

## اقسام معاملات

۱- داد و ستد:

شامل، خرید و فروش، اجاره، عاریه، امانت، صلح، شرکت و...  
شاخص ترین نوع داد و ستد همان خرید و فروش است که یک طرف فروشنده و طرف دیگر خریدار است که هرکدام در هنگام داد و ستد قصد مالکیت می کنند نسبت به چیزی که دریافت می کنند و همچنین قصد به تملک درآوردن مال خود را به طرف مقابل می کنند

## انواع خرید و فروش

۱- تقسیم اول:

- الف- بیع مساومه: فروشنده قیمت خرید خود را به مشتری اعلام نمی کند و فقط به قیمت مشخصی می فروشد
  - اما گاهی فروشنده قیمت خرید خود را به مشتری اعلام می کند که ۳ حالت دارد:
  - ب- بیع تولیة: فروشنده جنسش را به قیمت خرید و بدون سود می فروشد
  - ج- بیع مرابحه: بالاتر از قیمت خرید می فروشد
  - د- بیع مواضعه: زیر قیمت خرید می فروشد
- ✓ تمام چهار قسم بیع صحیح است

✓ در سه قسم آخر (که فروشنده قسمت خرید را اعلان می کند) اگر کذب فروشنده در مورد قیمت خرید کشف و ثابت شود، مشتری حق فسخ دارد بخلاف بیع مساومه

۲- تقسیم دوم:

- الف- معامله نقدی: جنس و پول هنگام معامله موجود است
  - ب- معامله نسبه: جنس موجود ولی پول با تاخیر داده می شود
  - ج- معامله سلف: پول حاضر است ولی جنس با تاخیر داده می شود
  - د- معامله دین به دین: هم پول و هم جنس در آینده داده می شوند
- ✓ سه نوع اول معامله صحیح و نوع چهارم باطل است

۳- تقسیم سوم (از جهت حرمت یا حلیت و صحت یا بطلان):

- الف- معامله حرام و باطل: مثل معاملات ربوی
- ب- معامله حرام و صحیح: مثل معامله در هنگام نماز جمعه (که شرایط وجوب نماز جمعه فراهم باشد) که حرام است ولی اگر انجام شد باطل نیست
- ج- معامله باطل و مباح: مثل فروش مال غصبی که باطل است ولی حرام نیست
- د- معامله مباح و صحیح: مثل معاملاتی که واجد شرایط شرعی است

# درس پنجاه و سوم

## شرایط بیع

الف- شرط تحقق عقد بیع: این است که صیغه بیع جاری شود (فروشنده بگوید فلان جنس را به فلان قیمت فروختم و خریدار بگوید جنس را خریدم)  
✓ در صیغه بیع باید مفهوم و عنوان خرید و فروش گفته شود به هر زبانی که باشد و لزومی ندارد حتما به زبان عربی باشد  
✓ در قریب به اتفاق معاملات روزمره، صیغه عقدی گفته نمی شود و معامله با فعل دادن و گرفتن انجام می شود که باصطلاح بیع معاطاتی است و صحیح است

ب- شرایط خریدار و فروشنده:

- ۱- هر دو شرعا بالغ باشند
- معامله با کودک، مستقلا باطل است
- ۲- هر دو عاقل باشند
- معامله با مجنون و سفیه باطل است
- ۳- هر دو مختار باشند
- معامله اجباری نباشد از هیچ طرف
- ۴- قصد معامله باشد
- به شوخی و بدون قصد واقعی نباشد
- ۵- بایع یا خودش مالک باشد، یا ولی یا وکیل یا ماذون از جانب مالک باشد چیزی که مالک نیست را نمی تواند بفروشد

ج- شرایط عوضین (جنس و بهای آن):

- ۱- آنچه فروخته می شود از اعیان خارجی باشد
- مثلا فعل شخص، یا منفعت شیئی، قابل فروش نیست، بلکه قابل اجاره است اما در مقابل، این موارد می توانند بهای یک جنس واقع شوند



- ۲- جنس و بهای آن، قابلیت ملکیت داشته باشد  
مثلا شیئی بی ارزشی که عرفا قابلیت ملکیت ندارد (مثل یک تکه سنگ کوچک بی ارزش) را نمی توان فروخت یا بهای چیزی قرار داد
- ۳- مقدار آنچه معامله می شود مشخص باشد  
از لحظ وزن، عدد یا...
- ۴- اوصافی که تاثیر در قیمت دارد مشخص و ذکر شده باشد
- ۵- معامله در مورد اشیائی باشد که قابل تحویل دادن باشد  
مثلا نمی شود پرنده ای که از دست مالک رفته است و قدرت گرفتن او را ندارد به دیگری بفروشد
- ۶- آنچه معامله می شود ملک طلق (آزاد) باشد  
وقف نباشد که قابل تصرف نیست

✓ معامله ای که انجام شد و تمام شرایط صحت را داشت، از عقود لازمه است و یکطرفه قابل فسخ نیست، مگر اینکه ۲ طرف راضی به فسخ باشند یا شرایط خاصی باشد که جواز فسخ یکطرفه را می دهد که از آن به اختیارات فسخ تعبیر می شود

# درس پنجاه و چهارم

## خيارات فسخ

- ۱- خيار مجلس: مادامی که طرفین معامله، از محل و مجلس بیع خارج نشده اند اختیار فسخ دارند
- ۲- خيار حیوان: اگر یک طرف جنس معامله شده، حیوان باشد، شخصی که حیوان را گرفته است تا ۳ روز فرصت دارد بیع را فسخ کند
- ۳- خيار شرط: اگر در هنگام معامله حق فسخ لحاظ و شرط شود، طبق این شرط، بعد از معامله می توان فسخ کرد
- ۴- خيار غبن: اگر یک طرف معامله بفهمد گول خورده است، مثلا جنس را بسیار گرانتر از قیمت اصلی خریده یا اگر فروشنده است، بسیار ارزانتر فروخته است، مشروط به اینکه حین معامله علم به این تفاوت قیمت نداشته، می تواند معامله را فسخ کند
- ۵- خيار تاخیر: اگر قرار شد خریدار پول را بیاورد ولی تا ۳ روز به تاخیر انداخت و پول را تحویل فروشنده نداد، در اینجا فروشنده حق فسخ دارد
- ۶- خيار رویت: اگر خریدار جنس را دید و آنرا متفاوت از توصیفات قبلی فروشنده دید یا با جنسی که قبلا دیده بود فرق زیادی داشت، حق فسخ دارد
- ۷- خيار تخلف شرط: اگر ضمن معامله شرطی لحاظ شود ولی طرفی که باید رعایت کند، رعایت نکرد، طرف مقابل حق فسخ دارد
- ۸- خيار عیب: اگر عیب جنس بعد از معامله مشخص شود (عیبی که در حین معامله هم بوده ولی بیان و مشخص نشده)، حق فسخ وجود دارد ...  
... خيارات دیگری نیز وجود دارد که در این مختصر به همین اندازه اکتفا می شود ✓  
اگر شرایط یکی از خيارها وجود داشت، طرفی که حق فسخ دارد می تواند:  
۱- از حق فسخ خود استفاده نکند و معامله را امضا کند  
۲- معامله را فسخ کند

اما در خیار عیب می تواند مابه التفاوت جنس سالم و معیوب را دریافت و معامله را امضا کند (در سایر موارد نمی تواند مابه التفاوت را بگیرد) یا کالا معامله را فسخ کند  
ولی در بعضی موارد فقط حق گرفتن ما به التفاوت را دارد و حق فسخ ندارد:

- ۱- اگر عین تلف شده باشد
- ۲- اگر جنس را به تملک دیگری در آورده باشد
- ۳- جنس را به دیگری اجاره داده باشد
- ۴- جنس از حالت اصلی خودش تبدیل شده باشد (پارچه ای که تبدیل به پیراهن شده)
- ۵- عیب جدیدی در زمان مالکیت شخص، بر جنس عارض شده

# درس پنجاه و پنجم

## معاملات باطل

۱- معامله اعیان نجسه:

مثل مسکرات، خوک، مردار و سگ غیر شکاری باطل و حرام است  
✓ در موارد دیگر اعیان نجسه مثل ادرار، غائط و خون اگر معامله آنها  
منفعت محله ای داشته باشد اشکال ندارد، در غیر این صورت باطل و  
حرام است و حکم معامله اعیان متنجس (در اصل نجس نیستند اما در اثر  
ملاقات با نجاست نجس شده اند) نیز به همین تفصیل است

۲- معامله مال غصبی:

نفس معامله آنها بدون تصرف عملی، حرمت ندارد ولی باطل است مگر اینکه  
مالک اصلی تایید کند  
✓ اگر شخصی با عین پول غصبی چیزی را بخرد معامله باطل است اما اگر  
عین پول مد نظر نباشد و فقط بهای شیء را پرداخت کند، معامله صحیح  
است ولی ذمه آن پول غصبی بر عهده ی او است و عمل حرام انجام داده

۳- معامله آنچه صلاحیت ملکیت ندارد:

باطل است ولی حرام نیست

۴- معامله آنچه منفعتش حرام است:

مثل آلات قمار یا آلات موسیقی که معامله آنها حرام و باطل است

۵- معاملات ربوی:

حرام و باطل است

۶- معاملاتی که غش در آنها است:

حرام و در برخی موارد باطل است

# درس پنجاه و ششم

## اقسام رباء

۱- ربای در معامله:

در صورتی یک معامله ربوی است که عوضین (جنس و بهای آن) از یک جنس باشند ولی مقدار یک طرف بیشتر از مقدار طرف مقابل باشد، به طور مثال، معامله ۲۰ کیلو گندم در مقابل ۲۵ کیلو گندم، که چنین معامله ای حرام و باطل است

- ✓ اگر شخصی با علم به ربوی و حرام بودن معامله آن را عمدا انجام دهد معامله اش باطل و حرام است اما اگر جاهل باشد (جاهل مقصر، نه قاصر) مرتکب حرام نشده ولی معامله باطل است
- ✓ زیادتی در ربا ممکن است از جنس خود شیئی باشد و یا شیئی دیگر و یا حتی عین خارجی نباشد مثل نقد بودن یک طرف و نسیه بودن طرف دیگر و یا عمل یا فعلی ضمیمه شود
- ✓ معاملات ربوی فقط در مواردی است که اشیاء مورد معامله از نوع کیلی (پیمانانه ای) یا وزنی باشد اما اگر از نوع عددی باشد (مثلا معامله ۲۰ عدد گردو در مقابل ۲۵ عدد گردو) ربوی نیست
- ✓ اگر یک جنس در یک منطقه بر اساس کیل یا وزن معامله می شود و در منطقه دیگر بر اساس عدد، طبق رسم همان منطقه حکم می شود
- ✓ تصرفاتی که پس از تبادل در معامله ربوی بر جنس می شود، جایز نیست مگر اینکه یقین داشته باشد طرف مقابل راضی به تصرف است که در این صورت تصرف اشکال ندارد ولی اصل معامله باطل است و ملکیت محقق نمی شود

۲- رباء در قرض:

در صورتی است که قرض دهنده شرط کند که موقع پس دادن قرض، زیادتی مالی به او پرداخت شود که حرام و باطل است

✓ یک فرق بین قرض و معامله ربوی این است که در معامله ربوی، نفس معامله باطل است ولی در قرض، گرچه فعل حرام مرتکب شده ولی قرض صحیح است و قرض گیرنده مالک پول می شود و قرض دهنده اگر جاهل بوده، مالک زیادت می شود و اگر عامد بوده، مالک زیادتی نمی شود (مالک اصل پول است)

## استثنائات ربا

۱- ربا بین پدر و فرزند

۲- ربا بین زوج و زوجه

۳- ربا بین مسلمان و کافر حربی

✓ در دو مورد اول فرقی نمی کند ربا دهنده کدام طرف باشد، اما در مورد آخر، اگر سود اضافی نصیب مسلمان شود جایز است وگرنه حرام و باطل است

✓ ربا بین مسلمان و کافر ذمی صحیح نیست مگر خود کافر صحیح بداند و خودش را ملزم به پرداخت زیادتی کند

# درس پنجاه و هفتم

## غش در معامله

زمانی غش در معامله معنا دارد و باعث حرمت و بطلان است که خریدار، هنگام معامله، علم و آگاهی نداشته باشد

## اقسام غش در معامله

- ۱- مخلوط بودن جنس خوب و بد:  
مثلا فروشنده جنسی را به عنوان درجه ۱ ارائه کند ولی آن را با جنس درجه پایین تر مخلوط کند  
در این صورت، معامله صحیح است ولی فروشنده مرتکب حرام شده و خریدار هروقت متوجه شد، حق فسخ دارد
- ۲- مخلوط بودن با جنس دیگر:  
فروشنده جنسی را ارائه می کند که با جنس دیگری که کلا متفاوت است مخلوط شده است (مثلا به عنوان شیر ارائه می کند ولی با آب مخلوط شده)  
در این صورت دو فرض متصور است:  
الف- جنسی که مخلوط شده عینش موجود است الآن:  
الف ۱- مقدار مخلوط شده کم است و عرفا به حساب نمی آید:  
معامله صحیح است ولی فروشنده مرتکب حرام شده و خریدار هروقت متوجه شد، حق فسخ دارد  
الف ۲- مقدار مخلوط شده قابل توجه است:  
معامله نسبت به مقدار مخلوط شده از جنس دیگر، باطل است و فروشنده مرتکب عمل حرام شده و مشتری می تواند یا فقط مقدار مخلوط شده از جنس دیگر را پس داده و مقدار پول خود به ازای آن را پس بگیرد یا می تواند کل معامله را فسخ کند

ب- فروشنده عین خاصی را به عهده نگرفته بود ولی قول تهیه جنس خالص داده بود نه مخلوط با جنس دیگر:  
در این صورت معامله صحیح است ولی فروشنده مرتکب حرام شده و خریدار هر وقت متوجه شد، حق فسخ دارد

۳- فروشنده جنس دیگری تحویل بدهد:  
در ابتدا وعده تحویل جنسی را داده اما هنگام تحویل دادن، جنس دیگری تحویل مشتری می دهد  
در این فرض، مرتکب حرام شده و باطل است و نقل و انتقالی صورت نمی گیرد

۴- دادن جنس معیوب به مشتری:  
فروشنده عمدا جنس معیوب را به عنوان جنس سالم به مشتری داده است که در این صورت فعل حرام مرتکب شده ولی معامله صحیح است و مشتری حق فسخ دارد

۵- دادن جنس مستعمل یا کهنه به مشتری:  
فروشنده جنس دست دوم یا کهنه را به عنوان جنس نو به مشتری فروخته است که در این صورت فعل حرام مرتکب شده ولی معامله صحیح است و مشتری حق فسخ دارد



# درس پنجاه و هشتم

## عقد هبه

هبه به این معنا است که شخصی جنسی را به ملکیت دیگری درآورد اما نه در مقابل عوض و پول بلکه به صورت مجانی (هدیه دادن)  
عقد هبه از عقود جایز است نه لازم، یعنی در مواردی هدیه دهنده می تواند عین هبه شده را پس بگیرد

## شرط تحقق هبه

برای تحقق عقد هبه علاوه بر عقد لفظی یا فعلی، قبض عین از طرف دریافت کننده هبه نیز لازم است یعنی تا وقتی شخص هبه را قبض نکند و نگیرد، هبه محقق نمی شود و جنس به ملکیت او در نمی آید لذا در فرضی که مثلا پدری عینی را به فرزندش بخشید ولی هنوز به او تحویل نداده و فرزندش قبض نکرده است عین را و در این مدت پدر از دنیا رفت دیگر آن عین مال فرزند نیست بلکه مشترک بین تمام وراثت است

## موارد عدم جواز پس گرفتن هبه

- ۱- اگر بین دو نفری باشد که رابطه رحمی دارند
- ۲- اگر یکی از طرفین از دنیا برود
- ۳- اگر عین تلف شود یا تغییر کند
- ۴- هبه از نوع معوض باشد (یعنی هدیه ای که می دهد عوض داشته باشد و هدیه ای دریافت کند)
- ۵- هبه مشروط باشد که به شرطش عمل شده (یعنی شرطی ضمیمه این هبه شده که در صورت عمل به شرط، هدیه به ملکیت در می آید)

# درس پنجاه و نهم

## عاریه

عاریه این است که منفعت یک شیء (نه خود عین) به صورت مجانی به شخص دیگر واگذار شود

- ✓ شخصی که عاریه می گیرد مجاز نیست به هر نحوی و در هر حدی که خواست در شیء تصرف کند بلکه باید تصرف او در حد عرفی باشد، مثلا برای استفاده از یک لباس به صورت عاریه همان استفاده عرفی مثل پوشیدن، شستن و... را داشته باشد و در حفظ و نگهداری شیء نباید افراط و تفریط کند و اگر کرد، ضامن خسارت یا تلف شدن شیء است. به عبارتی دیگری او ید امانی است
- ✓ در خصوص طلا و نقره در صورتی که شخصی آن را عاریه بگیرد و خسارتی ببیند یا تلف شود در هر صورت ضامن است، چه افراط و تفریط کرده باشد یا نکرده باشد

## اجاره

- اجاره این است که منفعت یک شیء در ازای اجرتی به دیگری واگذار شود
- ✓ اجاره از عقود لازمه است یعنی یکطرفه قابل فسخ نیست مگر اینکه در شروط ضمن عقد حق فسخ پیشبینی شده باشد یا یکی از خيارات فسخی که در بیع گذشت وجود داشته باشد
  - ✓ منفعت در اجاره می تواند به صورت فعل باشد مثل اجاره کردن یک کارگر یا به صورت های دیگر مثل اجاره کردن خانه، ماشین و...

## شرایط اجاره

الف- شرایط طرفین اجاره:  
همان شرایط عامه ای است که در بیع گذشت، مثل عقل، بلوغ و...

ب- شرایط عینی که اجاره داده می شود:

- ۱- منفعت عین و اجرت آن مشخص باشد  
(مدت زمان اجاره، خود عین و مبلغ اجرت مشخص باشد)
- ۲- عین قابل تسلیم و تحویل به مشتری باشد
- ۳- عین از اشیائی نباشد که بعد از انتفاع بردن از بین می رود (مثل خوراکی ها)
- ۴- عین قابل انتفاع باشد (شرایط استفاده و انتفاع از آن مهیا باشد)
- ۵- منفعت عین حلال باشد (نه اینکه مثلا خانه ای را برای کار حرامی اجاره دهد)

✓ عینی که در دست مستاجر است همانند امانت نزد اوست و اگر تلف یا دچار خسارت شد شرایطش همان است که در عاریه گذشت

# درس شصتم

## شرکت (شراکت)

- ✓ شرکت به این نحو است که حداقل ۲ نفر در مال واحدی به نحو مشاع سهام باشند
- ✓ اگر سهام بودن به نحو مشاع نباشد و سهم هرکس جدا باشد، مصداق شراکت فقهی نیست
- ✓ آنچه موضوع بحث است شراکت اختیاری است نه شراکت غیر اختیاری (مثل مالی که به چند نفر به ارث رسیده و در آن شریک هستند که این شراکت غیر اختیاری است)
- ✓ عقد شرکت از عقود جایزه است یعنی هر کدام از شرکاء هر وقت بخواهند می توانند از شراکت خارج شوند
- ✓ برای تحقق عقد شرکت لازم است هریک از شرکاء شرایط عامه (عقل، بلوغ، اختیار و...) را که در بحث های قبلی گذشت، داشته باشد
- ✓ نحوه تقسیم منفعت یا ضرر در شراکت به اندازه سهمی است که هریک از شرکاء دارند و به نسبت همان سهم، سود یا ضرر بین آنها تقسیم می شود

## مضاربه

به این شکل است که مال از یک نفر و کار از شخص دیگر باشد  
کسی که صحاب مال است مالک و کسی که کار می کند عامل نامیده می شوند

## شرایط طرفین مضاربه

- ۱- دارا بودن شرایط عامه
  - ۲- شخص عامل، قدرت و استطاعت بر تجارت داشته باشد
- ✓ نحوه تقسیم سود در مضاربه باید به صورت درصد مشخص شود نه بصورت مبلغ ثابت و معین

- ✓ اگر در مضاربه سودی حاصل شد، بر اساس همان درصدی که توافق شده تقسیم می شود و اگر هیچ سودی حاصل نشد به هیچ یک از طرفین نه سودی تعلق می گیرد نه ضرر و اگر ضرری حاصل شد متوجه مالک است نه عامل مگر اینکه عامل با افراط یا تفریط خود مقصر ضرر باشد که در این صورت ضامن است و اگر در ضمن عقد شرط شود که ضرر هم مانند سود باید بین طرفین تقسیم شود یا کلاً به عهده عامل باشد، مانعی ندارد
- ✓ در مضاربه می شود مالک ها یا عامل ها متعدد باشند و باید در عقد، سهم هریک مشخص شود

## فهرست

۱	درس اول	سعدت و کمال در مکتب اسلام
۲	راهکارهای تعیین عمل صالح، شرایط، موانع و مقدمات آن	
۵	درس دوم	تقلید
۵	تقلید چیست؟	
۵	ضرورت تقلید چیست؟	
۶	شرایط مرجع تقلید چیست؟	
۸	درس سوم	اجتهاد
۸	اجتهاد	
۱۰	درس چهارم	منظور از اعلم چیست؟
۱۰	طریقه تشخیص اعلم از غیر اعلم چیست؟	
۱۱	درس پنجم	عدالت
۱۱	عدالت چیست؟	
۱۲	طریقه ی احراز عدالت	
۱۳	درس ششم	حیات
۱۳	حیات	
۱۶	درس هفتم	تتمه مبحث تقلید
۱۶	موارد جواز (وجوب) عدول از مرجع تقلید:	
۱۷	راه های به دست آوردن فتاوی مرجع تقلید:	
۱۹	درس هشتم	کتاب طهارت
۱۹	کتاب طهارت	
۱۹	دو اصطلاح فقهی مهم در باب طهارت:	
۲۰	تقسیم مایعات	
۲۲	درس نهم	آب باران
۲۲	آب باران:	
۲۳	مشخصه ی آب کر	
۲۴	درس دهم	مطهرات
۲۴	مطهرات	

۲۴	نجاسات
۲۴	احکام تخلی
۲۵	استبراء (یکی از مستحبات تخلی):
۲۵	تطهیر موضع تخلی
۲۷	<b>درس یازدهم</b>
۲۷	منی و خون
۲۷	مردار
۲۷	سگ و خوک
۲۸	مسکرات
۲۸	کافر
۲۸	عرق جنابت از حرام
۲۹	<b>درس دوازدهم</b>
۲۹	شروط پاک کننده بودن آب
۲۹	زمین
۲۹	شروط پاک کننده بودن زمین
۲۹	آفتاب
۳۰	شروط پاک کننده بودن آفتاب
۳۰	استحاله
۳۰	انتقال
۳۰	اسلام
۳۱	تبعیت
۳۲	<b>درس سیزدهم</b>
۳۲	راه های اثبات نجاست
۳۲	نحوه ی نجس شدن یک شیء
۳۳	تطهیر شیء نجس
۳۳	تطهیر ظروف نجس شده
۳۵	<b>درس چهاردهم</b>
۳۵	طهارت از حدث
۳۵	انواع حدث
۳۵	روش های طهارت از حدث
۳۶	وضو
۳۹	<b>درس پانزدهم</b>
۳۹	اهداف و غایات وضو گرفتن

۳۹	آیا وضو همیشه رافع حدث است؟
۴۰	نواقض (مبطلات) وضو
۴۲	درس شانزدهم
۴۲	شرایط صحت وضو
۴۵	درس هفدهم
۴۶	وضوی جبیره
۴۶	مواضع وضوی جبیره
۴۸	درس هجدهم
۴۸	چند نکته در باب وضوی جبیره ای
۴۹	غسل جبیره ای
۵۰	تیمم جبیره ای
۵۱	درس نوزدهم
۵۱	غسل های واجب
۵۱	جنابت
۵۱	چگونگی حصول جنابت (جنب شدن)
۵۲	احکام جنابت (محرمات)
۵۳	تطهیر از جنابت (غسل)
۵۳	نحوه غسل کردن
۵۴	درس بیستم
۵۴	تتمه مبحث غسل جنابت
۵۶	درس بیست و یکم
۵۶	حیض
۵۶	حائض
۵۶	صفات خون حیض
۵۶	محدوده زمانی حیض
۵۷	شرایط زمانی خون حیض
۵۸	اقسام حائض
۵۹	محرمات حیض
۶۰	درس بیست و دوم
۶۰	نفاس
۶۰	شرایط زمانی و مقداری خون نفاس
۶۱	محرمات نفاس
۶۱	استحاضه



۶۱	صفات خون استحاضه (صفات غالبی)
۶۲	اقسام استحاضه
۶۲	احکام استحاضه
۶۴	<b>درس بیست و سوم</b>
۶۴	غسل مس میت
۶۴	شرط وجوب غسل مس میت
۶۵	احکام میت
۶۷	<b>درس بیست و چهارم</b>
۶۷	غسل میت
۶۷	شرایط غسل
۶۷	مراحل غسل میت
۷۰	<b>درس بیست و پنجم</b>
۷۰	حنوط میت
۷۰	تکفین میت
۷۱	نماز میت
۷۱	دفن میت
۷۲	تلقین میت
۷۳	<b>درس بیست و ششم</b>
۷۳	تیمم
۷۳	مواضع تیمم
۷۴	آنچه تیمم برآن صحیح است
۷۴	احکام تیمم
۷۵	کیفیت تیمم
۷۵	چند مسأله مهم در باب تیمم
۷۷	<b>درس بیست و هفتم</b>
۷۷	نمازهای واجب
۷۷	اوقات نمازهای یومیه
۷۹	<b>درس بیست و هشتم</b>
۷۹	غروب خورشید
۷۹	وقت مشترک، مختص و فضیلت نماز ظهر و عصر
۸۰	وقت نماز مغرب و عشاء
۸۱	وقت مشترک، مختص و فضیلت نماز مغرب و عشاء
۸۱	وقت نماز صبح

۸۲	وقت فضیلت نماز صبح
۸۳	درس بیست و نهم
۸۳	راه های علم به داخل شدن وقت نماز
۸۶	درس سی ام
۸۶	احکام قبله
۸۶	تعیین جهت قبله
۸۷	ستر عورت
۸۸	لباس نمازگزار
۸۹	درس سی و یکم
۸۹	شرایط مکان نمازگزار
۹۰	مراحل نماز خواندن
۹۰	واجبات رکعی و غیر رکعی نماز
۹۲	درس سی و دوم
۹۲	قیام نماز
۹۳	قرائت
۹۵	درس سی و سوم
۹۶	عدول از قرائت سوره ای به سوره دیگر در نماز
۹۶	رکعات سوم و چهارم نماز
۹۷	رکوع
۹۸	درس سی و چهارم
۹۸	سجده
۹۸	کیفیت سجده
۹۸	آنچه سجده بر آنها صحیح است
۹۹	ترتیب اولویت در آنچه سجده بر آنها صحیح است
۹۹	عجز از رکوع
۱۰۰	عجز از سجده
۱۰۱	درس سی و پنجم
۱۰۱	تشهد
۱۰۱	سلام
۱۰۲	ترتیب
۱۰۲	موالات
۱۰۲	مبطلات نماز
۱۰۴	درس سی و ششم

۱۰۴	موارد وجوب قطع نماز
۱۰۴	شکایات نماز
۱۰۶	درس سی و هفتم
۱۰۷	کیفیت نماز احتیاط
۱۰۸	درس سی و هشتم
۱۰۸	مواضع سجده سهو
۱۰۸	کیفیت سجده سهو
۱۰۹	نماز مسافر
۱۰۹	شرایط سفر
۱۱۱	درس سی و نهم
۱۱۱	قواطع سفر
۱۱۳	درس چهل و یکم
۱۱۵	درس چهل و یکم
۱۱۵	نماز آیات
۱۱۵	موارد وجوب نماز آیات
۱۱۵	وقت نماز آیات
۱۱۶	کیفیت نماز آیات
۱۱۸	درس چهل و دوم
۱۱۸	نماز جماعت
۱۱۹	عدول از جماعت به فرادی
۱۱۹	شرایط تحقق نماز جماعت
۱۲۰	درس چهل و سوم
۱۲۰	شرایط امام جماعت
۱۲۰	فروع احکام نماز جماعت
۱۲۲	درس چهل و چهارم
۱۲۲	روزه
۱۲۲	انواع روزه و زمان نیت آنها
۱۲۳	عدول نیت در روزه
۱۲۳	یوم الشک
۱۲۴	درس چهل و پنجم
۱۲۴	مفطرات روزه
۱۲۷	درس چهل و ششم
۱۲۷	شرایط صحت روزه

۱۲۸	.....	افطار عمدی روزه
۱۲۹	.....	کفاره روزه
۱۳۰	.....	<b>درس چهل و هفتم</b>
۱۳۰	.....	مواردی که فقط قضا واجب است
۱۳۰	.....	موارد عدم وجوب روزه
۱۳۱	.....	کفاره تاخیر
۱۳۲	.....	<b>درس چهل و هشتم</b>
۱۳۲	.....	راه های ثابت شدن اول ماه
۱۳۳	.....	اعتکاف
۱۳۳	.....	شرایط اعتکاف
۱۳۳	.....	میطلات اعتکاف
۱۳۵	.....	<b>درس چهل و نهم</b>
۱۳۵	.....	خمس
۱۳۵	.....	متعلقات خمس
۱۳۶	.....	نحوه پرداخت خمس
۱۳۷	.....	<b>درس پنجاهم</b>
۱۳۷	.....	زکات
۱۳۷	.....	موارد ۹ گانه تعلق زکات
۱۳۷	.....	حد نصاب و مقدار زکات
۱۳۹	.....	<b>درس پنجاه و یکم</b>
۱۳۹	.....	مصارف زکات
۱۴۰	.....	زکات فطره
۱۴۰	.....	زمان پرداخت زکات فطره
۱۴۱	.....	<b>درس پنجاه و دوم</b>
۱۴۱	.....	معاملات
۱۴۱	.....	اقسام معاملات
۱۴۱	.....	انواع خرید و فروش
۱۴۳	.....	<b>درس پنجاه و سوم</b>
۱۴۳	.....	شرایط بیع
۱۴۵	.....	<b>درس پنجاه و چهارم</b>
۱۴۵	.....	خيارات فسخ
۱۴۷	.....	<b>درس پنجاه و پنجم</b>
۱۴۷	.....	معاملات باطل

۱۴۸.....	درس پنجاه و ششم
۱۴۸.....	اقسام رباء
۱۴۹.....	استثنائات رباء
۱۵۰.....	درس پنجاه و هفتم
۱۵۰.....	غش در معامله
۱۵۰.....	اقسام غش در معامله
۱۵۲.....	درس پنجاه و هشتم
۱۵۲.....	عقد هبه
۱۵۲.....	شرط تحقق هبه
۱۵۲.....	موارد عدم جواز پس گرفتن هبه
۱۵۳.....	درس پنجاه و نهم
۱۵۳.....	عاریه
۱۵۳.....	اجاره
۱۵۳.....	شرایط اجاره
۱۵۵.....	درس شصتم
۱۵۵.....	شرکت (شراکت)
۱۵۵.....	مضاربه
۱۵۵.....	شرایط طرفین مضاربه